

گام به گام با جایزه ادبی جلال آل احمد و برگزیدگان

جلال، تأثیر گذارترین شخصیت ادبیات معاصر



این انتقادات می توان به حضور نداشتن بستگان زنده یاد جلال آل احمد، از جمله سیمین دانشور (همسر او) و شمس آل احمد (برادر جلال) اشاره کرد که در سال گذشته بازتاب رسانه ای وسیعی داشت. امسال اما مسوولان جشنواره از شمس آل احمد و سیمین دانشور برای شرکت در مراسم دعوت کردند

دومین دوره جایزه جلال آل احمد در حالی برگزار شد که برپایی نخستین دوره آن سبب شده بود تا توجهات بسیاری به سوی این جایزه فرهنگی جلب شود، هر چند که در دور اول این جایزه، کسی به عنوان برنده اعلام نشد. برخی از انتقادات در مورد دور اول این جایزه، مسوولان برگزاری را برای برپایی هر چه منسجم تر این جایزه مصمم کرد. از جمله

کتابخانه

عکس: رضا دانشی

شنبه ۷ آذر ۱۳۸۸
۱۰ ذیحجه ۲۸، ۱۴۳۰ نوامبر ۲۰۰۹
شماره ۲۰۹، پیاپی ۸۶۰
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir

فرهنگنامه های ما
ترجمه بوده اند
نه تاریخی



۶

روایت پینتر از
«در جست و جوی
زمان از دست رفته»



۱۵

ضرورت تغییر
نگرش به مقوله
کتابخوانی معلولان



۲۳

سرآغاز

آینده روشن کتاب

مراسم اختتامیه کتاب و رسانه برتر جدا از تمام نکاتی که داشت، یک برنامه شیرین و جذاب برای شرکت کنندگان بود. در این مراسم چند نماهنگ (کلیپ) انیمیشن با موضوع کودک و نوجوان به نمایش درآمد، که اتفاقاً با استقبال حضاران نیز همراه شد. در این تصاویر، کودکانی شاد و سرخوش، به نمایش گذاشته شدند. کودکانی که با علاقه کتاب می خواندند و از این کارشان لذت می بردند. این اتفاق از چند نگاه میمون بود. نخست آن که کتابخوانی را در فضایی شاد به نمایش می گذاشت و از خمودگی و رخوت در آن خبری نبود. دیگر آن که این موضوع را برای کودکان مطرح می کرد که امیدهای آینده اند و آخر آن که، کتاب را بخشی از زندگی قرار داده بود، چنانچه این کودکان در فضاهای مختلف زندگی شان، در حال کتابخوانی بودند. استقبال کودکانی که در مراسم حضور داشتند نوید خوبی برای کتابخوانی در آینده ای روشن بود، آینده ای روشن که کتاب می تواند در آن بخش مستندی از زندگی ما باشد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم جایزه جلال آل احمد:

جایزه جلال، فرصتی برای نسل جوان است

جلال که آن شرایط را بر نمی تابد پس از فراز و فرودهای فکری بسیار و ارتباط با اشخاصی نظیر کسروی و هدایت، آخر الامر در پی یافتن حقیقت، بازگشت به خویش خویش، بر می آید و نهایتاً در مکتب امام (ره) دوباره روحش به آرامش می رسد.

رئیس مجلس شورای اسلامی نیز طی سخنانی جلال آل احمد را تأثیر گذارترین شخصیت در ادبیات معاصر ایران و فراز و فرودهای زندگی او را نشان آزادمردی وی دانست.

علی لاریجانی در تحلیل دلایل پشت کردن جلال به مذهب در اوایل جوانی را از زبان خود او، سختگیری های بیش از حد پدری در انجام فرایض دینی عنوان کرد و گفت: «این موضوع نشانگر اهمیت محیط خانواده به عنوان یک مدرسه تربیتی و مکانی برای فهم عواطف و درک عمیق حقایق است.»

لاریجانی افزود: «جلال ابتدا در مسائل مذهبی نمود عمیقی داشت و نگاه او به مذهب، متأثر از کارکردهای اجتماعی آن بود.» لاریجانی در ادامه با اشاره به حضور و فعالیت جلال در حزب توده و نحوه گسست او از این حزب، اظهار داشت: «تجربه های جلال طی این سال ها، سرانجام او را به حقیقت امر واقف ساخت چرا که آنچه او می دید، باروحیه آزادگی اش وفق نداشت و سرانجام هم در دریای معارف اهل بیت (ع) اطمینان خاطر پیدا کرد.»

ادامه در صفحه ۴

سید محمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دوشنبه گذشته دوم آذرماه با حضور در مراسم اختتامیه دومین دوره جایزه جلال آل احمد، طی سخنانی با تکریم از شخصیت این نویسنده فقید، بر ضرورت شناساندن مشاهیر و بزرگان ادب ایرانی به نسل جوان تأکید کرد.

این مراسم که با حضور علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر ارشاد، شمس آل احمد برادر جلال آل احمد و جمعی از مسوولان و وحدت شخصیت های فرهنگی کشور در تالار وحدت تهران برگزار شد و برگزیدگان دومین جایزه جلال آل احمد معرفی و به آنان جوایزی اهدا شد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنانش خود، بزرگداشت مشاهیر و بزرگانی نظیر جلال آل احمد را تکریم علم و دانش و ادب و فضیلت دانست و گفت: «برگزاری مراسمی از این دست فرصتی مناسب به ویژه برای نسل جوان ماست تا با بزرگان و شخصیت هایی که خدمات ارزشمندی ارائه کرده اند و تمام عمر برای عزت و اعتلای کشور و برای درک دردهای مردم کوشیده اند، آشنا شوند.»

حسینی با مروری بر زندگی و آثار جلال آل احمد و تأثیر وقایعی نظیر ۱۵ خرداد بر تحولات فکری او اظهار داشت: «روح



- ۲ انصراف ها تأثیری در داوری جایزه جلال نداشتند
- شرایط حضور در چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر
- ۳ زندگی مادر لوکلزیو در ایران زیر چاپ رفت
- جدیدترین اثر فوئتنس به زودی منتشر می شود
- ۴ راوی «دا» خاطرات همسر جانبازش را می نویسد

روایت و بازآفرینی هنری گنجینه خصلت های والا و انسانی هشت سال دفاع مقدس یک مجاهدت بزرگ است که قطعا تأثیرات آن حادثه عظیم را خواهد داشت. آثار هنری مربوط به دفاع مقدس در عرصه های فیلم، کتاب، خاطره و رمان، یکی از پر مخاطب ترین آثار هنری بعد از انقلاب در جامعه است. بنابراین هر چه بیشتر در این عرصه سرمایه گذاری و تلاش شود مناسب است. مسؤولان بخش های فرهنگی و هنری نیز باید بیش از پیش از نظرات و دیدگاه های فعالان این عرصه استفاده کنند.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از هنرمندان و فعالان عرصه ادبیات و هنر دفاع مقدس ۱۳۸۸/۶/۲۴

شرایط حضور در چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر اعلام شد

چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر در دو سطح جوان (زیر ۳۰ سال) و بزرگسال بهمن ماه سال جاری به صورت رقابتی برگزار می شود و علی موسوی گرمزودی با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دبیری این جشنواره را برعهده خواهد داشت. سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین مصطفی امیدی را به عنوان دبیر اجرایی و مرتضی امیری اسفندقه را به سمت دبیر علمی این جشنواره منصوب کرد.

بنابر اعلام دبیرخانه چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر، شاعران متقاضی شرکت در این جشنواره باید ۲۰ تا ۴۰ صفحه از اشعار چاپ نشده یا چاپ شده خود در نشریات و کتب (از سال ۸۷ تاکنون) را فقط در یکی از قالب های شعر سنتی، نو (اعم از نیمایی و سپید) و کودک و نوجوان در پنج نسخه تکثیر و همراه مدارک دیگر شامل تصویر صفحه اول شناسنامه و فرم تکمیل شده به نشانی دبیرخانه این جشنواره در تهران ارسال کنند. دریافت فرم مذکور نیز از طریق مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نشانی www.ibna.ir امکان پذیر است.

علاقه مندان شرکت در این جشنواره می توانند آثار و مدارک لازم را حداکثر تا پایان وقت اداری دوشنبه سی ام آذرماه جاری از طریق پست به دبیرخانه مرکزی این جشنواره به نشانی، تهران، میدان هفت تیر، خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان فجر، شماره ۷، ساختمان فجر، طبقه چهارم ارسال کنند و برای دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۸۳۴۲۹۷۹ تماس بگیرند.

دبیرخانه این جشنواره زمان برگزاری مراسم افتتاحیه این جشنواره را اول بهمن و زمان برگزاری مراسم اختتامیه و معرفی برگزیدگان را اول اسفند ۱۳۸۸ اعلام کرده است.

به گفته مدیرعامل موسسه خانه کتاب، اعلام انصراف برخی نویسندگان در حوزه ادبیات داستانی که آثارشان به مرحله نهایی جایزه جلال رسیده بود، نهایتاً تأثیری در نتایج داوری هانداشت و این داوری ها طبق روال معمول و بدون توجه به حاشیه ها انجام شد.

علی شجاعی صائین، مدیرعامل خانه کتاب در خاتمه برگزاری مراسم جایزه جلال آل احمد در گفت و گو با خبرنگار کتاب هفته با بیان این مطلب و تأکید بر این که اثر منتشر شده صرفاً به نویسنده اش تعلق ندارد و این حق جامعه است که درباره آن داوری و اظهار نظر کند گفت: «در دومین دوره جایزه جلال در بخش ادبیات داستانی ۶ اثر به عنوان آثار راه یافته به مرحله نهایی معرفی شدند و پس از آن برخی از این داستان نویسان محترم اعلام انصراف کردند اما به رغم همه این ها داوری ها طبق روال معمول مسیر خود را طی کرد و متأسفانه در نهایت در این بخش هیچ اثری به عنوان اثر برگزیده یا شایسته تقدیر شناخته نشد.»

شجاعی افزود: «اگر اثری برگزیده شد و صاحب اثر تمایلی به دریافت جایزه نداشت صاحب اثر مختار است که برای دریافت جایزه مراجعه نکند.» وی در ادامه تصریح کرد: «این دوستان قبل از این که نتایج نهایی اعلام شود صرفاً براساس اعلام اسامی راه یافته به مرحله نهایی داوری از سوی دبیرخانه این جایزه اعلام انصراف داده بودند اما گروه داوری کار خودش را انجام داد و بنابر امتیازهای ثبت شده برای هر یک از این ۶ اثر، متأسفانه هیچ یک



از آنها، چه آنها که انصراف داده بودند و چه آنها که انصراف نداده بودند، امتیاز لازم را در هیچ یک از دو بخش آثار برگزیده و آثار شایسته تقدیر کسب نکردند.» مدیرعامل خانه کتاب تأکید کرد: «قطعا هیچ معیاری فراتر از معیارهای تخصصی و عمومی داوری در این جمع بندی دخیل نبوده و نتایج اعلام شده صرفاً براساس ارزیابی تخصصی داوران بوده است.» شجاعی در پاسخ به این سوال که «برخی معتقدند دلیل برگزیده نداشتن در بخش ادبیات داستانی جایزه جلال، سختگیری بیش از حد داوران بوده و نظر شما در این باره چیست؟» گفت: «داوران در ارزیابی

مدیرعامل خانه کتاب:

انصراف ها تأثیری در داوری جایزه جلال نداشتند

و اظهار رأی خودشان استقلال کامل داشتند و براساس معیارهای تخصصی خودشان داوری کردند، ضمن این که به هر حال جایزه ادبی جلال هم به لحاظ نفس خود جایزه و هم ارزش ریالی آن، معتبرترین جایزه ادبی کشور است و طبیعی است که داوران در مقایسه با سایر جشنواره ها معیارهای سختگیرانه تری داشته باشند و این موضوع خیلی دور از انتظار نبود.»

شجاعی با مقایسه دومین دوره جایزه جلال با نخستین دوره برگزاری آن - از نظر تعداد آثار رسیده به دبیرخانه این جایزه - اظهار داشت: «در نخستین دوره برگزاری این جایزه که آثار دو سال را بررسی کردیم، برای دو سال ۳۵۰ اثر در گروه نقد ادبی داشتیم، اما آثار این بخش در دومین دوره که مقطع زمانی یک سال را شامل می شد ۳۴۰ اثر بود یعنی تعداد آثار رسیده به دبیرخانه در حوزه نقد ادبی تقریباً افزایش صد درصدی داشته که این، رویداد مبارکی است.» وی همچنین یادآور شد: «در نخستین دوره، داوران هیچ اثری را به عنوان اثر برگزیده معرفی نکردند و تنها چند اثر شایسته تقدیر شناخته شدند اما در این دوره در دو گروه مستندنگاری و نقد ادبی برگزیده داشتیم و از این جهت فکر می کنم با توجه به نتایج داوری ها می توانیم بگوییم از نظر کیفی حداقل یک گام به جلو برداشته ایم.» مدیرعامل خانه کتاب در پایان از حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از آثار برگزیده جایزه جلال آل احمد در قالب خرید ۵۰۰ نسخه از آثار برگزیده توسط این وزارتخانه خبر داد.

در نشست هم اندیشی تشکل های فرهنگی تبیین شد برنامه های معاونت فرهنگی برای تعامل با ناشران

ارشاد، دو طرفه است. برخی از مطالباتی که در این نشست از سوی ناشران مطرح شد، به حق بود.»

وی ادامه داد: «شرایط فعلی نشر کشور یک فرصت طلایی است که پیش از این را تجربه نکرده بودیم.»

قبادی با بیان این مطلب که تجربه مطلوب برگزاری نمایشگاه های تخصصی نشر دانشگاهی در دو سال گذشته، زمینه را برای دیگر تشکل ها فراهم کرده است، تصریح کرد: «دولت در برگزاری این نمایشگاه ها هیچ دخالت ندارد و به شکل خودجوش و توسط تشکل های نشر برگزار می شود. این نمایشگاه ها هر سال شکل جدی تری به خود می گیرند و البته باید در این حوزه از تکرار پرهیز و برنامه های جدی تری نیز ارائه شود.»

قبادی در بخش دیگری از سخنانش از طرح جامع طبقه بندی ناشران خبر داد و گفت: «اگر نشر ایران می خواهد حرفه ای شود باید نظام جامعی نیز برای آن فراهم باشد که مهم ترین آن، بحث طبقه بندی ناشران است.»

وی افزود: «با وجود درخواست معاونت فرهنگی از ناشران برای ارسال نظرات خود در این باره، هنوز پاسخی به دست ما نرسیده است گرچه پیش نویس آن به زودی تهیه و با بررسی تشکل ها نهایی خواهد شد.»

مشاور معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان از حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از کتاب های ارزشمند و فاخر که براساس آیین نامه ای درجه بندی می شوند، خبر داد و افزود: «هر ناشری که آثار ارزشمندی در حوزه خود دارد، مورد حمایت وزارت ارشاد قرار خواهد گرفت و دیگر شاهد عدم انتشار اثری فاخر به دلیل مشکلات مالی نخواهیم بود.»

نشست هم اندیشی تشکل های فرهنگی نشر در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، صبح روز چهارشنبه (۴ آذر) در سالن اجتماعات ساختمان فجر برگزار شد. در این نشست، مشاور معاون وزیر ارشاد و مدیرعامل موسسه نمایشگاه های فرهنگی کشور، به دغدغه های ناشران داخلی درباره مسائل مختلف پاسخ دادند. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، در ابتدای این نشست، ناشران و نمایندگان تشکل های فرهنگی به بیان نظرات و مسائل خود درباره حوزه های مختلف در صنعت نشر کشور پرداختند. توجه به قانون گزایی در حوزه نشر، مسائل مختلف نمایشگاه های استانی، نمایشگاه های خارج از کشور و مباحث نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از جمله مواردی بودند که نمایندگان تشکل های نشر به آنها پرداختند.

در این نشست، احسان الله حجتی، مدیرعامل موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران گفت: «از سال ۷۰ تا ۸۴ در مجموعه ۸۸ نمایشگاه استانی در کشور برگزار شد که حداقل حضور ناشران در نمایشگاه ها با ۵۰۰ غرفه بوده است.»

وی ادامه داد: «طرف سه سال گذشته، نزدیک به ۶۰ نمایشگاه استانی در سراسر کشور برگزار شده که حداکثر حضور ناشران به ۱۰۰۰ ناشر نیز رسیده است.» مدیرعامل موسسه نمایشگاه های فرهنگی کشور با اشاره به حضور در نمایشگاه های خارج از کشور به عنوان یک افتخار، افزود: «موسسه نمایشگاه های فرهنگی در سه سال گذشته در ۶۰ نمایشگاه خارجی شرکت کرده و توانسته حضور چندین نمایشگاه خارجی را در تهران نیز فراهم آورد.» در ادامه این نشست، حمید قبادی، مشاور معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «همواره معتقدم که مطالب ناشران و مسؤولان وزارت

معاون فرهنگی وزارت ارشاد از بسیجیان خانه کتاب تقدیر کرد

نبود، بلکه تحمل لحظات مشقت بار آن دوران برای رزمندگان، به خاطر وجود فضای معنوی، نفوذ و تأثیرات آنها بر یکدیگر بود.

وی در پایان، خاطرات کوتاهی از احوال معنوی همزمان شهیدش چون: ابراهیم حسامی، محمدرضا کارور و علی جزمانی را بازگو کرد.

در این مراسم از اعضای فعال بسیج خانه کتاب از جمله، مجتبی ایزدخواه، مهدی مولا زاده، رجبعلی سالاریان، اکبر محسنی راد و محمد خلیج و فعالان نمایشگاه «یاد یاران» در هفته دفاع مقدس چون: مراد خزایی، احمد میرآبادی، عباس غلامی و علی گلستانس تقدیر و تجلیل به عمل آمد.

جبهه های دوران دفاع مقدس رافضایی ویژه توصیف کرد و اظهار داشت: «فضای جبهه های دوران دفاع مقدس، دارای حال و هوای معنوی بود که دل کنند از آن برای کسانی که با نیت قلبی و خدایسندانه وارد می شدند و احوال معنوی آن دوران را از نزدیک لمس کرده بودند، بسیار دشوار بود.

وی فضای معنوی جبهه ها را مهم ترین علت جذب رزمندگان به مناطق جنگی اعلام کرد و افزود: «متأسفانه درک نسل امروز درباره فضا و جریانات جنگ تحمیلی، حاصل پندار و تصویر سازی های اشتباه غربیان است. هشت سال دفاع مقدس، هدفش کشتن یا به شهادت رسیدن

محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسمی از اعضای فعال بسیج خانه کتاب، مجتبی ایزدخواه، مهدی مولا زاده، رجبعلی سالاریان، اکبر محسنی راد و محمدخلیج و فعالان نمایشگاه «یاد یاران» در هفته دفاع مقدس، مراد خزایی، احمد میرآبادی، عباس غلامی و علی گلستانی تقدیر کرد.

در مراسم تقدیر از اعضای بسیج خانه کتاب که با حضور محسن پرویز، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و علی شجاعی صائین، مدیرعامل موسسه خانه کتاب چهارشنبه (۴ آذر ۸۸) در سرای اهل قلم برگزار شد، دکتر پرویز فضای

برگزاری جایزه کتاب فصل در شب یلدا

مراسم پایانی دهمین دوره جایزه کتاب فصل ۳۰ آذر (همزمان با شب یلدا) در تهران برگزار می شود. مرحله دوم داوری این جایزه اکنون در حال انجام است و داوران برای این کار و تعیین آثار برگزیده و شایسته تقدیر تا ۱۵ آذرماه جاری فرصت دارند. مراسم پایانی این دوره از جایزه از ساعت ۱۵ تا ۱۷ روز دوشنبه ۳۰ آذر (همزمان با شب یلدا) با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، جمعی از مسؤولان فرهنگی و نیز اهالی فرهنگ و ادبیات در سرای اهل قلم برگزار می شود.

زندگی مادر لوکلزیو در ایران زیر چاپ رفت

ترجمه مهستی بحرینی از رمان «ترجیع گرسنگی»، آخرین کتاب ژان ماری گوستاو لوکلزیو، برنده فرانسوی نوبل ادبیات، توسط انتشارات نیلوفر زیر چاپ رفت و به زودی روانه بازار کتاب ایران می شود.

این دومین ترجمه فارسی از این کتاب است. «ترجیع گرسنگی» آخرین اثر این نویسنده فرانسوی محسوب می شود و نسخه اصلی آن در سال ۲۰۰۸ میلادی در فرانسه به چاپ رسیده است. ترجمه فارسی دیگری نیز از این کتاب توسط مهتاب صبوری انجام شده که این ترجمه چندی پیش توسط نشر افراز، با نام «آوای گرسنگی» در ایران منتشر شده است.

لوکلزیو در این رمان ماجرای زن جوانی به نام «اتل» در پاریس در سال ۱۹۳۰ میلادی را تعریف می کند. زندگی این شخصیت داستانی که مجبور است مخارج خود و پدر و مادرش را به دوش بکشد، شباهت های زیادی به زندگی مادر لوکلزیو دارد؛ به شکلی که برخی منتقدان اعتقاد دارند نویسنده در این رمان زندگی مادرش را دستمایه رمان قرار داده یا دست کم از آن الهام گرفته است. وی نیز هرگز این ادعا را رد نکرده است. ترجمه بحرینی از «ترجیع گرسنگی» در ۲۳۳ صفحه چاپی منتشر می شود. ترجمه صبوری هم از این کتاب حجمی در همین حدود (۲۴۰ صفحه چاپی) را دربر گرفته است.

این نویسنده سال ۱۹۴۰ در شهر بندری نیس در جنوب فرانسه به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را از ابتدایی تا دانشگاه در همان شهر گذراند. لوکلزیو در سن ۲۳



سالگی و در سال ۱۹۶۳، نخستین رمان خود را با نام «صور تجلسه» منتشر کرد که در همان سال جایزه «رودو» را برای او به ارمغان آورد. وی سال ۱۹۹۴ به عنوان بزرگ ترین نویسنده فرانسوی زبان شناخته شده است. حاصل ۴۵ سال فعالیت ادبی لوکلزیو ۳۶ رمان است و از میان آثار وی می توان به کتاب هایی چون «سه چرا»، «موندو»، «بازی سرنوشت»، «آفریقایی»، «ماهی

۳۰۰ هزار دلار برای اثر معروف جیمز جویس

حراج اولین نسخه «اولیس»

نخستین نسخه منتشر شده از «اولیس»، اثر جیمز جویس، که به عنوان مشهورترین رمان قرن بیستم شناخته شده حراج می شود.

نخستین نسخه چاپ شده از این اثر مشهور نویسنده ایرلندی در حراج کریستی به مزایده گذاشته می شود. مسوولان این حراجی گفته اند که این کتاب روز چهارم دسامبر امسال (۱۳ آذر) در نیویورک در یک مزایده به فروش می رود. کارشناسان پیش بینی کرده اند نخستین نسخه چاپ شده از رمان جویس دست کم ۳۰۰ هزار دلار فروخته شود.

این اثر ادبی که از آن با عنوان مشهورترین رمان قرن بیستم یاد می شود در فاصله سال های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ به صورت پانویس در یک روزنامه منتشر می شد و برای نخستین بار در سال ۱۹۲۲ بود که توسط بنگاه انتشاراتی «شکسپیر» در قالب یک کتاب چاپ شد و بعد از آن در سال ۱۹۳۲ در هامبورگ، ۱۹۳۴ در نیویورک و ۱۹۳۶ در لندن منتشر شد.

جیمز جویس، نویسنده نامدار ایرلندی، رمان اولیس را در فاصله سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۱ نوشت و تاثیر زیادی بر ادبیات مدرن جهان گذاشت و از جمله مشهورترین چهره های تاثیر پذیر از جویس و اولیس او می توان به مارسل پروست اشاره کرد.

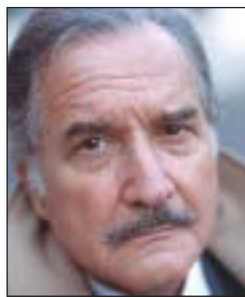
جدیدترین اثر فونتنس به زودی منتشر می شود

رمان «آدم در بهشت» تازه ترین اثر کارلوس فونتنس نویسنده مکزیکی تا دو ماه دیگر منتشر می شود. جدیدترین رمان فونتنس داستان تاجری قدرتمند و وزیر بی وجدان را بازگو می کند. رمان ۱۸۴ صفحه ای «آدم در بهشت»، ۱۵ فوریه (۲۷ بهمن) به زبان اسپانیایی منتشر می شود.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از هرالد تریبیون، فونتنس که هفته گذشته به آرژانتین سفر کرد، در جلسه ای برای معرفی جدیدترین اثرش گفت: «مهم است که نویسندگان با حقایق و دروغ های بازی کنند زیرا این خود راه حلی برای مبارزه با ترویج این ایده است که حقیقت مطلق وجود دارد؛ عقیده ای که می تواند به دیکتاتوری منجر شود.»

فونتنس که در موزه هنر آمریکای لاتین در بوینوس آیرس درباره «ادبیات و مطبوعات» سخنرانی می کرد، افزود: «مرز جداکننده بین مطبوعات و ادبیات در این واقعیت نهفته که فرض بر این است، هدف مطبوعات باید بیان حقیقت باشد. ما تصور می کنیم که مطبوعات حقایق را می گویند، اگر چه این امر هم نسبی است.»

فونتنس همچنین تابستان امسال در مساحه ای در اسپانیا هنگام دریافت یک جایزه روزنامه نگاری، جدیدترین رمانش را اثری «روزنامه نگارانه» دانسته و افزوده است: «راوی این رمان نیز مردی قدرتمند است که با وجود این که



می بیند نقل و انتقال مواد مخدر در کشورش چه آسیب هایی برجای می گذارد، تصمیم می گیرد به شیوه خود آنها وارد این بازی شود تا بتواند با مواد و فساد مبارزه کند اما خود او به جنایتکاری بزرگتر از آنچه آنها هستند بدل می شود.»

کارلوس فونتنس ۱۱ نوامبر سال ۱۹۲۸ میلادی در پاناما سیتی زاده شد. او بخش عمده دوران کودکی و نوجوانی خود را خارج از میهن، در شهرهایی چون ریودوژانیرو، واشنگتن، سانتیاگو شیلی و بوینوس آیرس گذراند. نخستین زبانی که آموخت، انگلیسی بود اما هرگز به انگلیسی نوشت.

خودش می گوید: «دیدم زبان انگلیسی آنقدر نویسنده بزرگ و آنقدر آثار شگفت آور دارد که من هرگز در آن میان به حساب نخواهم آمد.» پس او برای نوشتن زبان اسپانیایی (که زبان مادری اش بود) را برگزید و بعدها به عنوان یکی از بزرگ ترین نویسندگان زبان اسپانیایی مطرح شد. بزرگ ترین الهام بخش فونتنس در خلق داستان هایش کشور مکزیک است. این نویسنده آن طور که خود می گوید: از مکزیک می نویسد تا مکزیک را به جهانیان بشناسانم. در ایران بیش از ۱۰ کتاب از این نویسنده توسط مترجمانی چون عبدالله کوثری و مهدی سبحانی به زبان فارسی ترجمه شده است. از میان این کتاب ها می توان به آثاری چون «آئورا»، «پوست انداختن»، «خودم با دیگران»، «مرگ آرتور کروز» و «گرینگوی پیر» اشاره کرد.

در «ایبنا» بخوانید

بما رجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

ضوابط حضور ناشران

در نمایشگاه کتاب سال ۸۹

پس از اعلام ضوابط حضور ناشران داخلی در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از سوی شورای سیاستگذاری این نمایشگاه، خبرگزاری ایبنا طی گزارشی به کم و کیف شرایط حضور ناشران در این نمایشگاه پرداخته است. براساس این گزارش زمان ثبت نام ابتدایی برای ناشران متقاضی اعم از خصوصی یا دولتی، ۲۰ تا ۳۰ دی ماه امسال اعلام شده است. خبرگزاری کتاب ایران متن کامل این ضوابط را در بخش «چاپ و نشر» منتشر کرده است.

اختتامیه جشنواره کتاب و رسانه برتر

هفته گذشته سی ام آبان ماه در آخرین روز از هفته کتاب، همزمان با برگزاری مراسم اختتامیه هفدهمین دوره هفته کتاب در کتابخانه ملی، برگزیدگان «کتاب و رسانه برتر» و «کتاب و رسانه ملی» نیز معرفی شدند. در این مراسم برگزیدگان هر دو جشنواره مورد تقدیر و تجلیل قرار گرفتند. در جشنواره کتاب و رسانه برتر از نویسندگان بخش های مختلف خبری در رسانه های مکتوب و خبرگزاری ها تقدیر شد و در بخش کتاب و رسانه ملی نیز که برنامه هایی در سطح ملی، شبکه های یک تا شش، شبکه های جهانی و رادیو مورد داوری قرار گرفته بودند برترین ها معرفی شدند که گزارش کامل این مراسم همراه اسامی برگزیدگان هر دو جشنواره در سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) منتشر شده است.

آثار راه یافته به مرحله دوم کتاب سال

خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) عناوین آثار راه یافته به مرحله دوم در بخش زبان فارسی و زبان های باستانی را منتشر کرده است. به گزارش ایبنا در بخش زبان فارسی تنها یک اثر به مرحله دوم داوری های بیست و هفتمین دوره جایزه کتاب سال راه یافته است. کتاب «فرهنگ ادبیات فارسی» تالیف محمد شریفی که توسط انتشارات معیت (نشر نو) به چاپ رسیده، تنها کتابی است که در بخش فارسی جواز حضور در مرحله دوم را دریافت کرده است. عناوین سایر آثار راه یافته به مرحله دوم در بخش زبان های باستانی در وب سایت این خبرگزاری قابل مشاهده است.

بزرگداشت علامه طباطبایی

«یاد استاد» عنوان همایشی در گرامیداشت مقام علمی و عرفانی علامه طباطبایی بود که سی ام آبان ماه به همت فرهنگسرای ابن سینا برگزار شد. در این همایش چهره های علمی سرشناسی نظیر دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، دکتر مصطفی محقق داماد، رضا داوری اردکانی و غلامرضا اعوانی در بزرگداشت مقام علمی و معنوی علامه طباطبایی به سخنرانی پرداختند. متن کامل گزارش این همایش به همراه گزارش تصویری آن در خبرگزاری کتاب (ایبنا) آمده است.

نگاهی به جوایز ادبی فرانسه

گروه بین المللی خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از خبرگزاری فرانسه طی گزارشی مروری بر جوایز ادبی فرانسه در سال ۲۰۰۹ داشته است. این گزارش با نقل قولی از شارل رو، رئیس آکادمی فرانسه از سال ۲۰۰۹ به عنوان سالی پر از آثار جدید و ارزشمند در گنجینه ادبی فرانسه یاد کرده است.

نامزدهای جایزه کتاب «کاستا» معرفی شدند

فهرست نامزدهای جایزه ادبی «کاستا» انگلستان با حضور برنده جایزه بوکر امسال اعلام شد. به گزارش ایسنا، برگزارکنندگان جایزه ادبی «کاستا» نامزدهای سال ۲۰۰۹ این جایزه را در بخش های بهترین اثر داستانی، بهترین رمان، بهترین شرح حال، بهترین مجموعه شعر و بهترین کتاب کودک معرفی کردند.

در بخش بهترین اثر داستانی، هیلاری مانتل، برنده امسال جایزه بوکر، با کتاب «تالار گرگ»، پنه لویه لیولی، برنده جایزه بوکر ۱۹۸۷، برای کتاب «آلبوم خانوادگی»، کریستوفر نیلسون برای «نگهبان فیل» و کولم توپین برای «بروکلین» نامزده شده اند. در بخش بهترین رمان اول نیز راجل هیث برای «بهترین نوع زنانگی انگلیسی»، پیت مورفی برای «جان کاشف»، رافائل سلپورن برای «زیبایی» و علی شاو برای «دختری با پاهای شیشه‌ای» به جایزه کاستا ۲۰۰۹ چشم دوخته اند. در بخش بهترین اثر شرح حال هم گراهام فارملو برای «عجیب ترین مرد»، ویلیام فینس برای «اتاق موسیقی»، سیمون گری برای «کودا» و کارولین مورهد برای «رقص به سوی پرتگاه» نامزد شده اند. در بخش بهترین مجموعه شعر، کلیو جیمز با «فرشتگان بر فراز السینورا»، کاترین کیلانبا با «لی یک چشم»، روث پادل برای «داروین: زندگی در شعرا» و کریستوفر رید برای «یک خراش» معرفی شده اند.

جایزه کتاب کاستا به عنوان یکی از معتبرترین و قدیمی ترین جایزه های ادبی بریتانیا، پنجم ژانویه برندگان خود را معرفی خواهد کرد. برندگان هر یک از این بخش های پنج گانه پس از دریافت جایزه ۷۵۰۰ دلاری، در مرحله دوم برای کسب عنوان کتاب سال کاستا که ۵۰ هزار دلار ارزش آن است، رقابت می کنند.

تمدید مهلت ارسال آثار به جشنواره شعر دفاع مقدس

مهلت ارسال آثار به جشنواره شعر دفاع مقدس خراسان رضوی تا ۱۲ آذر تمدید شد. این مهلت پیش تر تا ۲۰ آبان تعیین شده بود.

پرویز رحیمی، دبیر اجرایی سومین جشنواره شعر دفاع مقدس خراسان رضوی در نشست خبری سومین جشنواره شعر دفاع مقدس خراسان رضوی با اعلام این خبر اظهار کرد: «تاکنون ۱۲۳ نفر حدود ۴۳۲ اثر را به دبیرخانه این جشنواره ارسال کرده اند که ۴۹ نفر از مشهد، ۱۹ نفر از نیشابور، ۱۴ نفر از کاشمر و مابقی از شهرستان های بردسکن، سرخس، بجستان، دورود، کلات نادر، سرایان، طبس، خواف، مه ولات، تربت جام و تربت حیدریه در این جشنواره شرکت کرده اند.»

جایزه جلال، فرصتی برای نسل جوان است

ادامه از صفحه اول

در بخش دیگری از این مراسم، محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با ایراد سخنانی، ضمن گرامی داشت حضور شمس آل احمد، نه فقط به عنوان برادر جلال بلکه به عنوان شخصی که خود سال ها به عنوان نویسنده در عرصه فرهنگی کشور قلم زده است؛ قرار گرفتن شخصیت هایی نظیر شمس آل احمد و سیمین دانشور را در سایه منسوبانان، ظلمی در حق این نمایندگان دانست.

پرویز همچنین درباره جایزه جلال آل احمد متذکر شد: جایزه جلال تقریباً بزرگترین جایزه ملی ادبی ما محسوب می شود که هر سال از میان تمامی کتاب هایی که به صورت رسمی و قانونی در کشور چاپ شده اند و نسخه ای از آنها نیز در بانک اطلاعاتی خانه کتاب موجود است، بلااستثنا مورد ارزیابی و داوری قرار می گیرند و آثار برتر در بخش های مستندنگاری، تاریخ نگاری، ادبیات داستانی و نقد ادبی، معرفی می شوند. در دومین دوره برگزاری جایزه جلال براساس اعلام دبیرخانه این جایزه، در بخش نقد ادبی دو اثر «زبان عرفان» تالیف علیرضا فولادی و «تماشاخانه اساطیر» تالیف نغمه ثمنی به طور مشترک به عنوان برگزیده معرفی شدند. در بخش مستندنگاری نیز کتاب «دا» اثر سیده زهرا حسینی و گردآوری و تدوین سیده اعظم حسینی به عنوان اثر برگزیده این بخش معرفی شد. در بخش جنبی و ویژه نیز کتاب «اطلس شیعه» اثر رسول جعفریان مورد تقدیر قرار گرفت.

این آثار تنها برگزیدگان این دوره جایزه جلال آل احمد بودند و دیگر آثار راه یافته به مرحله نهایی، امتیاز لازم را برای دریافت جایزه کسب نکردند.

راوی «دا» خاطرات همسر جانبازش را می نویسد

در منطقه بحران زده خوزستان بود و تا سال ۷۲ همچنان در آنجا برای حفظ امنیت شهر حضور داشت که حاصل این حضور، خاطرات نابی است که من دلم می خواهد این خاطرات برای جوانان و نسل های بعدی بازگو شود.

روایتگر کتاب «دا» همچنین در پاسخ به این سوال که این کتاب چه زمانی آماده انتشار می شود اظهار داشت: «در این باره نمی توانم تاریخ مشخصی را عنوان کنم و واقعا نمی دانم این کار چقدر طول بکشد، چون آقای فراهانی، جانباز اعصاب و روان هستند و باید با مدارا از ایشان بخواهم که ان شاء الله برای نگارش این کتاب با هم همکاری داشته باشیم.»



کتاب «دا» که تاکنون بیش از ۸۰ بار تجدید چاپ شده خاطرات سیده زهرا حسینی از دوران دفاع مقدس، به ویژه مقاومت مردم خرمشهر است که به کوشش سیده اعظم حسینی تدوین شده است. این کتاب که از سوی انتشارات سوره مهر چاپ و شهریور ماه سال گذشته رونمایی شد اکنون در حال ترجمه به سه زبان انگلیسی، اردو و ترکی استانبولی است.

سیده زهرا حسینی، راوی کتاب «دا» در آینده ای نزدیک خاطرات همسر جانبازش حبیب مزعلی فراهانی را از سال های جنگ می نویسد.

وی در حاشیه برگزاری مراسم دومین دوره جایزه جلال آل احمد در گفت و گو با خبرنگار کتاب هفته با اعلام این خبر، بر ضرورت حفظ و نگارش خاطرات مربوط به سال های انقلاب و جنگ تاکید کرد و گفت: «بر این باورم که این خاطرات باید گفته شود چون بخشی از تاریخ این مرز و بوم است و می تواند برای جوانان امروز و آینده ما بسیار مفید باشد.»

حسینی که در دومین دوره جایزه جلال آل احمد، جایزه بخش مستندنگاری این دوره را به خاطر روایت کتاب «دا» از آن خود کرد، در پاسخ به این سوال که برای نگارش کتاب بعدی خود چه قالبی را انتخاب خواهد کرد گفت: «این کتاب را هم در قالب خاطره و مستند از دوران انقلاب و جنگ خواهیم نوشت.»

حسینی افزود: «همسر از رزمندگان دفاع مقدس است و از شروع انقلاب

رئیس کل چاپخانه مرکزی جمهوری تاجیکستان:

ایران نیازهای صنعت چاپ تاجیکستان را تأمین می کند

جلیل اف، با اشاره به نخستین تجربه برگزاری این نمایشگاه تاکید کرد: «در صورت استمرار و پایداری این نمایشگاه در سال های آتی شاهد پویایی و بارور شدن توانایی های کشورهای منطقه در حوزه چاپ خواهیم بود.» وی افزود: «این نمایشگاه در مدت زمان دو تا سه سال می تواند تاثیرگذاری خود را اثبات کند و فعالان بخش های مختلف چاپ در حوزه کتاب، محصولات چاپی و نیز بسته بندی، بازار هدف خود را بیابند.»

نخستین نمایشگاه بین المللی کشورهای عضو اگو، هفته گذشته، دوم آذر، پس از پنج روز فعالیت در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی مشهد به کار خود پایان داد.

کشور نقش مهمی در رشد و ارتقای توانایی های صنعتگران این حوزه ایفا می کند. رئیس کل چاپخانه مرکزی جمهوری تاجیکستان تصریح کرد: «تاکنون تنها یک یا دو نمایشگاه مرتبط با حوزه چاپ در تقویم بین المللی به ثبت رسیده و نمایشگاه پکو ۲۰۰۹ در ایران توانسته است جایگاه خود را پیدا کند.»

وی با بیان این که نمایشگاه چاپ کشورهای عضو اگو نیز باید گستره ای بین المللی داشته باشد و اغلب نمایندگان چاپی کشورها را به سوی خود جذب کند، یادآور شد: «کشورهای منطقه و همجوار که با یکدیگر قربت فرهنگی دارند، می توانند نیازهای تجاری و اقتصادی یکدیگر را به خوبی درک کنند و باب همکاری را بگشایند.»

رئیس کل چاپخانه مرکزی جمهوری تاجیکستان با اشاره به رشد توانمندی های چاپی ایران گفت: «ظرفیت های صنعت چاپ ایران، بسیار گسترده است و صنعتگران تاجیک می توانند برای تأمین بسیاری از نیازهای چاپی خود به ایران سفر کنند. کشور تاجیکستان بیش از هفت میلیون نفر جمعیت دارد و بیش از ۶۰ چاپخانه در آن به ارائه خدمات مختلف مشغولند.»

ستار جلیل اف، در گفت و گو با خبرنگاری کتاب ایران (ایبنا) با بیان این مطلب افزود: «پس از فروپاشی شوروی، صنعتگران چاپ تاجیکستان از خرید دستگاه های جدید چاپ محروم شدند و کشور ما امروز نیازمند استفاده از علم و فناوری های جدید است.» وی که در حاشیه نخستین نمایشگاه صنعت چاپ اگو با اشاره به برخی نواقص حوزه چاپ کشور تاجیکستان گفت: «متأسفانه دستگاه های موجود در صنعت چاپ تاجیکستان پاسخگوی نیاز جامعه امروزی نیست و کیفیت حرفه ای ندارند. حضور در نمایشگاه صنعت چاپ اگو و آشنایی با توانایی های ایرانیان در عرصه های مختلف چاپ و بسته بندی بسیار خوب بود و امیدوارم در آینده نیز به تعاملات خوبی دست پیدا کنیم.»

جلیل اف تاکید کرد: «این نمایشگاه فرصتی بود تا کشورهای منطقه ای عضو اگو با توانایی کشورهای دوست و همسایه خود از نزدیک آشنا شوند و برای سفارش های چاپی به هم اعتماد کنند.»

وی با بیان این که حضور دیگر کشورهای غیر از اگو نیز در این نمایشگاه مفید خواهد بود، اظهار داشت: «آشنایی با جدیدترین دستگاه های چاپ و نیز استفاده از فناوری های نوین در صنعت چاپ هر

فراخوان فاشسران

نمایشگاه های کتاب

«ولایت و انقلاب اسلامی»

به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

۲۲-۱۲ بهمن ۸۸

کتاب های با موضوعات:

ولایت، حکومت اسلامی، انقلاب اسلامی

چاپ اول ۸۴ به بعد

حداقل موجودی ۵۰۰ جلد

تاریخ دریافت نمونه جهت بررسی و انتخاب ۵-۱۰ آذر

خیابان انقلاب/ خیابان دانشگاه/ خیابان شهید وحید نظری/ پلاک ۵۵/ واحد ۲

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

تلفن: ۶۶۴۶۹۵۸-۶۶۴۱۱۱۵۱

تصاویر: ۶۶۳۶۷۳۹۴

بازمکاری

معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی



شیخ اجل در سرای کتاب و سخن

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند. در نشست هایی که طی چند روز اخیر در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های ادیان توحیدی، سعدی شناسی و شعر در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

جست و جوی حقیقت در عالم کثرت

نشست بررسی مجموعه شعر «بصیرت سایه ها» (برنده کتاب سال شعر جمهوری اسلامی در سال ۷۷) سروده رضا صفویان با حضور منتقدان و علاقه مندان حوزه شعر در سرای اهل قلم برگزار شد. در این نشست پرویز عباسی داکانی و احسان عباسلو به عنوان منتقد حضور داشتند و به بررسی این مجموعه شعر پرداختند.

رضا صفویان؛ شاعر: این مجموعه با تاکید بر این امر که بهتر است صاحب اثر درباره اثر مطلبی نگوید تا مخاطب آنچه را می خواهد از شعر دریافت کند. در حقیقت «بصیرت سایه ها» جست و جوی حقیقت در عالم کثرت است. با به کار گرفتن حس های پنجگانه به جست و جوی راه های دستیابی به حقیقت در فلسفه، دین، روح و روان پرداخته ام. نتیجه این میل به دانستن، رسیدن به حقیقت و جست و جو در جهان کثرت مجموعه شعر «بصیرت سایه ها» شده است.

میلی به تکرار خودم در آثارم ندارم. به همین دلیل پس از «بصیرت سایه ها» حدود پانزده سال حتی یک کلمه هم ننوشتم؛ چرا که حرف تازه ای برای نوشتن نداشتم. از سوی دیگر تمام راه هایی که در جست و جوی حقیقت به کار گرفته بودم، خسته و ناامید شده بودم در نتیجه به خودشناسی و عرفان روی آوردم.

در این مجموعه هر گاه حرفی داشتم که احساس می کردم باید بیان شود، آن را در شعر جاری می ساختم، اما سعی می کردم بلافاصله یک فضای جذاب برای علاقه مندان شعر ایجاد کنم و شعر را در آن بگنجانم. این امر کاملاً ارادی بوده است. اما در مجموعه بعدی ام «مراحل» این شیوه را به کار نگرفتم. مجموعه شعر «مراحل» نیز یک شعر بلند است، اما از نظر تکنیکی این قابلیت را پیدا کرده که هر صفحه آن یک شعر مستقل باشد.

احسان عباسلو، منتقد: مجموعه شعر «بصیرت سایه ها» انسان مدرن است. انسانی سردرگم که به جای حقیقت یا حقیقت نماها روبه روست. دغدغه انسان مدرن در کتاب صفریان تعلق است، انسانی که تعلق نداشته باشد همه مسائل را بسته می بیند. زمانی که تعلق نباشد، تعلیق ایجاد می شود. انسان مدرن همه مسائل را وابسته به خود می بیند. این امر در کتاب صفریان به خوبی دیده می شود. از سویی دیگر تضادهایی نیز در این کتاب به چشم می آید. در این کتاب ما با شعر فلسفی روبه رویم، اما در این مجموعه عناصر شعری کمتر دیده می شود. شاید نقطه ضعف کتاب نیز همین مسأله باشد. از ابتدای کتاب مخاطب با هجوم مسائل فلسفی بر اساس فرضیات و تئوری های فلسفی روبه روست.

پرویز عباسی داکانی: در این کتاب که بحث و تأملات در مسأله هنر است، مشکل اساسی من، صاحب اثر است که احساس می کنم تکلیفش با خودش روشن نیست. آرای بزرگان فلسفه را طرح می کند اما نیمه کاره رهایشان کرده است. سخنان ابتدایی صفریان احساس تعلق او را به حوزه عرفان ایرانی نشان می دهد، اما این امر از کتاب بر نمی آید. صفریان در مباحث مرتبط با عرفان و حکمت ایرانی عمیق و دقیق است؛ اما در کتاب او برخی مباحث مطرح شده اند بی آن که مشخص باشد از کدام حوزه فلسفی سخن می گوید.

تعامل نمایندگان ادیان در حوزه نشر

سومین همایش فرهنگ، نشر و فرهیختگان هموطن مسیحی، زرتشتی، کلیمی و آشوری به همت اداره کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سرای اهل قلم برگزار شد.

در این همایش که با حضور محسن پرویز، معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سعید تقوی، مسؤول اقلیت های دینی اداره کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موبد اردشیر خورشیدیان، رئیس انجمن موبدان زرتشتی و همچنین سوکیاس گورجیان راد (واراند) شاعر و رئیس انجمن نویسندگان ارمنی برگزار شد، از انتشار آثار فاخر، به عنوان فعالیت فرهنگی پیروان ادیان توحیدی نام برده شد.

برنامه های سرای اهل قلم

برنامه نشست های این هفته سرای اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. نخستین نشست این هفته، یکشنبه هشتم آذر ماه با موضوع «تاریخ و رسانه» از مجموع نشست های تخصصی کتاب ماه تاریخ و جغرافیا با حضور دکتر رضا شعبانی، دکتر داریوش رحمانیان، مهدی فخیم زاده (کارگردان) و حسن فتوحی از ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار می شود. در این روز همچنین نشست دیگری از سلسله نشست های حافظ پژوهی با حضور دکتر نصرالله حکمت و دکتر پرویز عباسی داکانی از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ برگزار می شود. نشست های روز دوشنبه نیز به دو حوزه ادبیات و فلسفه اختصاص دارد که نشست بخش ادبی به کارگاه داستان نویسی با حضور فیروز زنوزی جلالی از ساعت ۱۴ تا ۱۶ و نشست بخش فلسفه نیز به موضوع «مقدمه ای در علوم اجتماعی» از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ اختصاص دارد. چهارشنبه نیز نشست در حوزه علوم اجتماعی با عنوان «ورزش و هنجارهای اخلاقی» با حضور دکتر محمد خبیری، دکتر حسن خلجی، دکتر سید مهدی آقاپور و ابراهیم شکرانی از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ برگزار می شود. نشست دیگر روز چهارشنبه نیز به موضوع آسیب شناسی ادبیات دفاع مقدس با حضور شهرام شفیعی، محمد میر کاظمی و حسین دهقان از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ اختصاص دارد.

پای سعدی هم به سرا باز شد

نخستین نشست از سلسله نشست های «سعدی شناسی» با حضور نیما تجبر، دبیر نشست، مظاهر مصفا و حسن انوری، در سرای اهل قلم برگزار شد. در این نشست، نیما تجبر، دبیر نخستین نشست «سعدی شناسی» سرای اهل قلم، گزارشی از چاپ های مختلف کلیات سعدی ارائه داد. دکتر نیما تجبر: بنیاد نخستین انتشار کلیات سعدی در سال ۱۳۱۶ صورت گرفته و چاپ فروغی است که نزدیک به چهار سال با همکاری حبیب یغمایی پیش رفت و تصحیح شد و آشنایی با اندیشه ها و سخنان سعدی در این کتاب گرد آمد.

در سال ۱۳۲۱ چاپ های دیگری از کلیات سعدی منتشر شد که با ویرایش و دقت نظر نسخه شناسی ذکاءالملک فروغی ارائه شد و پس از آن حبیب یغمایی در دهه ۲۰ به چاپ کلیات سعدی دست زد که بسیار نایاب تر از دیگر کلیات سعدی به شمار می رود.

مهم ترین کلیات سعدی در دهه ۱۳۴۰ به کوشش دکتر مظاهر مصفا (انتشارات روزنه) منتشر شد و مصفا با ریز بینی ها و امکان نظر بر کلیات سعدی، چاپ جداگانه ای از کلیات سعدی را ارائه داد. از ویژگی های این چاپ، جدانویسی واژه هاست که در آن سال ها بر سر این مسأله سخن ها بود و امروزه نیز جدانویسی مشکلاتی را در بر دارد.

تا دهه ۴۰ کمابیش سه چاپ ارجمند از کلیات

سعدی در دست دارم که در ۱۲ اثر سعدی جای گرفته اند. به جز گلستان، بوستان و غزل های سعدی که گمان می رود این سه اثر بیشترین خوانندگان آثار سعدی را در بر دارد، سعدی قصیده هایی به فارسی و عربی دارد و مجالس پنج گانه نیز در آثار وی جای گرفته اند. در پاره ای از بخش ها نیز هزلیات سعدی وجود دارد.

در دهه ۵۰ کار عمده ای در زمینه کلیات سعدی صورت نگرفته است، ولی در دهه ۶۰ بنیاد چاپ فروغی تصحیح دوباره ای به کوشش بهاءالدین خرمشاهی صورت گرفت و نسخه فروغی بازبینی شده است.

خرمشاهی اغلاط چاپی را جست و جو و اصلاح کرد و یک فهرست یاب نیز به چاپ فروغی افزود.

سعید تقوی؛ مسؤول اقلیت های دینی اداره کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ این همایش سومین دوره تقدیر از ناشران، شاعران، نویسندگان، مترجمان، روزنامه نگاران و ... است که به همت دکتر محسن پرویز تدارک دیده و با استقبال سید محمد حسینی؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مواجه شده است تا از فعالان فرهنگی مسیحی، زرتشتی، کلیمی و آشوری و آثار آنها قدر دانی شود.

موبد اردشیر خورشیدیان؛ رئیس انجمن موبدان زرتشتی: ما همه انسانیم و دارای آرمان های مشترک انسانی و به کشوری با بیش از ۱۰ هزار سال تاریخ مدون به نام «آریانویچ یا سرزمین آزادگان» که امروزه به گرامی واژه ایران خلاصه شده است، تعلق داریم.

سوکیاس گورجیان راد (واراند) شاعر و رئیس انجمن نویسندگان ارمنی: شریه آلپک ۸۰ سال است که منتشر می شود. آلپک نخستین نشریه ارمنی زبان ایران نبود و از اواخر قرن نوزده میلادی و در سال های اولیه قرن بیستم در مجموعه بیش از ۱۰ تا ۱۵ نشریه ارمنی زبان با گرایش های گوناگون سیاسی، اجتماعی در تبریز و تهران منتشر شده بود که هر یک به دلیلی تعطیل شدند.

راز ماندگاری «آلپک» را می توان به این شکل تفسیر کرد که تولد آن به هیچ روی تصادفی نبود. تنش هایی که جنگ جهانی اول برای جامعه به ارمنیان آورده بود، اتفاقات سیاسی - اجتماعی در جامعه همسایه شمالی و مقولاتی مفصل از این دست باعث مهاجرت اجباری طیف گسترده ای از ارمنیان منطقه و پناه آوردن جامعه ایران - که پناهگاه دیرینه ارمنیان پراکنده در جهان به حساب می آید - انگیزه اصلی ماندگاری آلپک محسوب می شود.

پس از دهه ۶۰ برگزاری بزرگداشت یونسکو برای سعدی شیرازی و چاپ مجموعه مقالات «ذکر جمیل سعدی» در سه جلد، در سال ۶۳ خرمشاهی همان کار پیشین کلیات سعدی را با مقابله دو نسخه دیگر نظیر حبیب یغمایی و فروغی منتشر کرد و تعلیقات و فهرست بیشتری بر آن اضافه کرد و در دهه ۷۰ به چاپ رساند.

در این دهه نیز به همت مرکز سعدی شناسی شیراز و کوشش دکتر کوروش کمالی سروستانی قرار است چاپ جدیدی از کلیات سعدی داشته باشیم. همچنین مرکز سعدی شناسی شیراز نیز همایشی برای انتخاب سنجیده ترین نسخه کلیات سعدی در سال ۹۰ یا ۹۱ برنامه ریزی کرده است.

خواهر عزیزم
سرکار خانم
عذرا عقیقی بخشایشی
کسب مقام نخست
خوشنویسی در سطح تهران
را به شما تبریک می گویم.
برادرت علیرضا

خانه کتاب منتشر کرد
خیابان انقلاب بین فلسطین و سبای
جنوبی شماره ۱۱۷۸



سایر محمدی

آذرتاش آذرنوش زمانی به ادبیات عرب روی آورد که در ایران، عربی را تنها در یک دانشکده تدریس می‌کردند. عربی که بازگوکننده دانش‌های اسلام و ایران بود در چند حوزه علمیه یا دو - سه مدرسه دینی در تنگنای تعصبات ملی‌گرایانه گرفتار آمده بود. در چنین وضعیتی استاد آذرنوش برای ادامه تحصیل در زمینه ادبیات عرب ناگزیر به فرانسه رفت و هنگامی به میهن بازگشت که در رشته زبان و ادبیات از دانشگاه سوربن پاریس دو مدرک دکترای گرفته بود. او در دانشگاه‌های ایران مسبب تحولات عمیق و اساسی در آموزش زبان و ادبیات عرب شد و در زمینه‌های گوناگون دست به تالیف کتاب‌ها و مقالات متعددی زد و با توجه به تجربه‌های فراوان و تحصیل در بغداد، شیوه‌های پژوهشی را از خاورشناسان فرانسوی آموخت و در زمینه زبان فارسی و تعامل با زبان عربی به پژوهش‌های عمیق و گسترده‌ای دست زد. آخرین کتاب او که اخیراً تجدید چاپ شده است «چالش میان فارسی و عربی» است که سال ۸۵ از سوی نشر نی منتشر شده است. دکتر آذرنوش متولد سال ۱۳۱۶ قم است و سال‌ها در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران تدریس کرده است و حدود دو سال قبل بازنشسته شد. او اکنون در مقام استاد مدعو در برخی از دانشکده‌های کشور به تدریس می‌پردازد. وی در کارنامه خود بیش از پانزده عنوان کتاب اعم از تالیف و ترجمه دارد که «راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی»، «تاریخ ادبیات عرب»، «فرهنگ لغت عربی به فارسی»، «فتوح البلدان»، «تاریخ ترجمه از عربی به فارسی» جلد اول «ترجمه‌های قرآنی» عناوین برخی از مهم‌ترین آثار او را تشکیل می‌دهد. وی تاکنون موفق شده سه بار جایزه کتاب سال را از آن خود کند. بابت ترجمه «موسیقی الکبیر» اثر فارابی در سال ۷۵، ترجمه «اطلس تاریخ اسلام» در سال ۷۶ و «فرهنگ معاصر عربی - فارسی» در سال ۷۹.

در گفت و گو با آذرتاش آذرنوش مطرح شد

فرهنگنامه‌های ما، ترجمه بوده اند نه تاریخی

باشد. آقای منزوی کتابی نوشته است به نام «فرهنگنامه‌های فارسی» که عربی به فارسی است. غیر از آن هم کتاب‌های فراوانی در این حوزه داریم. یعنی ما آنقدر فرهنگنامه از گذشته تا امروز داریم که اسامی و عناوین این کتاب‌ها برای خودش یک جلد کتاب خواهد شد. به دوران اخیر که می‌رسیم، یعنی از شصت - هفتاد سال پیش به این سو، کتاب‌های عربی معاصر کم کم شروع به ترجمه شدن می‌کنند. چهل - پنجاه سال پیش، «المنهج» ترجمه می‌شود. البته دو - سه ترجمه از این اثر چاپ می‌شود. بعد کتاب «فرهنگ نوین» هست که از دوران قدیم ترجمه شده است. کتاب «سیاح» ترجمه شده است. این آثار از عربی ترجمه می‌شدند و گرایش کمی به مدرن شدن داشتند. یعنی نوگرایی‌هایی در این آثار وجود داشت. در واقع تا حدودی امروزی بودند چون خود عرب‌ها هم از فرنگی‌ها تقلید کرده بودند.

کتاب «چالش میان فارسی و عربی» را با چه انگیزه‌ای نوشته‌اید؟ چه مدت وقت صرف تحقیق و تالیف این اثر کرده‌اید؟

از زمانی که ایران به دست سپاهیان عرب افتاد، موضوع زبان که ابزار تفاهم میان این دو قوم بود نیز مطرح شد. این موضوع، دست کم برای صد ساله نخست هنوز آنچنان که باید شکافته نشده است. کشمکش میان فارسی و عربی از نخستین دوران‌های ساسانی آغاز شده بود. بسیاری از عرب‌ها که به ایران آمده بودند، به دست شاهان ساسانی نابود شدند، گروهی در جنوب ایران سکونت کردند. اما در خلال جنگ‌های فتح الفتوح، هیچ اثری از آنان پدید نیفتاد. احتمالاً بیشترین آنها جذب جامعه ایرانی شدند و دسته‌هایی نیز زبان و سنت‌های خود را حفظ کردند و چون ناچار دوزبانه شده بودند، توانستند میان فارسیان و فاتحان عرب نقش مترجم را به عهده بگیرند. ما که اساساً زبان را موضوع اصلی تحقیق خود قرار دادیم، ناچاریم در همه مراحل نخست سخنگویان را شناسایی کنیم تا چگونگی رابطه زبانی میان آنها روشن شود. از این رو، در بخش‌های نخست تحقیق به این موضوع پرداخته‌ایم؛ آمدن عرب‌های فاتح به ایران، چگونگی تفاهم میان این دو قوم، نیاز شدید به مترجم، چگونگی ارتباط عرب‌ها با ایرانیان در دوران فتح و پس از آن. پیداست که در بخش‌های نخست، کارمایشترو روی عرب‌های ساکن ایران متمرکز شده است. اما در بخش‌های دیگر به جست‌وجوی فارسیان می‌پردازیم تا ببینیم وضعیت آنها در جامعه تحت تسلط عرب چگونه بوده، ماهیت شورش‌های ضد عرب آنها چه بوده و خلاصه نسبت به زبان فارسی و عربی چه موضعی اتخاذ می‌کرده‌اند.

دسته‌های بی‌شمار عرب در جامعه ایران تحلیل رفتند. چرا زبان عربی با همه توانمندی‌های دینی، ادبی، علمی و سیاسی، نتوانست جای زبان فارسی را بگیرد؟ فارسی کجا بود و پیش از آن که سربلند کند، چرا دیر زمانی در تاریکی پایدار ماند؟ کی و کجا به نگارش درآمد و چگونه زبان رسمی ایران شد؟



اصطلاحات است. هر بار این فرهنگنامه را غلط‌گیری کردیم، اگر غلط چاپی داشت، یا اگر در نمونه خوانی‌های مکرر متن اغلاطی به این فرهنگنامه راه یافته بود، آنها را تصحیح کرده‌ام. شما می‌دانید این فرهنگنامه با آن همه ریزه‌کاری‌ها می‌توانست پر از اغلاط و مشکلات باشد، اما فرهنگنامه حاضر کمترین مشکلات را از این نظر دارد. در هر چاپ موارد و اشکالاتی از این دست را تصحیح کردیم. از همه مهم‌تر ما در این مدت انبوه کلمات جدید را شناسایی کرده بودیم که به متن کتاب اضافه کردیم. فکر کنم حدود پانصد تا ششصد کلمه باشد.

قدمت تالیف فرهنگنامه‌های عربی به فارسی چقدر است. نخستین فرهنگ‌ها در چه قرن‌ی تالیف شده‌اند؟

فرهنگنامه عربی به فارسی قدمت بسیار کهنی دارد. من فکر می‌کنم تمام این کتاب‌های قدیمی مثل «کتاب بلغه» یا مثل «بلقاده» و ده‌ها کتاب دیگر همه عربی به فارسی هستند. از قرن پنجم و ششم به بعد به تناوب ما کتاب‌های عربی به فارسی داریم، البته آن فرهنگنامه‌ها به معنای واقعی فرهنگنامه و با ویژگی‌های فرهنگنامه امروزی نیستند. آن فرهنگنامه‌ها هر یک شیوه خاص خودشان را دارند. کتاب‌هایی مثل فرهنگ اسدی از اسدی طوسی یا کتاب فرهنگ ادب زمخشری، هر یک به شیوه‌های عجیب و غریبی نوشته شده‌اند. البته این فرهنگنامه‌ها در دسترس همگان نیست و باید کمی تخصص داشت تا بتوان از این آثار استفاده کرد.

با تعریفی که جامعه ما از فرهنگنامه‌های دوران معاصر دارد، نخستین فرهنگنامه با این مشخصات در چه سالی نوشته شد؟

در واقع فرهنگنامه نویسی با این معیارها را هندیان برای ما شروع کردند. مثلاً کتاب «منتهی العرب» را که نگاه می‌کنیم، که عربی به فارسی است، بسیار جالب است. البته تاریخ دقیق تالیف این کتاب را به خاطر ندارم، اما فکر می‌کنم مربوط به قرن نوزدهم

ترجمه کتاب‌های عربی است یا آن بخش‌هایی را هم که خودشان می‌نویسند این موارد را رعایت نمی‌کنند.

منظور شما از این که «این فرهنگنامه‌ها تاریخی به معنای واقعی کلمه نیست» چیست؟

به عنوان مثال وقتی شما یک فرهنگنامه را باز می‌کنید با کلمه‌ای مواجه می‌شوید. مثلاً کلمه «پژول». در فرهنگ نگاری علمی «پژول» را معنا می‌کنند که «فوزک‌پا» است. آیا شما امروز می‌توانید این واژه را در نوشته‌ها و گفت‌وگوهای خود به کار ببرید؟ اگر هم به کار ببرید، هیچ‌کس معنای آن را نمی‌فهمد. حتی آنها که می‌فهمند، گوینده‌اش را به سخره می‌گیرند. یک زبان آموز خارجی وقتی فرهنگنامه‌ها را باز کند و ببیند که این واژه را در خودش جا داده است، حتماً آن را در نوشتارش یا گفتارش به کار می‌گیرد که باعث تعجب مخاطبش می‌شود. مشکل این است که در فرهنگنامه‌های ما توضیح داده نمی‌شود، این واژه در چه زمانی رایج بوده و از چه تاریخی دیگر کاربرد ندارد. معنای این حرف این است که هیچ‌یک از فرهنگنامه‌های ما تاریخی نیستند. اما وقتی با کتاب روبرت به زبان فرانسوی روبرو می‌شوید، می‌بینید در این فرهنگنامه همه این موارد توضیح داده شده است. این واژه مربوط به چه دوره‌ای است؟ از چه تاریخی از دایره زبان رایج خارج شده است؟ و... حتی اگر استثنائات این واژه را نقل کند، توضیح می‌دهد که این یک واژه متروک است و از یاد رفته است.

در فرهنگنامه نگاری علمی، به ویژه در غرب، زمانی که یک فرهنگنامه تجدید چاپ می‌شود، ویراست جدیدی از آن که با چاپ قبلی تفاوت‌هایی دارد منتشر می‌شود. شما در این فرهنگنامه که چاپ‌های جدیدی از آن به بازار آمده است، چه تغییراتی اعمال کرده‌اید؟

من هر تغییر و تحولی را که در این فرهنگنامه داده‌ام در راستای تصحیح و افزایش واژگان و

آقای آذرنوش! کتاب جدیدی در دست چاپ یا نوشتن دارید؟

نه، مدتی است که به دنبال جبران کارهای عقب‌افتاده‌ام هستم. پس از آن برنامه‌هایی برای تالیف و ترجمه آثار جدید دارم که در موعد مقتضی آن را اعلام می‌کنم. فعلاً دارم کتاب «فرهنگ لغات عربی به فارسی» را تصحیح و تکمیل می‌کنم که ان‌شاءالله طی ده - پانزده روز آینده تحویل چاپخانه خواهد شد. چاپ دوم «فرهنگ لغات عربی به فارسی» تصحیحات و اضافات فراوانی هم دارد.

به نظر شما تالیف این همه فرهنگ عربی به فارسی ضروری است؟

من که معتقدم چاپ این همه فرهنگ عربی به فارسی هیچ ضرورتی ندارد. وقتی فرهنگ‌هایی داریم که نسبتاً جامع و کامل است، عده‌ای برای پیدا کردن نام و نان همین فرهنگ‌های موجود را با مقداری حذف و اضافه و تغییر به نام خود منتشر می‌کنند. این فرهنگ‌های بی‌نام و نشان رونویسی از فرهنگ‌های دیگران است. در این فرهنگ‌ها هیچ نشانی از ذوق و ابتکار و خلاقیت نمی‌بینید. البته کشور ما در این زمینه‌ها، بسیار فعال است و ما هم نمی‌توانیم مانع فعالیت افراد در حوزه فرهنگ نویسی شویم.

آیا فرهنگ‌های عربی به فارسی که در ایران منتشر می‌شوند، با فرهنگ‌های اروپایی به لحاظ علمی قابل مقایسه است؟

تفاوت بسیار زیاد است. فرهنگ‌هایی که در اینجا منتشر می‌شود اصلاً با فرهنگ‌هایی که در کشور‌های اروپایی نوشته می‌شود، قابل مقایسه نیست. اشکال بزرگی که ما در زمینه فرهنگ نویسی داریم، این است که فرهنگنامه‌های ما اصلاً برد تاریخی ندارند، در این کتاب‌های فرهنگنامه غالباً همه چیز هست، ما که این اواخر کار فرهنگ نویسی را شروع کرده‌ایم، فرهنگ معاصر می‌نویسم و گر نه فرهنگنامه‌های ما عموماً ملغمه‌ای از همه چیز است. در غرب فرهنگنامه نویسی راه و رسمی دارد. روش و آیینی دارد. در فرهنگنامه‌های کهن، تاریخ هر واژه به دست داده می‌شود. تاریخ ورود کلمه را به زبان خود می‌دهند. تاریخ استعمال آن واژه را می‌دهند. اگر فراموش شده باشد، معنای رایج آن واژه و دوران کاربرد آن توضیح داده می‌شود. فرهنگ و بستر، فرهنگنامه لاروس، مخصوصاً کتاب روبرت به زبان فرانسوی که از این جهت فوق‌العاده است، مشکلی که ما در زمینه فرهنگنامه نویسی داریم این است که هیچ‌یک از این فرهنگنامه‌ها، به معنای واقعی کلمه تاریخی نیست.

فرهنگنامه‌هایی که در ایران تالیف و منتشر می‌شوند به لحاظ شیوه نگارش علمی هستند؟

متأسفانه در این مورد هم نمی‌توان بر علمی بودن این فرهنگنامه‌ها تأکید کرد. غالباً این فرهنگنامه‌ها نظام ندارند. از نظر علم قاموس شناسی یا فرهنگ شناسی یا از نظر علم فرهنگنامه نگاری ضعف‌های زیادی دارند. این فرهنگنامه‌ها عموماً یا

این زبان نوپا که پشتوانه‌ای بس کهن داشت چگونه توانست زبان نیرومند و مقدس عربی را در کنار خود تحمل کند؟ یا چگونه عربی فراگیر را در حوزه دین و دانش محدود سازد؟ این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر با وجود پژوهش‌های فراوان هنوز پاسخ‌درستی پیدا نکرده‌اند. من هم می‌دانم که دست‌یابی به پاسخ‌هایی شایسته و قاطع در شرایط کنونی و با مدارک و پژوهش‌های نسبتاً اندک، تقریباً ناممکن است. با این همه تنها راهی که باقی می‌ماند آن است که باز به همان منابع کهن رجوع کنیم و منابع قدیمی‌تر در زمینه تاریخ و ادب و شعر و نثر و حکایت و ... را از نو و با دیدی انتقادی به صورت گسترده‌تر بازخوانی کنیم.

آیا به خواسته خود رسیده‌اید و جواب قاطع و مناسبی برای علاقه‌مندان این مباحث پیدا کرده‌اید؟ خواسته من در مرحله اول آن بود که داده‌ها و یافته‌های خود را که در حقیقت اسناد و پایه‌های این پژوهش و تحقیق هستند تا جایی که ممکن بود تکمیل کنم و از هیچ سندی چشم‌پوشی نکنم. بعد سعی کردم آنها را برحسب دستاورد هر یک بخش‌بندی کنم. قصد من این بود که چنین روایات را طوری ساماندهی کنم که هنگام نتیجه‌گیری خودم کمتر نظر بدهم و بگذارم خواننده هوشیار بدون آن که نیاز به توضیح و توصیف باشد، خود به نتیجه مطلوب برسد.

در این پژوهش‌ها چه محور و موضوعاتی را اصل قرار دادید؟

محور همه پژوهش‌هایم، دو زبان فارسی و عربی از دیدگاه جامعه‌شناسی و تاریخ است. وقتی سخن از زبان، آن هم در بعد تاریخی مطرح می‌شود، ناچار باید سخنگویان را که آن زبان را زنده نگه داشته‌اند، شناسایی کرد. بخش‌های نسبتاً مفصلی از این کتاب به مردمانی که به فارسی یا عربی سخن می‌گفتند و در محدوده فرضی ایران زندگی می‌کردند اختصاص دارد. نظر این بود که دایره گستردگی هر زبان در مکان‌ها و زمان‌های مختلف مشخص شود. از زبان دری در سده‌های اول و دوم قمری تعداد نسبتاً قابل توجهی عبارت دری به جای مانده که اهمیت بسیار دارند. چندین روایت نیز به گونه غیر مستقیم به وجود کتاب‌هایی به این زبان اشاره کرده‌اند. مجموعه این مدارک نشان می‌دهد که فارسی درس، بیش از آنچه خاورشناسان گمان می‌کردند، رواج و اعتبار داشت. در این کشمکش که میان عربی و فارسی به وجود آمد، بسیاری برای حفظ زبان فارسی کوشیدند. توده‌های مردم هم زبان و سنت‌های ایرانی را پاس می‌داشتند. به همین خاطر ارباب قلم را وامی‌داشتند که به زبان فارسی عنایت داشته باشند. از سوی دیگر بسیاری از ایرانیان که عمدتاً دانشوران بودند با فارسی و سنت‌های ایرانی سرستیز داشتند و زبانی جز عربی نمی‌خواستند. در اینجا موضوع هویت با چهره‌های بسیار گوناگون آشکار می‌شود و نشان می‌دهد که درباره ملیت، ایرانیت و هویت باید بیشتر اندیشید و راه‌های تازه‌تری پیشنهاد کرد.

فکر می‌کنید استقبال نسبی از این کتاب از سوی علاقه‌مندان به تاریخ ایران و زبان فارسی را چگونه باید ارزیابی کرد؟

ما با مسأله خاصی مواجهیم. به ما می‌گویند، ایران مرده بود، هیچ کلمه‌ای و زبانی نداشت و از قرن چهارم ناگهان زنده شد، دوم اگر به این شکل به موضوع نگاه کنیم، مسائلی مطرح می‌شود که مسائل ملی و مسائل هویتی است. مثلاً این سوال مطرح می‌شود که اگر در قرن سوم - چهارم تمام ایران را زبان عربی فراگرفته بود، تمام ادبیات ما به زبان عربی نوشته می‌شد! چگونه زبان ما زبان عربی باقی نماند و مردم ایران عرب نشدند؟

اعراب بر هر کشوری که تسلط یافتند زبانشان را به عربی تغییر دادند غیر از ایران که زبان فارسی مغلوب نشد.

البته اندلس هم هست. پس از حضور اعراب در اسپانیا، زبان مردم اندلس به عربی تغییر نکرد و آنها هم وضعیتی شبیه ایران داشتند. این مسائل تاریخی باید حل می‌شد. من فکر می‌کنم با تحقیقاتی که در

این کتاب صورت گرفت توانستم تا حدودی این مسائل را حل کنم و جواب‌هایی که درباره این مسائل می‌دادند کلی گویی، شعاری و احساسی بود چرا که در واقع مستند به واقعیت‌های فرهنگی و تاریخی این سرزمین نبود. مسائل پیچیده‌ای در این رابطه هست. البته دینامیسم زبان فارسی و گستره جغرافیایی آن، برخلاف تمام نظرات دانشمندان ما و خاورشناسان در ادامه حیات زبان فارسی نقش اساسی داشت. خاطره باستانی ما خیلی عمیق و قوی بود. آنقدر قوی بود که در میان جهان عرب تأثیر انکارناپذیری برجای می‌گذازد. اینها دلایل عمومی حفظ زبان و فرهنگ فارسی است که ما هویتی داشتیم.

بنا بر این با پژوهش صورت گرفته، شما نظریه فردوسی که می‌گوید: «عجم زنده کردم بدین پارسی» را رد می‌کنید؟

نه خیر، این نظر درستی نیست. عجم پیش از شاهنامه فردوسی هم زنده بود. پیش از این که فردوسی عجم را زنده کند، عجم از قرن اول خودش را یافته بود و شروع به نگارش و فهم مسائل هستی و شناخت جهان پیرامونش و فرهنگ فارسی کرده بود. ما آثار نوشتاری از قرن سوم داریم. ولی من می‌گویم نوشتن زبان فارسی دری از قرن دوم شروع شده بود. فردوسی که این حرف را می‌زند، زبان فارسی را که تا آن زمان وجود داشت به اوج فصاحت و بلاغت رساند. البته بسیاری معتقدند این بیت الحاقی به شاهنامه است یعنی یک بیت جعلی منتسب به فردوسی است. فردوسی با شاهنامه کاری کرد که زبان فارسی از حد یک زبان بومی و محلی فراتر برود و تبدیل به یک زبان بین‌المللی بشود. اگر فردوسی نبود شاید بعدها ترک‌ها و غزها زبان فارسی را اینقدر گسترش نمی‌دادند. فردوسی با شاهنامه اش، ترجمه‌های قرآن، ترجمه‌های طبری و همه و همه در گسترش و اعتلای زبان فارسی یک نقش را بازی کردند.

زبان فارسی در قرن دوم و سوم که نهضت ترجمه در ایران شکل می‌گیرد، دوران طلایی را پشت سر می‌گذارد. بعد از آن شما کدام دوره را دوره طلایی ترجمه ارزیابی می‌کنید؟

نظر من این است که نهضت ترجمه دوران طلایی‌اش را از قرن دوم و سوم شروع کرد. ولی عموماً اعتقاد دارند که از قرن چهارم این نهضت شکل گرفت. اولین ترجمه‌های رسمی که در دست دارم از قرن چهارم است. دوران زنده‌شدن ناگهانی زبان فارسی قرن چهارم است. البته زنده‌شدن ناگهانی زبان، حرف بی‌پایه و اساسی است. ادبیاتی مثل شاهنامه فردوسی عرضه شد. این آثار ریشه در زبان و ادبیات قبل از خودش دارد. سابقه‌ای از قبل وجود داشت که ادبیاتی از این دست خلق شد. این سابقه را من در پژوهش‌های خود طی جست‌وجوهایی که انجام دادم، آوردم و نشان دادم که زبان فارسی قبل از قرن چهارم بسیار قوی بوده و آثاری به این زبان وجود داشته که در قرن چهارم به اوج درخشان می‌رسد. ترجمه طبری، ترجمه تاریخ بلعمی و در اوایل قرن پنجم شاهنامه فردوسی گواه همین نظر هستند و زبان فارسی در این دوران به قدرت و صلابت می‌رسد. البته این آخر کار نیست. زبان فارسی همان طور که جلوتر می‌آییم با تمام کش و قوس‌هایی که با ترک‌ها و عرب‌ها وجود داشت، رو به اعتلا می‌رود. جنگ زبان فارسی با زبان عربی یک جنگ کشنده برای ایرانیان بود. زبان فارسی



اشکال بزرگی که ما در زمینه فرهنگ نویسی داریم، این است که فرهنگنامه‌های ما اصلاً برد تاریخی ندارند، در این نوع فرهنگنامه‌ها غالباً همه چیز هست به جز نقش تاریخی

خیلی هنر کرد که توانست خودش را از زیر سلطه زبان عربی نجات دهد و زنده بماند و به مردم این سرزمین هویت ببخشد. ما علاوه بر عرب‌ها با ترک‌های گوناگون، سلجوقی‌ها، غزنوی‌ها و ... کش و قوس‌های بسیار داشتیم. جلوتر که آمدیم با مغول‌ها برخورد کردیم. بعد از مدتی با قومی دیگر... همین‌طور زبان فارسی در این روزگار توفانی با صخره‌های عظیمی برخورد می‌کند و موج‌های سنگین را از سر می‌گذراند. اما در سراسر این قرون زاینده‌گی‌های خودش را هم داشته. بعد از قرن چهارم بلافاصله شاعران بزرگی مثل ناصرخسرو ظهور می‌کنند و پا به عرصه زبان و ادبیات فارسی می‌گذارند. در ادامه تاریخ می‌رسیم به سعدی و حافظ و مولانا و خیام که همه این شاعران از برجسته‌ترین چهره‌های جهانی هستند. این شاعران چهره‌هایی هستند که در عرصه‌های جهانی می‌توانند معرف غنای زبان و فرهنگ و ادبیات فارسی باشند. اما یک قصیده سرای عرب چنین جایگاهی در جهان ندارد. یک قصیده سرای ایرانی هم نمی‌تواند به چنین موقعیتی دست پیدا کند. مثلاً منوچهری هرگز به جایگاهی که حافظ، مولانا و فردوسی دارند نمی‌رسد.

شما بعد از دوران طلایی ترجمه در قرن دوم و سوم، دیگر چه دورانی را دوران طلایی ترجمه می‌دانید؟

در عرصه ترجمه کاری به آن صورت و به معنای عمومی‌اش نکرده‌ایم. کار ما ایرانیان در علم ترجمه فقط این بود که تمام ادبیات عرب را اعم از دینی و حتی غیردینی به زبان فارسی ترجمه می‌کردیم. این ترجمه‌ها یا به صورت خالص بود یا متن را ترجمه معنایی می‌کردند و براساس آن داستان‌هایی با عناصر و مولفه‌های ایرانی می‌ساختند که از اصل بهتر و درخشان‌تر بود. مثلاً مولوی یک نوع ویژگی در آثارش هست که تمام داستان‌هایش مینا و منشاء دینی دارند یا حدیث یا برگرفته از آیات قرآن است. اما داستان‌هایی که او در مثنوی روایت می‌کند به مراتب از داستان‌هایی که در ادبیات عرب می‌خوانیم قوی‌تر و زیباتر است. حتی اگر حدیثی را ترجمه و در اثرش از آن سود می‌برد آنقدر زیبا آن حدیث را در داستان خود روایت می‌کند که زیباتر جلوه می‌کند و انسان از آن لذت می‌برد و می‌بیند درس اخلاق، دین و فرهنگ است. نمونه دیگر، داستان لیلی و مجنون عرب‌هاست که نسبتاً معروف است. اما این داستان هرگز به پای داستان لیلی و مجنون نظامی نمی‌رسد در حالی که لیلی و مجنون نظامی ترجمه همان داستان عربی است. می‌خواهم بگویم ما ترجمه‌های بسیاری از ادبیات عرب داریم. از روز نخست، این ترجمه‌ها شروع شد و تا همین الان ادامه دارد و هیچ‌ابایی نداریم که این را اعلام کنیم. البته همیشه هم این ترجمه‌ها مفید نبوده‌اند، اما تا حد امکان از آن بهره برده‌ایم. مخصوصاً در حوزه مباحث دینی خیلی استفاده کرده‌ایم. این ترجمه‌ها برای ادبیات فارسی بسیار سودمند بوده‌است.

ما ترجمه‌های درخشانی در زبان فارسی داریم. از کلیله و دمنه در زمان ساسانیان تا تاریخ طبری و هزار و یکشب و حاجی‌بابای اصفهانی که اغلب از عربی به فارسی برگردانده شده‌اند. چرا دیگر شاهکارهایی از این دست نداریم؟

ترجمه آثار خیلی بیشتر از اینهاست که شما نام بردید. مثلاً تصور کنید اگر از همان دوران نخست حساب کنیم صد هزار قطعه، شعر، قصیده، حکایت، کتاب، روایت، رساله از عربی به فارسی ترجمه شده‌اند که هریک در جای خود آثار ارزشمندی بودند. آنچه شما نام بردید، از مشاهیر است. ما ترجمه گونه نظامی را می‌شناسیم که چه بود؟ ولی داستان لیلی و مجنون صد‌ها بار به نثر نوشته شده‌اند که همه آنها یک نوع ترجمه‌اند، در حالی که ما بیشتر نظامی را می‌شناسیم و روایتی که او از لیلی و مجنون به دست می‌دهد. فارسی نویسی و ترجمه این آثار انگیزه‌های گوناگونی داشت، ولی بسیاری از آنها در قرون اولیه بنا به گفته خود مترجمان برای معرفی علوم اسلامی به جامعه فارسی‌زبانان بوده است.

بیش از پنجاه عنوان کتاب از قرن‌های چهارم و پنجم می‌شناسیم که در مقدمه آنها نوشته‌اند: «من این کتاب را به فارسی می‌کنم تا همچنان که خاص را بود عام را هم بود.» یعنی همان‌طور که متخصصان عرب آن را می‌فهمیدند، فارسی‌خوان‌ها که به آنها عوام می‌گفتند هم از آن بهره ببرند. حتی غزالی هم در ابتدای «کیمیای سعادت» این موضوع را آورده است. همه می‌خواهند علوم اسلامی را به شکل‌های گوناگون - چه دینی چه غیردینی - به جامعه فارسی‌زبان منتقل کنند و می‌کنند. در این راه خیلی هم موفق بوده‌اند و همه این آثار در جای خود شاهکاری هستند.

اوضاع ترجمه از عربی به فارسی در مقایسه با ترجمه آثار از زبان‌های اروپایی (انگلیسی، فرانسوی، آلمانی) را چگونه می‌بینید؟

آنهایی که از عربی به فارسی ترجمه می‌کنند برخی در ترجمه بدکار می‌کنند، همچنان که عده‌ای در ترجمه آثار از زبان‌های اروپایی این ضعف را دارند، عده‌ای هم خوب کار می‌کنند. در جامعه امروز هر دو گروه را داریم ولی مسأله‌ای که در این جا مطرح می‌شود، این است که در ادبیات اروپایی مقدار قابل توجهی ماده قابل ترجمه داریم؛ منظوم ادبیات اروپایی در سطح و مرتبه جهانی است. چه از میان نویسندگان، چه از میان شاعران و نظریه‌پردازان ادبیات و فلسفه که در جهان از شهرت و محبوبیت بسیار برخوردارند و آثارشان در تمام نقاط جهان مخاطبان زیادی دارد.

بسیاری از این آثار به زبان فارسی ترجمه شده و می‌شود. آنهایی که از زبان عربی ترجمه می‌کنند به دنبال شاعران و نویسندگان عرب می‌روند. اشکال این است که کشورهای جهان عرب در ردیف کشورهای جهان سوم هستند و در این کشورها فرآورده‌های هنری و ادبی‌شان به اندازه آثار هنری و ادبی اروپایی بار ندارد. در نتیجه در کشورهای مثل ایران مخاطبان چندانی پیدا نمی‌کنند. به همین خاطر ما دست به ترجمه آثاری می‌زنیم که به لحاظ ارزش و اعتبار در سطح آثار اروپایی نیستند و مخاطبان زیادی ندارند. به عنوان مثال، نویسنده و شاعری مثل جبران خلیل جبران که در ایران مدتی است مد شده و هر یک از آثارش با چند ترجمه در ایران منتشر می‌شود در گذشته کسی در ایران حتی نام او را نشنیده بود اما امروز هرچه کتاب و مقاله از او سراغ دارند به فارسی ترجمه کرده‌اند. من از او و آثارش خوشم نمی‌آید و به نظرم یک انشاء‌نویس دانشکده‌ای است. مهم‌ترین کتابش همان «پیامبر» است. بقیه آثارش بیشتر انشاء‌نویسی و خیلی سطحی است. حالا ما آنقدر این شاعر و نویسنده را بزرگ کرده‌ایم که به نظر غیرقابل دسترس می‌آید. مترجمان ادبیات عرب در انتخاب شاعران و نویسندگان عرب و آثارشان خیلی باید دقت کنند که از یک شخص متوسط قهرمان نسازند. افرادی هم هستند که از نویسندگان معتبر ترجمه می‌کنند. چند کتاب از نجیب محفوظ ترجمه شده است. از میان آثار عربی آن دسته از آثار که ارزش و اعتباری در سطح بین‌المللی پیدا کردند، به فارسی ترجمه شده‌اند، اما بقیه اگر ترجمه نشدند و نمی‌شوند به خاطر کیفیت نازل اغلب این آثار است.

به اعتقاد شما نزدیکی زبان گفتار و نوشتار یک امتیاز تلقی می‌شود؟ آیا به غنای زبان در ترجمه کمک می‌کند؟

نه، چرا باید نزدیکی زبان گفتار و زبان نوشتار به غنای زبان کمک بکند؟ زبان گفتار خیلی خیلی گویاتر از زبان نوشتار است. گاهی مطلبی که در جامعه در یک فضای خاص قرار گرفته و باید به نحو خاصی بیان شود، با زبان نوشتار قابل بیان نیست. آن موقع است که با زبان فصیح نوشتاری نمی‌توان حق مطلب را ادا کرد. در چنین شرایطی زبان فصیح نوشتاری برای بیان بهترین شکل و بهترین نحو از آن منظور از زبان محاوره یا زبان گفتار کمک می‌گیرد، چه از نظر واژگان چه از نظر تعبیر و ساختار جمله. این اتفاق زیاد می‌افتد و هیچ ایرادی هم ندارد.



گزارشی از اختتامیه جشنواره های «کتاب و رسانه برتر» و «کتاب و رسانه ملی»

شب فراموش نشدنی اهالی کتاب



در لحظه با شمارگان میلیونی است که باید از سوی ناشران بیشتر مورد توجه قرار گیرد. روزنامه ها و نشر مکتوب خیلی دیرتر از امواج رادیویی دست مردم می رسند، در صورتی که رادیو برای تمامی مردم در نقاط مختلف دنیا قابل دسترسی است. من تقاضا می کنم شرایطی فراهم شود که کتاب هادر اختیارمان قرار گیرند تا ما هم بهتر به رسالتمان عمل کنیم. صحبت های مهران دوستی مثل همیشه با تشویق حاضران همراه شد. جالب تر این که مجری برنامه چند دقیقه بعد از قول مسوولان موسسه خانه کتاب خبر داد که این موسسه از این پس یک نسخه از هر کتابی را که توسط موسسه خانه کتاب معرفی شود، به رادیو اهدا کند.

زیارت خانه خدا با پای دل

در جریان برگزاری مراسم اختتامیه این جشنواره ها، مجری برنامه به یک باره همگان را غافلگیر کرد. او از برقراری ارتباط مستقیم با «فرزاد جمشیدی» استاد حوزه دین و الهیات که در سخنوری شایسته و در انس با کتاب معروف است در مدینه منوره خبر داد و سپس گوشی تلفن همراه خود را در نزدیکی میکروفون گرفت و دکتر جمشیدی هم با همان لحن و جمله های دلنوازش که هنگامه سحر در ماه مبارک رمضان، دل ها را راهی کوی دوست می کند، از حج و زیارت، خدا و خدایی شدن، پیامبر (ص) و خاندانش، مکه و مدینه، انسان و انسان شدن، زیارت مقبول و حتی اوضاع فعلی شیعیان جهان نظیر کشتار آنها به دست آل سعود و به اشاره آمریکا در سرزمین «اویس قرنی» گفت و سپس دست تو سل به دامان یگانه منجی عالم بشریت، بقیه الله اعظم (عج) دراز کرد.

جمشیدی آنقدر باصفا حرف می زد که ناخودآگاه دل های حاضران در سالن همایش های کتابخانه ملی را با پای دل به زیارت خانه خدا برد.

توصیه های دوستانه فامیل سنجید!

مجری برنامه هنگامی که می خواست از «نگار استخر» مجری و تهیه کننده برنامه های ویژه کودکان و یکی از برگزیدگان جشنواره کتاب و رسانه ملی برای حضور در پشت تریبون دعوت کند، با لحنی دوستانه گفت: «نمی دانم ایشان مامان سنجید (اشاره به عروسک محبوب یکی از برنامه های کودک تلویزیون) هستند، یا خاله یا عمه یا خواهر سنجید!» شنیدن حرف های دلشینش دعوت می کند، پشت تریبون قرار گرفت و گفت: برای برنامه سازی کودک و نوجوان باید از کتاب و کتابخوانی به عنوان اصل کلی به ویژه استفاده از متون کهن یاد کرد. همچنین در سید خانواده ها نیز علاوه بر توجه به خوراک و پوشاک بچه ها، خرید کتاب نیز در اولویت قرار گیرد. وی با اشاره به این که بچه ها بیشترین تاثیر را از برنامه های سیمادریافت می کنند، اظهار داشت: فرهنگ کتابخوانی علاوه بر صداوسیما باید از سوی والدین و آموزش و پرورش نیز گسترش یابد. به تصویر کشیدن عادت کتابخوانی نیز یکی از مهم ترین مواردی است که باید در صداوسیما مورد توجه قرار گیرد.

و رسانه ها به سوی حمایت از بخش فرهنگی است. جعفری جلوه با تاکید بر اهتمام رسانه ملی بر حمایت از بخش فرهنگی توضیح داد: استفاده از این ظرفیت ها در آگهی ها و تبلیغات سیما نمونه ای از این فعالیت هاست و توافقاتی نیز در این زمینه برای کمک به نشر کتاب، تخفیفاتی مناسب برای حوزه فرهنگ و کتاب، نمونه ای از این فعالیت هاست. همچنین با توجه به جمعیت ۷۵ میلیونی ایران باید شمارگان کتاب ها افزایش قابل توجهی یابد.

مشاور رئیس سازمان صداوسیما در پایان با ابراز امیدواری از دستاوردهای مهم و بزرگ حوزه فرهنگ کشور اظهار داشت: فعالیت های مختلف در سیما باید متناسب با مخاطبان باشد تا در آینده نزدیک شاهد برنامه ریزی های کلان و موثر در این زمینه باشیم.

مهر «مهران» به دل نشست

«مهران دوستی» برای علاقه مندان به رادیو، فردی شناخته شده است، حتی آنهایی که ممکن است چهره او را هرگز ندیده باشند، سال هاست که با صدای گرم این گوینده شبکه رادیو جوان آشنایان و صد البته علاقه مندان به حوزه کتاب و کتابخوانی نیز با صدای مهران دوستی هنگام صحبت کردن او درباره کتاب و به ویژه معرفی کتاب های جدید و برتر خود گرفته اند.

دوستی اما این بار هم مثل جشنواره سال قبل وقتی پشت تریبون قرار گرفت درد دلی شنیدنی داشت و تقاضایی منطقی. او گله می کرد که چرا تازه های نشر یا آثاری که می توانند از طریق رادیو معرفی شوند، نه تنها آسان به دست فعالان رادیویی نمی رسند، بلکه گاهی آنها باید هزار خوان را بگذرانند تا به یک اثر مکتوب دست یابند!

وی با اشاره به فعالیت های مختلف و متنوعی که در زمینه کتاب و کتابخوانی از سوی رادیو جوان انجام شده است اظهار داشت: رادیو جوان تنها رسانه شنیداری است که در این سال ها فعالیت های مختلفی در زمینه کتاب های دفاع مقدس انجام داده است. معرفی خلاصه وار کتاب، یکی از این فعالیت هاست. دوستی با بیان این که ناشران و آثار مکتوب بسیاری در رادیو جوان معرفی شده اند افزود: رادیو، رسانه ای

بخش دیگری از سخنان خود تاکید کرد که هیچ گونه مداخله ای از سوی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد در داوری های هشتمین جشنواره کتاب و رسانه برتر صورت نگرفته است و داوران در کارشان کاملاً آزادی عمل داشته اند.

تبلیغ با قیمت مناسب در صداوسیما

سال هاست که فعالان حوزه نشر، به ویژه ناشران خواستار فراهم شدن شرایطی برای تبلیغ مناسب و ارزان کتاب در رسانه ملی اند.

واقعیت این است که جدای از ناشران کتاب های کمک آموزشی، بقیه ناشران قادر نیستند هزینه بسیار گران تبلیغ در تلویزیون و حتی رادیو را بپردازند.

«محمد رضا جعفری جلوه» مشاور رئیس سازمان صداوسیما در پایان این جشنواره از ایجاد شرایطی سهل و آسان برای تبلیغ کتاب در صداوسیما خبر داد.

وی از امضای توافقنامه ای میان این سازمان و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد تا بر اساس آن، ناشران بتوانند با استفاده از تسهیلات ویژه و با هزینه اندک، کتاب هایشان را در رسانه ملی تبلیغ و معرفی کنند.

جعفری جلوه با یادآوری این که رسانه ملی، ساخت برنامه هایی با موضوع کتاب را وظیفه خود می داند و برای انجام این وظیفه هیچ گونه چشمداشت مالی ندارد افزود: به اعتقاد من همکاری موجود میان سازمان صداوسیما و وزارت ارشاد در بحث کتاب نمونه ای از همکاری موفق و مطلب و میان دو نهاد است که می تواند به عنوان یک الگو در سایر بخش ها مطرح شود.

وی با اشاره به این که ترویج فرهنگ کتاب و کتابخوانی وظیفه رسانه ملی است که باید روز به روز اهتمام بیشتری در این زمینه شود افزود: یکی از رویکردهای مهم صداوسیما، تقویت و کمک به توسعه بخش کتاب و کتابخوانی در صداوسیماست. وی با اشاره به این که در این حوزه گام های موثری از سوی سازمان صداوسیما برداشته شده، یادآور شد: توجه به رونق بخشی فرهنگی به ویژه در زمینه کتاب بسیار زیاد شده که این امر نشانه حرکت جامعه

کتابخانه ملی تاکنون میزبان برنامه های گوناگون فرهنگی بوده است، اما هنگامی که اختتامیه هشتمین جشنواره «کتاب و رسانه برتر» و سومین جشنواره «کتاب و رسانه ملی» در سالن همایش های این کتابخانه برگزار شد، این مرکز بزرگ علمی -خواستار به محفلی با حال و هوایی وصف ناشدنی تبدیل شد.

حضور مقامات مسوول حوزه کتاب و کتابخوانی، فعالان حوزه تهیه خبر، گزارش، مصاحبه، نقد، تحلیل و معرفی کتاب، سخنرانی اهالی صدا و سیما جمهوری اسلامی، همه و همه قابل تامل بود، اما خبرهای خوشی که در این مراسم اعلام شد همراه با همگام شدن غافلگیرکننده حاضران این مراسم با زائران خانه خدا، حال و هوای خاصی به اختتامیه جشنواره های هشتمین جشنواره «کتاب و رسانه برتر» و سومین جشنواره «کتاب و رسانه ملی» بخشید.

نکته سنجی معاون فرهنگی وزیر ارشاد

هنگامی که سخن از داوری و انتخاب آثار برتر یک جشنواره به میان می آید، ناخودآگاه برگزیدگان، ذوق زده و خوشحال می شوند، آنهایی که نامشان در بین برگزیدگان به چشم نمی خورد، هر یک به فراخور اندیشه شان به فکر فرو می روند، برخی به جمع منتقدان می پیوندند و عده ای هم این انتخاب را تایید می کنند. این تقریباً روند تمامی جشنواره هاست، اما بعضی افراد نکاتی را متذکر می شوند که راهگشای مسوولان برگزارکننده و داوران جشنواره است.

دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دقایق کوتاهی به سخنرانی در ابتدای این مراسم پرداخت و گفت: باید به زحمت کشان و فعالان عرصه کتاب و رسانه در تمامی نقاط ایران زمین پرداخت و چنین برنامه هایی فقط ویژه پایتخت نشینان نباشد.

دکتر پرویز با تاکید بر اهمیت دو موضوع کتاب و رسانه ها و ابراز خوشنودی از همگرایی و پیوند کتاب و رسانه ها یاد آور شد: امروز علاوه بر آن که مجریان تلویزیونی به معرفی کتاب توجه دارند، برنامه هایی هم برای کتاب تهیه می شود که بسیار مفیدند.

وی به جشنواره های کتاب استانی اشاره و به مسوولان برگزاری جشنواره کتاب و رسانه برتر توصیه کرد: در سال های آتی به سهم نشریات استانی هم توجه کنند و از فعالان عرصه کتاب و کتابخوانی در استان ها هم قدر دانی شود.

دکتر پرویز که در حضور علی اکبر اشعری مشاور رئیس جمهور و رئیس کتابخانه ملی، جعفری جلوه، مشاور رئیس سازمان صدا و سیما، جمعی از مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیرعامل و معاونان موسسه خانه کتاب سخن می گفت، با ابراز رضایت از ایجاد بخش ویژه کتاب در مطبوعات و خبرگزاری ها تصریح کرد: البته این موضوع برای مسوولانی چون من که سمت اجرایی دارم گاهی می تواند باعث دردسر شود ولی من از این امر استقبال می کنم.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در

کارنامه خبرنگاران ایبنا و کتاب هفته در جشنواره رسانه ها

تعدادی از خبرنگاران خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) و هفته نامه کتاب هفته در دو جشنواره «کتاب و رسانه برتر» و جشنواره رسانه ای سوره مهر هفته گذشته تقدیر شدند.

اسامی برگزیدگان خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در هشتمین جشنواره «کتاب و رسانه برتر» عبارتند از: مهران بهروز فغانی (بخش یادداشت)، پروانه توکلی (گفت و گو و مصاحبه)، حسین قدیمی (تحلیل کتاب) و مریم اسدی جعفری (خبر).

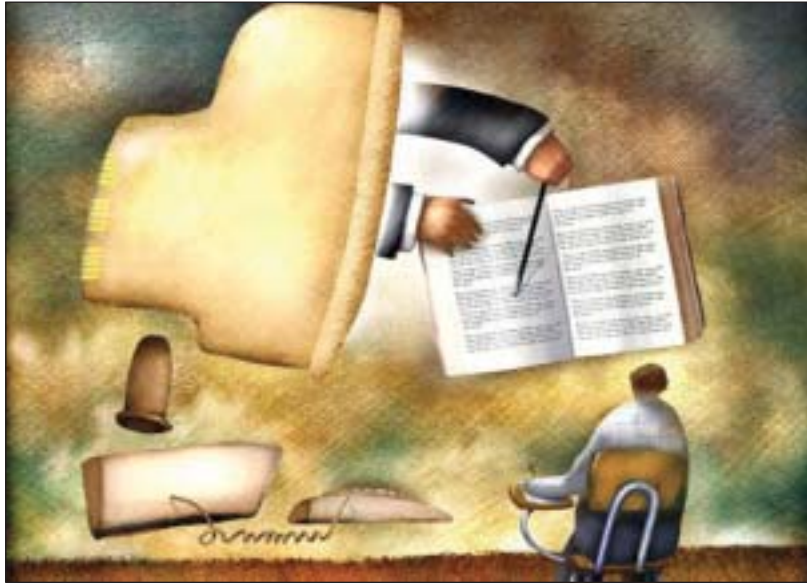
اسامی برگزیدگان هفته نامه کتاب هفته نیز به این شرح اعلام شد: ساره گودرزی (بخش گزارش) و لعی در فشه و سجاد صاحبان زند در بخش گفت و گو و مصاحبه.

همچنین در جشن کتاب انتشارات سوره مهر از نسترن پور صالحی، خبرنگار گروه دفاع مقدس ایبنا در بخش خبر تقدیر ویژه به عمل آمد و چهار عنوان از مطالب نشریه کتاب هفته نیز رتبه های دوم و سوم را کسب کردند. در این جشنواره در بخش معرفی کتاب، مطلب «یک جناح واقعی» (معرفی کتاب «من در شلمچه بودم») و «خاطرات سیاه» (معرفی کتاب «بادهای برفی») از کتاب هفته، رتبه های دوم و سوم را کسب کردند. همچنین مصاحبه ایناز محمدی با رضایتی درباره کتاب «قطار ۵۷» با عنوان «شهری در قطار» از کتاب هفته، رتبه دوم این جشنواره را در بخش مصاحبه از آن خود کرد.



کتاب چگونه شنیدنی می شود؟

خواندنی‌هایی برای شنیدن



از همان سال‌های آغازین پاگرفتن رسانه‌های صوتی و تصویری، کتاب همواره یکی از منابع مهم این رسانه‌ها برای جلب مخاطب بوده است، به ویژه آثار داستانی و نمایشی که به دلیل وجود عنصر روایت در آنها قابلیت اقتباس بالایی داشته‌اند. اگرچه گروهی از منتقدان معتقدند آثار بزرگ و کلاسیک ادبی، وقتی از کتاب به رسانه دیگری منتقل می‌شوند و از روی آنها اقتباس‌های سینمایی، تلویزیونی و رادیویی صورت می‌گیرد، بخشی از قدرت روایی و تکنیکی خود را از دست می‌دهند اما با این همه آثار ادبی - کلاسیک یا غیر کلاسیک - همواره برای رسانه‌هایی نظیر سینما و تلویزیون و رادیو و سوسه‌انگیز بوده‌اند و امروزه به همه اینها، پدیده دیگری هم به نام «ادیو بوک» اضافه شده که البته در ایران هنوز چندان پا نگرفته است.

شاید یکی از دلایل این که امروزه در جهان اقتباس‌های رادیویی، تلویزیونی و سینمایی و همچنین ادیو بوک‌ها از طرف مخاطبان ادبیات با اقبال فراوان روبه‌رو می‌شود، قابلیت این رسانه‌ها در خلاصه کردن آثار مورد اقتباس قرار گرفته باشد. خیلی‌ها با توجه به نوع زندگی‌های امروزی، فرصت و حوصله خواندن یک رمان چند جلدی را ندارند، اما قابلیت رسانه‌های صوتی و تصویری این است که می‌تواند همان اثر چند جلدی را به یک فیلم دو ساعته تبدیل کند یا به متنی که از رادیو خوانده می‌شود یا به ادیو بوک که حتی در خودرو هم قابل استفاده است و مخاطب می‌تواند در حالی که با اتومبیلش از جایی به جایی دیگری می‌رود، یک رمان چند جلدی را از طریق رادیو بوک یا از رادیو بشنود یا در پیاده‌روی‌ها به نحوی دیگر از این قابلیت‌های متن شنیداری استفاده کند.

در این میان یک نکته وجود دارد که نمی‌توان از آن غافل ماند، این که مثلا وقتی اثری برای رادیو تنظیم می‌شود یا در سینما و تلویزیون از آن اقتباس می‌شود، همچنان ویژگی‌های سبکی و معنایی‌اش که هنگام خواندن اثر از روی متن مکتوب دریافتی است، دریافتی باقی می‌ماند؛ آیا رسانه غیر مکتوب هنگام استفاده از یک اثر ادبی، می‌تواند عناصری را جایگزین آن ویژگی‌هایی از یک متن کند که تنها در حالت مکتوب، قابل دریافت است؟ آیا می‌توان با صوت و تصویر عناصری به وجود آورد که همان ویژگی‌های سبکی را به نحوی دیگر انتقال دهد؟ پرسش‌هایی از این دست، به ویژه وقتی مخاطب اثر ادبی تنها با اجرای صوتی یک متن سروکار دارد، جدی‌تر می‌شود زیرا در اجرای صوتی، خواننده تنها از طریق یکی از حواس خودش یعنی حس شنیداری با اثر ارتباط برقرار می‌کند. به همین دلیل تنظیم رادیویی یک اثر ادبی با تبدیل آن به ادیو بوک قدری دشوارتر به نظر می‌رسد.

محسن حکیم معانی، نویسنده و منتقد ادبی که پنج سال است سردبیری برنامه روایت شب رادیو فرهنگ را بر عهده دارد - که در آن بسیاری از رمان‌ها و داستان‌های مطرح و خواندنی ادبیات ایران و جهان بازخوانی شده‌اند - درباره دشواری‌های تنظیم یک داستان برای رادیو و نکات مهمی که نویسنده هنگام این کار باید به آنها توجه داشته باشد، می‌گوید: «وقتی کتابی رادیویی می‌شود، تغییراتی اساسی در آن به وجود می‌آید، چون زبان شنیداری و زبان نوشتاری با هم تفاوت‌هایی اساسی دارند.»

حکیم معانی یکی از تفاوت‌های اساسی این دو زبان را قابلیت ارجاع داشتن زبان مکتوب می‌داند و می‌گوید: «هنگام خواندن کتاب، اگر معنای کلمه‌ای را ندانید، می‌توانید سراغ کتاب لغت بروید یا برای بیشتر دانستن درباره موضوعی که به آن اشاره شد، به پاورقی کتاب رجوع کنید. همچنین هر وقت لازم

باشد، می‌توانید چند صفحه به عقب برگردید و آنچه را خوانده‌اید دوباره مرور کنید. اینها امکاناتی‌اند که رسانه‌ای مثل رادیو ندارد، چون شما تا بخواهید برای دانستن معنای یک لغت به لغتنامه رجوع کنید، بخشی از مطلب را از دست خواهید داد.»

یاسر نوروزی، نویسنده، منتقد و روزنامه‌نگار ادبی که یکی از نویسندگان برنامه روایت شب است، درباره ویژگی‌های تنظیم رادیویی می‌گوید: «تعریف مختصر تنظیم رادیویی، بنا بر تجربه پنج شش ساله‌ای که در این حوزه دارم (و نه بر اساس تعاریف آکادمیک) از این قرار است؛ تبدیل یک رسانه به رسانه‌ای دیگر؛ تبدیل نوشتار به گفتار؛ چشم به گوش؛ قلم به صدا... در این مسأله مثل هر تبدیل دیگری از این دست، بعضی قابلیت‌ها جایگزین بعضی قابلیت‌های دیگر می‌شوند؛ به این ترتیب که قرار نیست مجموعه‌ای از قابلیت‌ها از بین بروند و چیزی جای آنها را بگیرد، بلکه قرار است قابلیت‌های جای قابلیت از دست رفته را پر کنند.»

نوروزی درباره آنچه در فرآیند تنظیم رادیویی یک رمان اتفاق می‌افتد، می‌گوید: «در این فرآیند مجموعه‌ای از سهولت‌های متن خواندنی از دست می‌رود و به جای آن تسهیلات شنیداری جایگزین می‌شود. به طور مثال اگر مخاطب مطالبی را در داستان نفهمد، می‌تواند به صفحات قبل رجوع کند و آن را دوباره بخواند که چنین چیزی در محصول صوتی امکان‌پذیر نیست، اما برعکس آن هم صادق است، یعنی مخاطب می‌تواند دراز بکشد و با چشمان بسته داستان را گوش کند. ضمن این که مخاطب با شنیدن صدای گوینده - به جای خواندن کلمات - بسیار ملموس‌تر، با شخصیت‌ها رابطه برقرار می‌کند.»

نوروزی در ادامه با اشاره به محدودیت‌های ناگزیر تنظیم رادیویی می‌گوید: «از این بحث که بگذریم، در وقتی کتابی رادیویی می‌شود، تغییراتی اساسی در آن به وجود می‌آید، چون زبان شنیداری و نوشتاری با هم تفاوت‌هایی اساسی دارند»

برای تنظیم رادیویی بهتر می‌داند. او در این باره می‌گوید: «وقتی رمان روایت محور باشد و داستان داشته باشد، هم گوینده و هم مخاطب می‌توانند ارتباط بهتری با رمان برقرار کنند.»

نوروزی تأکید می‌کند: «ارائه تصاویر پشت سر هم بیشتر کار رسانه دیداری است تا شنیداری و چنین رمان‌ها و داستان‌هایی در تنظیم رادیویی ملال‌آور از آب درخواهند آمد.»

ذهنی نبودن رمان‌هایی که برای تنظیم رادیویی انتخاب می‌شوند، نکته‌ای است که محسن حکیم معانی هم بسیار بر آن تأکید می‌کند و می‌گوید: «در تجربه روایت شب فهمیدم که رمان‌های ذهنی چندان در تنظیم رادیویی موفق از کار در نمی‌آید و پیشنهاد من این است که کسی برای تنظیم رادیویی سراغ رمان‌های ذهنی نرود، چون رمان ذهنی در تنظیم رادیویی عملا از بین می‌رود.»

متعدد نبودن شخصیت‌های رمانی که برای تنظیم رادیویی از آن استفاده می‌شود، نکته دیگری است که یاسر نوروزی بر آن انگشت می‌گذارد. او می‌گوید: «اگر شخصیت‌های یک رمان متعدد باشند و تنها یک گوینده (با یک تیپ صدا) داشته باشیم، رمان به شکل ملغمه‌ای از اصوات گم، در خواهد آمد و مخاطب شخصیت‌ها را گم خواهد کرد و چون در رسانه شنیداری، امکان دقت به شکلی که در خواندن وجود دارد، موجود نیست، ارزش کتاب از بین می‌رود.»

نکته دیگری که در این میان مطرح می‌شود، این است که اصلا در تنظیم رادیویی یک متن ادبی چقدر باید به اصل متن وفادار ماند و دست نویسنده‌ای که متن را تنظیم می‌کند چقدر در تغییر متن و آن را با الزامات زبان شنیداری متناسب کردن باز است.

محسن حکیم معانی با تأکید بر این که نباید در این فرآیند، ارزش‌ها و دیگر ویژگی‌های اساسی متن از بین برود می‌گوید: «وفاداری به متن لازم است اما باید به این نکته هم توجه داشت که ما در تنظیم رادیویی با یک متن دیگر سروکار داریم. تنظیم رادیویی نوعی اقتباس است و در اقتباس هم توقع نداریم که عین اثر منتقل شود. مثلا ممکن است فیلم «جنگ و صلح» فیلم خوب یا بدی باشد ولی این ربطی به خوب یا بد بودن خود رمان ندارد. اقتباس رادیویی را باید یک اثر مستقل به حساب آوریم.»

در زمانه‌ای که رسانه‌های نوین از جمله اینترنت هر روز جای بیشتری برای خودشان نزد افراد جامعه بازی می‌کنند، رادیو همچنان مشتریان خودش را دارد، به ویژه افراد علاقه‌مند به حوزه فرهنگ.

آنچه باید همواره مدنظر مسوولان و دست‌اندرکاران تهیه برنامه‌های رادیویی قرار گیرد، این است که این رسانه با سابقه می‌تواند نقش مهمی را در عرصه اطلاع‌رسانی تازه‌های نشر و همچنین معرفی کتاب‌های مناسب با هر رده سنی یا قشر خاصی از جامعه بازی کند.

این موضوع می‌تواند حتی مرزبندی‌های عادی در برنامه‌های رادیویی را زیر پا قرار دهد و به طور مثال در یک برنامه ورزشی، امکان معرفی جدیدترین کتاب‌های حوزه تربیت بدنی و ورزش را فراهم کند یا هنگامی که در حوزه سیاست، گفت و گویی داغ و جذاب در حال پخش است، به انتشار کتابی مناسب با موضوع مورد بحث اشاره شود.

البته برای اطلاع‌رسانی مناسب کتاب توسط رادیو باید مسوولان و دست‌اندرکاران برنامه در این رسانه، از وجود خبرنگاران حرفه‌ای حوزه کتاب استفاده کنند تا کیفیت اخبار کتابی آنها نیز در حد قابل قبولی باشد.



سجاد صاحبان زند

نظریه پردازی در عرصه روابط بین الملل، یکی از عرصه های تخصصی علوم انسانی به حساب می آید که تا کنون شاهد انتشار کتاب هایی در این عرصه به زبان فارسی بوده ایم. با این همه ترجمه و تالیف آثاری در این رشته، با توجه به ضرورت های آن، چندان قابل اعتنا نبوده است. این محث در بخش تالیف، بیشتر خودنمایی می کند و یکی از دلایل این امر، نو بودن این رشته در ادبیات آثار منتشر شده در ایران است که دارای عمر بسیار کوتاهی است. «نظریه و زیر نظریه در روابط بین الملل» یکی از آثاری است که به تازگی به فارسی ترجمه شده و می توان با توجه به ساختار کتاب، آن را کتابی مهم به فارسی دانست. یکی از شاخصه های این کتاب، نبودن مباحث آن است که به مخاطب کمک می کند تا تحلیل بسیاری از مسائل روز جهان را بهتر درک کند. به عنوان نمونه، فرد چرنوف مولف کتاب به تحلیل حمله آمریکا به عراق پرداخته و به خوبی شرح داده است که نظریه پردازان نومحافظه کار، چرا در انتخاب راه حل و حمله به عراق اشتباه کرده اند. این کتاب با توجه به تحلیلی بودن آن، نثر روان و ساده ای دارد که علیرضا طیب به خوبی از پس ترجمه آن برآمده است. وی پیش از این نیز آثاری همچون «نظریه های متعارض در روابط بین الملل»، «تحولات نوین در شیوه های حقوقی حل و فصل اختلافات»، «آشوب در سیاست جهان: نظریه ای درباره دگرگونی و پیوستگی»، «تئوری توطئه در ایران»، «جامعه شناسی تاریخی و روابط بین الملل»، «ماهیت متحول سیاست خارجی» و «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت» را به فارسی ترجمه کرده است.

«نظریه و زیر نظریه...» در گفت و گو با علیرضا طیب

ناپیدایی مترجم

حرف افرادی مثل دریدا و ...

بله. پساختار گراها در یک مرحله از ذهن دکارتی به ذهن جامعه شناختی می رسند و ذهن جامعه شناختی ذهنی است که از محیط اجتماعی - اقتصادی شکل می گیرد. آنها در گام بعد به مرحله پسانو می رسند. در این مرحله به این نکته توجه دارند که ذهن و محیط اجتماعی به طور همزمان همدیگر را می سازند. در واقع این سر در جهت دور شدن از تفکر دکارتی است که می گفت: «می اندیشم، پس هستم». در گام بعد چهره هایی همچون فروید، با مطرح کردن بحث ناخودآگاه قرار دارند. در فاز زبان شناسی نیز سوسور نقش دارد. ویژگی دوم پساختارگرایی در اهمیت زبان، گفتمان و تفسیر است که شأن اصلی را در آن سوسور داشته است. بعد از سوسور فردی مانند فوکو مطرح می شود. او نیز در این ویژگی سهم شایانی داشته است. فوکو به مساله قدرت و ارتباط آن با دانش می پردازد و معتقد است که این دو چنان به هم نزدیکند که باید از عبارت «قدرت - دانش» استفاده کنیم. اینها بخشی از نظریات پساختارگرایی بود. در این کتاب نیز، این آزاد در روابط بین الملل مورد توجه قرار گرفته شده است. این نظریه در کنار سایر وجوه ضد طبیعت باوری از جمله «برسازی تفضیلی» به خوبی بررسی شده و سطح «زیر نظریه» شان طرح شده که در واقع تعیین کننده انتخاب های ما در قبال نظریه ها هستند، اینکه چون یک نظریه را برای راه حل انتخاب کنیم، مولف با هیچ یک از این زیر نظریه ها برخورد نمی کند.

در واقع نگاهی گزارشگر دارد...

بله. او در نقش یک گزارشگر عمل می کند و در عین حال انتقاداتی که دارد، برمی شمرد. به گمان من او در این بخش حق مطلب را خوب ادا کرده است. کتاب از سوی دیگر به مسائل روز و تحلیل آن می پردازد، حوادثی از جمله جنگ عراق. این نکته سبب شده تا نقش نظریه ها در عمل نیز مشخص شوند. تا چه اندازه با این نکته موافقت؟



کتاب اخیر منتشر شده، مطالب مهم و خواندنی بسیاری وجود دارد. به همین دلیل بود که من این کتاب را برای ترجمه به دست گرفتم. البته او مقالات بسیار خوبی نیز در همین رابطه دارد...

در عرصه روزنامه نگاری؟

نه. او یک نظریه پرداز روابط بین الملل است، از جمله نظریه پردازانی که به خوبی به مساله فلسفه علم عنایت داشته است. این چهره هاد در عرصه نظریه پردازی بین الملل بسیار اندکند. اگر اندکی جستجو کنید خواهید دریافت که کتاب هایی از این دست که به مسائل مختلف زیر نظریه ای پرداخته باشد، بسیار اندک است. با این توضیح که در هر یک از کتاب ها، یکی از وجوه زیر نظریه ای مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل است که کتاب او می تواند این خلأ را در عرصه بین المللی و در عین حال زبان فارسی پر کند.

چه کسانی مخاطبان این کتاب هستند؟

این کتاب یک سری مخاطب کاملا تخصصی دارد که می توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد. این دو دسته نیز از رابطه دوسویه ای که میان سیاست و نظریه در کتاب وجود دارد، شکل می گیرند. دانشمندان و اهالی نظریه پردازی از سیاست ها برای محک زدن نظریه هایشان بهره می برند و تصمیم گیرندگان سیاست خارجی و سیاست گذاران نیز برای پیدا کردن راه حل های مناسب نیازمند نظریه ها هستند. بنابراین ما با دو دسته مخاطب متخصص روبرویم؛ یک دسته اهالی آکادمیک که به طور تخصصی با مسایل روابط بین الملل روبه رویند و اساتید و دانشجویان این رشته در این دسته جای می گیرند. این کتاب جایگاه نظریه در روابط بین الملل را که دانشی عملگر است، به متخصصان دانشگاهی این حوزه نشان می دهد و آنها با خواندن این کتاب در خواهند یافت که نظریه ها در کجا و چگونه به کار می آیند و به طور کلی انتخاب این نظریه ها چگونه و بر چه اساسی انجام می شود. دسته دوم مخاطبان این کتاب که همان دست اندرکاران سیاست خارجی هستند، در این کتاب به اهمیت نظریه پردازی پی خواهند برد. آنها در این کتاب با این نکته روبه رو می شوند که در برابر مسایل روابط بین الملل چگونه نظریه ها را به کار برند. یعنی در خواهند یافت که راه حل های عملی با استفاده از نظریه ها که ریشه در زیر نظریه ها دارد، شکل گرفته و بسیار نیز کاربردی خواهند بود. حال عده ای از این رابطه سلسله وار آگاهند و عده ای به طور ناخودآگاه به انتخاب راه حل ها می پردازند. هر دو این گروه ها با

یکی از ویژگی های بارز و نادر این کتاب همین نکته است. مولف دست خواننده را می گیرد و او را با مسائلی که هر روز در روزنامه ها و تلویزیون می بیند درگیر می کند. او به خواننده نشان می دهد که برای حل هر یک از این بحران ها چه نظریه ای وجود داشته و از سویی نشان می دهد که هر یک از این راه حل ها دارای چه مشکلاتی بوده اند. او از مخاطب می خواهد که انتخاب نظریه ها را به طور آگاهانه داشته باشد. یعنی او از مخاطبش می خواهد که اگر می خواهد واقع گرایی را انتخاب کند، دلایل انتخابش را نیز بداند و همچنین آگاه باشد که نتایج انتخابش احتمالا چگونه خواهد بود. حسن کتاب این است که مسائل را آسان فهم می کند، بی آنکه مباحث کتاب آسیب ببیند. زیبایی و جذابیت این کتاب آن است که مشکل ترین مباحث کتاب را، بی آنکه دچار مشکل شود، به آسان ترین شیوه بیان می کند. یکی از دلایل این فهم آسان نیز، مثال هایی است که نویسنده در کتابش به آنها توجه کرده است.

جایگاه چرنوف به عنوان یک کارشناس امور بین الملل چگونه جایگاهی است؟

ایشان دو کتاب و مقالات علمی بسیاری دارد. یکی از کتاب هایش همانی است که شما در دست دارید و دیگری «قدرت روابط بین الملل» نام دارد که در حال حاضر در حال ترجمه آنم. در آن کتاب با آنکه پیش از

کتاب از دیدگاه مترجم

جهت اصلی کتاب توجه به جهات اصلی سیاست خارجی مربوط می شود، با طرح این پرسش که در مقابل سویه های مختلف سیاست خارجی چه راه حلی مناسب تر است. انتخاب این راه حل ها احتمالا مبتنی بر دلایلی است که با توجه به دلایل مختلف صورت می گیرد. این دلایل نیز مبتنی بر باورهایی است که اشخاص تصمیم گیرنده در مورد روابط علت و معلولی دارند. این روابط علت و معلولی ما را به سمت و سوی نظریه های روابط بین الملل می کشاند. در واقع می توان گفت که یکی از پایه های انتخاب راه حل مناسب برای سیاست بین الملل، همین نظریه ها هستند. پایه های دیگر این انتخاب یک سری شواهد تجربی و ارزش ها و اهدافی است که در دل آن نظریه مطرح است یا آنکه سیاستگذاران به عنوان پیش فرض در ذهن دارند؛ مثل حفاظت از مرزهای کشور یا تقویت امنیت ملی. اینها پایه هایی است که انتخاب راه حل را ممکن می کند. یعنی یک سری ارزش ها در کنار یک سری شواهد تجربی، در کنار نظریه ها می توانند به راه حل هایی در سیاست خارجی بینجامند. نظریه هایی که می توان در سیاست خارجی به طور کلی طبقه بندی کرد، به سه دسته تقسیم می شوند؛ واقع گرایی سیاسی، لیبرالیسم و برسازی که من آن را معادل عبارت constructivism قرار داده ام. هر سه این گرایش ها در کتاب «نظریه و زیر نظریه در روابط بین الملل» مطرح شده، اما این که شما می خواهید چه راهی را انتخاب کنید، به شیوه و طرز تفکر خودتان بستگی دارد. یعنی انتخاب هر یک از این گرایش ها، راه حل های متفاوتی را پیش پای شما خواهد گذاشت. می دانید که ما از یک سطح انضمامی. که مساله سیاست خارجی است. باید به یک سطح انتزاعی برگردیم که نظریه ها در آن مطرح می شود. در بحث انتخاب نظریه نیز باید به یک سطح انتزاعی برگردیم که همان بحث فلسفه است و در آن همان بحث انتخاب نظریه ها مطرح می شود. این در واقع شمایی کلی از بحثی است که «فرد چرنوف» در کتابش به آن پرداخته است.

یکی از خصوصیات کتاب، توجه به نگاه میان رشته ای مولف آن به سایر علوم از جمله فلسفه علم و علوم اجتماعی است. شما این نکته را چگونه می بینید و به نظر شما این نکته تا چه اندازه به کارایی نظرات مولف کمک می کند؟

بخش مهمی از کتاب به فلسفه علم اختصاص دارد. در فلسفه علم نیز به ارتباط میان علوم دقیقه یا طبیعی و علوم اجتماعی پرداخته می شود. در این بحث نیز سعی نمی کنند تا این تفکیک را جزئی تر کنند. بنابراین نگاه این کتاب هم میان رشته هست و هم نیست. از سویی ما در این کتاب علوم میان رشته ای را داریم، از آنجایی که همه علوم اجتماعی را که روابط بین الملل نیز یکی از اعضای این خانواده است، در یک کاسه قرار می دهد. در سوی دیگر، همه علوم طبیعی و دقیقه را نیز در یک طرف می گذارد. در این کتاب نظریه های روابط بین الملل و علوم طبیعی و دقیقه در برابر هم قرار گرفته است، از این رو نیز می توان آن را میان رشته ای به معنای اخص کلمه ندانست. در همین راستا، سه دسته نظریه ارائه شده. یک عده که تحت عنوان طبیعت باور در کتاب از آنها یاد می شود، معتقدند که نوع و ساختار استدلال در علوم اجتماعی و باطنی روابط بین الملل به علوم طبیعی شباهت بسیار دارد. در رشته روابط بین الملل نیز افراد بسیاری چنین فکر می کنند. عده ای نیز اعتقاد دارند که بررسی جامعه با بررسی طبیعت تفاوت های بنیادی و ریشه ای دارد. این افراد در کتاب با عنوان ضد طبیعت باور یاد شده اند. عده ای نیز در میانه این دو دسته قرار می گیرند.

ضد طبیعت باوران به چند دسته تقسیم می شوند. دسته ای پساختارگرا هستند، برخی نظریه پردازان انتقادی و یک سری تحلیلگر و تفسیرگرند که ما آنها را در فهرست «برسازی تفضیلی» قرار می دهیم. خوشبختانه کتاب فوق توجه خوبی به این مساله کرده است...

«نظریه و زیر نظریه...» توجه مناسبی به این مساله، یعنی نگاه ساختارگرایانه داشته، مساله ای که در ایران توجه چندان به آن نداشته ایم. شما بازتاب این آرا در روابط بین الملل را چگونه می بینید؟

پساختارگرایی دارای دو وجه عام و خاص است. در حوزه عام می توان پساختارگرایی را یکی از سنت های تحقیق در علوم اجتماعی دانست و از آنجا که در این کتاب ما با روابط بین الملل سر و کار داریم، تحقیقی در این علم به شمار می رود. در این شیوه تحقیق برای بررسی رویه های سیاسی جهان، از برخی رویکردها استفاده می کنند که از آنها با عنوان ساخت گشا، تفسیری، انتقادی، روانکاوانه و تبارشناسانه یاد می شود. ممکن است استفاده از عبارت پساختارگرایی این تعبیر را در ذهن ایجاد کند که در این نوع روش تحقیق، در رابطه علت معلولی کنش و کنشگر (یا علت و معلول)، اولویت با کنشگر است و ساختار در مرحله پایین تری قرار می گیرد.

یا دست کم در یک سطح قرار دارند...

به نوعی. پساختارگرایان معتقدند که این دو همدیگر را به طور همزمان می سازند. حرف اصلی ایشان این است.

تقصیری بر گردن خودمان



«تولستوی»، «اسکار وایلد»، «جرج ارول» و... می شود نشانگر توجه و اهمیتی است که سینما در کسب هویت تازه برای خود پیدا کرده و ریشه شناسی و تبارشناسی را در محور ساخته های خود قرار داده است.

نکته مهم در این گونه فیلم های اقتباسی این که در دوران تازه سینما و در روزهایی که مخاطبان سرشار از حقه های دیجیتالی اند، این آثار تنها با بهره گیری از داستان های جذاب که سرشار از تناقض مفهومی اند، می توانند تماشاگرانی را که به سالن ها کشیده اند جذب کنند.

در سینمای مدرن می توان هر چیزی را به شکلی واقعی تراز آنچه در رمان هاست، نمایش داد و حتی پا را از آن فراتر گذاشته و زیبایی را در قصه ای گنجانده که از این جلوه گری با مثابه ابزاری برای تحمیل جذابیت خود بر مخاطب استفاده می کند.

سینمای ایران و تاریخ هزاران ساله

اگر نگاهی سراسر به سینمای خودمان داشته باشیم، می بینیم این همه سند تاریخی و آثار مکتوب و آثار کهنی که برگرفته از تاریخ اند، می توانند بزرگ ترین منبع تاریخی در جهان شناخته شوند. اگر شاهنامه را در اقتباس های غربی با شخصیت هایی ناهمگون با این قصه ها می بینیم، به این دلیل است که فردوسی با ابتکار خاص آنها را در همین جغرافیا قرار داده و شخصیت های او ریشه در فرهنگی دارند که نیازمند توجه جدی سینماگران ما هستند.

هر چند تا مین بودجه کافی برای ساخت چنین آثاری مساله ای اساسی است، اما باید قبول داشته باشیم که کارگردانان ما نیز چندان در این حوزه کوشا نبوده اند.

همچنین ما معجزه ای به نام «قرآن کریم» را در اختیار داریم که سرشار از داستان های ناب برای روایت است و تاریخ صد هزار ساله دنیا در جای جای آن قابل مشاهده است و با تلفیق داستان های آن با اسناد تاریخی نویافته می توان آثاری فاخر را در سینمای ایران خلق کرد که برای هر مخاطبی از هر قشری جذابیت داشته باشد.

بنابراین به نظر می رسد که گناه کمبود اقتباس هایی از آثار کهن و بی توجهی به ساخت چنین آثاری بر گردن اهالی سینما و مسولان سینمایی است، موضوعی که مسولیت هنرمندان کشورمان را در برابر این رسالت تاریخی هدف گرفته است.

سینمایی شدند تا تنها تکنیک های منحصربه فرد سینمایی نباشند که فیلم و ساختار آن را تشکیل می دهند.

فیلم «دختر دیگر بولین» که سال گذشته به نمایش عمومی درآمد و داستان جنایت و بی اخلاقی را در دربار بریتانیا به تصویر می کشید، نشان از این دارد که سینمای تاریخی مدرن نیز همچنان خود را مقید به استفاده از ادبیات در روایت داستان می بیند.

این فیلم با اقتباسی که به جزئی ترین نکات داستان وفادار است، مخاطب را به تماشای داستانی می کشاند که هر لحظه سرشار از هیجان، غافلگیری و هراس است.

«فلیاگروری» نویسنده کتیابی الاصل انگلیسی، با انتشار این کتاب در سال ۲۰۰۲ توانست جایزه بهترین کتاب عاشقانه سال را برای این فیلم به دست آورد و با این کتاب رکورد فروش در چند کشور از جمله انگلستان و استرالیا را بشکند.

گرگوری در مصاحبه ای درباره داستان رمانش گفته که نگاه برده دارانه انگلستان در آن زمان به زن موجب تیره بختی شخصیت اول داستان یعنی «آن بولین» شده است، جامعه ای که به دختر جوانی چون او فرمان می دهد تمام آرزوهای خود را در گوربیندازد و مثل یک ابزار خود را فدای قدرت طلبی خانواده بی ریشه اش کند.

این گرته برداری، همراه با خلاقیت از سوی سازندگان موجب شده تا تنها طراحی صحنه و معماری فیلم که بازسازی دقیق آن چیزی است که در آن موقع بوده، مخاطب را قادر به همذات پنداری با زمان کرده و داستان را برای باورپذیری بهتر و روان تر آماده می سازد.

در همین سال هاست که سینمای هالیوود در کنار روایت های مهیج و سطحی و برای گریز از کاهش مخاطبان به دلیل سطحی گرایی موجود در آثارش به دنبال راهکارهای تازه ای برای جذب مخاطب می اندیشد و این را در تکرار تازه در اقتباس هایی تاریخی می بیند که بسیار بهتر از روایات هاو جنگ کهکشان ها برای مخاطب جذابیت خود را حفظ کرده است.

این که اکنون همزمان بیش از ۱۰ پروژه بزرگ سینمایی درباره شکسپیر ساخته می شود و «هملت» و «رومئو و ژولیت» را باز هم در سینما خواهیم دید و یا اقتباس های چندباره ای که از آثار بزرگانی نظیر «جین آستین»، «داستایوفسکی»، «ویکتور هوگو»،

مهدی محبعلی: رمان های تاریخی از دیرباز به عنوان یکی از مطمئن ترین ها برای اقتباس های سینمایی شناخته شده اند. بهره گیری از اثری مکتوب که به دلیل ویژگی هایش، توانایی پرداختن کامل به جزئیات رویدادهای تاریخی را دارد، شخصیت پردازی با ارائه زیربافت های اصلی کاراکترها در یک رمان و همچنین بی نیاز بودن به بازسازی تصویری دوره ای که مربوط به سال های گذشته است و بسیاری مسائل دیگر، این امکان را به نویسنده رمان های تاریخی می دهد تا با فراغ بال بتواند روایت و داستان را برای مخاطب بازگو کند، اما سینما به دلایل زیادی که در این گزارش به آنها پرداخته می شود، از چنین ویژگی هایی سود نمی برد و باید در فرصتی کوتاه روایتی را از تاریخ تصویر کند که بتواند مخاطبش را نسبت به وقوع آن رویداد تاریخی با خبر کند.

این گونه است که با پیشرفت جلوه های بصری در سینما، ساخت آثار پرطمطراق تاریخی بر اساس رمان های ارزشمند مکتوب نیز سرعتی دوباره یافته و می باید تا سینما و فیلمنامه های سینمایی نیز از این فرصت آرمایی بی بهره نمانند.

البته رمان های تاریخی از سال های دور منبعی مطمئن برای ساخت فیلم های سینمایی بوده اند و تاثیر گذاری خاص خود را نیز داشته اند. از فیلم «بن هور» می توان به عنوان یکی از بهترین نمونه ها در این زمینه نام برد که هنوز هم رکورددار دریافت اسکارهای سینمایی است. این اقتباس سینمایی الگویی در چند دهه برای ساخت اقتباس های تاریخی در سینما بود.

این فیلم که سال ۱۹۵۹ به کارگردانی «ویلیام وایلر» ساخته شد، داستان زندگی یک شاهزاده رومی را در دوران «سزار» روایت می کند. طبیعی است که اگر داستان جذاب و رمان فوق العاده «لئو والاس» نبود، وایلر نیز هرگز نمی توانست تصویری از این داستان را با استفاده از خلاقیت های ذهن خود برای مخاطب روایت کند.

اما همیشه رمان تنها ابزار روایت داستان های تاریخی نیست و افسانه های شفاهی که بارها به شکل مکتوب درمی آیند نیز مایه ساخت داستان های سینمایی شده اند.

شاید داستان تاریخی «ژاندارک» که در دوران جنگ های انگلستان و فرانسه رخ داد و این شخصیت را نزد فرانسویان تا حد و اندازه یک قدیسه بالا برد، از مهم ترین نمونه های این فیلم ها به حساب بیاید که بر اساس داستان های تاریخی فولکلوریک ساخته شده اند.

بر اساس اسناد تاریخی نیز می توان داستان را تا جایی پیش برد ولی روایت و باورپذیری آن بستگی به این دارد که چقدر این روایت به واقعیت نزدیک تر باشد.

داستان زندگی ژاندارک، دختری که مدعی دریافت الهامات آسمانی بود و علیه انگلیسی ها جنگید تا سرانجام در آتش سوزانده شد، دستمایه فیلم های مهمی در تاریخ سینمای جهان شده است. «ژان لوک بسون» این بار ژاندارک را نه از نگاه یک قدیسه، بلکه به عنوان یک انسان و با شک و تردید نسبت به ادعای او بررسی می کند و دلایلی را در فیلم نشان می دهد تا تماشاگر با حس تردید و شک به وجود مقدس مآبانه ژاندارک نگاه کند و این به برکت اقتباس از منابع مکتوبی است که این کارگردان فرانسوی بارها به آنها اشاره کرده است. با حرکت سینما به سمت جلوه های بصری، رمان های تاریخی نه تنها ارزش خودشان را از دست ندادند، بلکه عنصری اساسی تر برای ساخت آثار

خواندن این کتاب، علاوه بر آشناسانیدن با برخی نظریه ها، با مسیرهای پیچ در پیچ نظریه تا عمل گرایی آشنا می شوند. بعد از این آشنایی، آنها با وقوف بیشتری می توانند به انتخاب راه حل ها بپردازند.

در کنار این دو دسته، یعنی اهالی دانشگاهی روابط بین الملل و سیاستگذاران، دسته ای دیگر از پژوهشگران که در علوم همچون فلسفه علم کار می کنند، از مخاطبان این کتاب به حساب می آیند. آنها در جستجوی آند که فلسفه علم در رشته ای همچون روابط بین الملل چه تجلی و نمادی دارد.

چطور شد که این کتاب را برای ترجمه انتخاب کردید؟

من این کتاب را اردیبهشت سال ۱۳۸۷ از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران خریداری کردم و از آنجایی که این کتاب در میان سایر کتاب هایی که خریده بودم، از حجم کمتری برخوردار بود، نخست به مطالعه اجمالی آن پرداختم. وقتی که یک فصل و اندی از کتاب را خواندم، متوجه شدم که این کتاب خلأی را که در این عرصه در متون فارسی (و حتی متون انگلیسی) دارد، به خوبی پر می کند. البته در متون انگلیسی کتاب هایی شبیه به این کتاب داریم، اما این خلأ در متون فارسی به شدت محرز بود. یعنی ما کتاب مستقلی که در آن رابطه ای میان سیاستگذاری، نظریه های روابط بین الملل و وادی زیرنظریه های روابط بین الملل در آن به صورت توامان وجود داشته باشد، نداشتیم. قلم شیوای فرد چرنوف و تسلط او بر هر دو حوزه فلسفه علم و نظریه پردازی روابط بین الملل، سبب شده تا او مباحثی را که در کتاب های دیگر به طرز بسیار مغلق و پیچ در پیچ مطرح شده، با عباراتی ساده مورد بررسی قرار دهد. کسانی که با فلسفه علم آشنایند، حتی با خواندن متون انگلیسی کتاب این نکته را خواهند گفت که نگاه نویسنده، بسیار حرفه ای و روشن انجام شده است. به علاوه او یک اندیشمند روابط بین الملل است و در این حوزه نیز از تبحر کافی بهره دارد. تسلط او بر این دو حوزه سبب شده تا این کتاب بسیار شیوا و جذاب باشد. ان شاءالله ترجمه آن نیز توانسته باشد این خصوصیات را به زبان فارسی منتقل کرده باشد. تلاش مترجم این بوده که همان سادگی و شیوایی که در متن اصلی است، به فارسی برگردانده شود. علاوه بر اینها بحثی که من را خیلی بیشتر به ترجمه این کتاب ترغیب کرد، بحثی بود که گاهی با برخی از افرادی که دست اندر کار سیاست خارجی هستند پیش می آمد. برخی از آن دوستان معتقد بودند که مطالب تئوریکی که ما می خوانیم هیچ کاربردی در سیاست عملی ندارد. ما نیز هرچه سعی می کردیم با این بیان الکن خود به آنها بقبولانیم که این نظریه ها به چه دردی می خورد، ره به جایی نمی بردیم. به گمان من، این تئوری ها بر اساس نیازها به وجود آمده اند و حتما در حوزه عملی هم کاربرد دارند. اما موفق نمی شدم. امیدوارم که این استدلال های کاملا منظم و هدفمند نویسنده کتاب «نظریه و زیرنظریه در روابط بین الملل» بتواند این گام مهم را بردارد.

ترجمه کتاب چه دشواری هایی برای شما داشت؟

در اینجا بد نیست یادی از مرحوم مهدی سحابی داشته باشیم که چندی پیش درگذشت. ایشان معتقد بودند که مترجم باید متواضع باشد. اصولا مترجمی کار فروتنانه ای است. مترجم در جایی موفق است که کمتر خودش را در کتاب به نمایش گذاشته باشد. یعنی خواننده باید کمتر با این حس مواجه باشد که در حال خواندن ترجمه ای است. او باید احساس کند که در حال خواندن کتابی است که یک نویسنده هموطنش آن را نوشته است. یعنی هرچه مترجم موفق تر باشد، حضورش در کارش ناپیدتر است. من نیز این را پذیرفته ام و آن را شایسته می دانم. دشواری هایی در کار ترجمه وجود دارد، اما ما نباید بر سر جامعه ای که ما را پرورده، منت بگذاریم. دشواری های ترجمه کتاب چنان بود که من گاهی به اساتید فلسفه علم مراجعه می کردم و عبارات و اصطلاحاتی را که برایم ابهام داشت از این اساتید می پرسیدم. گاهی این دوستان نیز نمی توانستند از پاسخگویی شایسته برآیند. البته من تلاش کرده ام تا با جستجوهای اینترنتی و مشورت با دوستان مختلف گره این مشکلات را بگشایم.

موبد اردشیر خورشیدیان:

ایران، کهن‌ترین ادبیات مکتوب جهان را دارد

«اوستا» به شکل مکتوب در ایران وجود داشته است. خط «دین دبیره» نیز ویژه نوشتارهای دینی و برای حفظ درست و پاسداری علمی و دقیق از تلفظ اوستا بوده است. «گاتاها» که کتاب آسمانی زرتشتیان است و «یسنا» و «یشت‌ها» که شاگردان زرتشت به رشته تحریر درآورده‌اند، نیز همگی به صورت سرودهای روحانی مانتره و شعر تحریر و با این خط نوشته می‌شده است. این نسک‌ها و کتاب‌ها تا به امروز نگهداری شده‌اند.»

شاهنامه فردوسی تصویرگر کتاب‌های کهن
نویسنده کتاب «پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان» اظهار داشت: «فردوسی در شاهنامه ماندگارش به کتاب‌های کهن ایرانیان باستان اشاره می‌کند. بدین گونه می‌توان پی برد سخن آنانی که ایرانیان را به دور از کتابت و خط می‌دانسته‌اند، نادرست و به دور از حقیقت است. یک نمونه از اشاره‌های شاهنامه درباره کتاب‌های ایرانیان چنین است که در زمان تازش «ارجاسب» پادشاه توران و ایران، مهاجمان کتاب اوستا را سوزانده‌اند. این رویداد در شاهنامه فردوسی بزرگ چنین روایت شده است: «همه «زند» و «وستاش» همی سوختند/چه برمایه تر بود، برتوختند.» در پی همین یورش بود که «اشو زرتشت» در آتشکده بلخ (که همین شهر کنونی مزار شریف است) در حالی که به درگاه اهورامزدا نماز می‌برد، به دست «توربراتور» تورانی به شهادت رسید. باز در شاهنامه می‌خوانیم که «مخوان جز شب و روز (پازند) و «زند»/ز بد دور شو، نیک را کار بند» اینها نشانه‌های آشکاری از سنت کتابت در ایران است.

قدمت این زبان به حدی است که در دوره هخامنشیان یعنی ۲۵۰۰ سال پیش، کسی به این زبان محاوره نمی‌کرده است. زبان ایرانیان در دوران هخامنشیان، به گویش «فارس باستان» بوده و با «خط میخی» نوشته می‌شده است. از سویی دیگر بسیاری از اوستا‌شناسان اختراع خط را به خود اشوزرتشت پیامبر نسبت می‌دهند. ولی آنچه مسلم است، هیچ اثر یا کتیبه‌ای به قدمت زمان اشوزرتشت، پیدا نشده که بتوان آن سخن را به طور مستند، تأیید یا رد کرد. به همین زبان گاتاها و بخش باستانی اوستا مانند یسنا و یشت‌ها و بخشی از ونیداد را «زبان اوستایی» می‌نامند.»

رئیس انجمن موبدان اظهار داشت: «برخی از اوستا‌شناسان امروزی بر این باورند که چون زبان اوستایی بخشی از زبان هند و اروپایی است، متعلق به بخشی از خراسان بزرگ یعنی خراسان ایران، افغانستان، تاجیکستان و اطراف دریاچه اورال بوده است. اما این سخن با باور برخی دیگر از اوستا‌شناسان و از جمله زرتشتیان سازگار نیست. آنها سخن اوستای دوران ساسانیان را می‌پذیرند و باور دارند که اشوزرتشت در آذربایجان زاده شد. هنگامی هم که نتوانست پس از ده سال مبارزه خردمندان به اندازه کافی یار جمع کند و توسط کرپن‌ها، اوسپج‌ها و کوی‌ها (قدرتمندان و روحانیون مذاهب دیویستی) آزار و اذیت شد، چون باور داشت که در راه گسترش دین تنها باید با اسلحه دانش و با تکیه بر خرد و خردمندی کوشید، از شهر «رگه» یا ارومیه امروزی مهاجرت کرد و به شهر «بلخ» به نزد گشتاسب شاه رفت. آنگاه پس از آموختن زبان یا گویش مردم آن مکان، به شناساندن دین به شاه و بانوی او کتایون و وزرای بزرگ دربار یعنی «جاماسب حکیم» و «فرشوشتر» پرداخت. سرانجام پس از چهار سال گفت‌وگو، شاه و بزرگان شهر، سخن او را پذیرفتند و در راه گسترش دین او، پیامبر را یاری رساندند.»



برندگان بهره گیرند. ایرانی، در گذر تاریخی خویش، همواره با تکیه بر نیروی اندیشه و کار توانسته است به سازندگی و آبادانی و پیشرفت دست یابد و در جایگاه ابرقدرتی جهان باستان بایستد و بیش از سیصد سال، در برابر امپراطوری روم مردانه ایستادگی کند، آنها را شکست دهد و بارها به زانو درآورد.»

وی گفت: «دانشمندان باستان‌شناس بر این باورند که انسان‌ها پیش از پیدایش خط، نخست به کشیدن شکل پرندگان و حیوانات روی چوب، دیوارهای غار و بعد گل پخته پرداختند. پس از گذر از این دوره بود که مصریان با اختراع خطی به نام «هیراگلیف» نوشتن روی برگ درخت پیپروس یا خیزران را آغاز کردند. به گواهی تاریخ، ایرانیان نیز نوشتن را روی پوست شروع کرده‌اند. از این روی، واژه خط در زبان اوستایی و ایرانی «دبیره» گفته می‌شود، به کسی هم که نوشتن بر روی پوست را می‌آموزد «دبیر» گفته می‌شد. واژه دبستان و دبیرستان نیز از همین ریشه سرچشمه گرفته است.»

مؤلف کتاب «خرده اوستا: نمازهای بایست زرتشتیان» می‌گوید: «در ایران گنجینه‌های بسیاری برای نگهداری کتاب‌ها وجود داشتند. برای نمونه، در زمان حمله اسکندر، از دو کتابخانه بزرگ در ایران نام برده شده است. ۲۱ نسک اوستا نیز که روی بیست هزار پوست گاو نوشته شده بود، در این کتابخانه‌ها نگهداری می‌شدند. هر یک از نسک‌ها شامل کتاب‌های فلسفی، ستاره‌شناسی، پزشکی، دینی، مذهبی و ... بوده است. اسکندر گجستک، کتابخانه تخت جمشید را به آتش کشید و کتاب‌های کتابخانه شاپیگان در آذربایجان را به یونان برد. از آن پس بود که بسیاری از فلاسفه یونان با خواندن آن کتاب‌ها، از آموزش فلسفی ایرانیان الهام گرفتند و مکاتب فلسفی خود را بر مبنای جهان‌بینی ایرانی بنا نهادند.» وی افزود: «با این که ایرانیان در هر زمینه‌ای از دانش و فنون، به ویژه در ستاره‌شناسی، پزشکی، دینی، فلسفی، مملکت‌داری، اقتصاد و ... پیشرفت‌های چشمگیری حاصل کرده بودند، باز هم برخی از خاورشناسان به نادرست می‌گویند ایرانیان دارای کتاب‌مدون و نوشتار نبوده‌اند و بیشتر نامه‌ها را به صورت روایی و از بر کردن، حفظ می‌کردند. اما با بررسی کتاب‌های کهن، مانند اوستا و شاهنامه فردوسی، دیدگاه خاورشناسان غربی زیر سوال می‌رود.

این موضوع که به دقت در شاهنامه آمده، به خوبی می‌رساند که از زمان پیدایش دین زرتشتی، «زند» و

ببریم. این کار سبب خواهد شد که به درستی و به دور از ناراستی‌ها، از پیروزی‌ها و شکست‌های تاریخی خودمان درس بگیریم. پاک کردن تاریخ روایی (تقلی) و بخش بزرگی از تاریخ مدون مان از دروغ و ناراستی نیز وظیفه دیگر ما ایرانیان است؛ و گر نه تا زمانی که خود نشسته‌ایم و بیگانگان را به پژوهش و داوری فرا می‌خوانیم، جز این نباید انتظار داشته باشیم که یونان و روم را سرچشمه تمدن، فرهنگ، فلسفه، علم و دانش جهان بدانند و چنین وانمود کنند که دیگر ملل جهان و به ویژه ایرانیان با پیشینه دراز دامن فرهنگی و علمی و تمدنی، هیچ نقشی در پیشرفت و تکامل بشریت نداشته‌اند.»

پیشینه کهن کتابخانه در ایران

نویسنده کتاب «نگرشی نو بر تخت جمشید» گفت: «تاریخ ثابت کرده، ایرانیان در بسیاری از دوران‌های گذشته، بر اساس معیارهای جهانی سرآمد مردمان زمان خودشان بوده‌اند. ایرانیان در بیش از سه هزار سال پیش و در روزگاری که مادها بر ایران فرمان می‌راندند، مکاتب پزشکی متعدد داشتند. «سننا مرغ» و «مزدیسنا» نمونه‌ای از آن مکاتب‌اند. در دوره هخامنشیان نیز از دو کتابخانه بزرگ و کم‌نظیر آگاهی داریم که یکی در شهر شیز آذربایجان و دیگری در تخت جمشید قرار داشته است. به همین سان، در روزگار ساسانیان از «دانشگاه بزرگ جندی شاپور» نام برده‌اند که پزشکان آن بر پایه پنج شیوه پزشکی به گسترش دانش علمی خودشان می‌پرداختند. این گونه‌های پنج‌گانه پزشکی که ریشه‌ای کهن داشتند، عبارت بودند از «اشو بنشه زو»، «داتو بنیشه زو»، «مانتره بنیشه زو»، «ارورو بنیشه زو» و «کرتره بنیشه زو». در اوستا از میزان حق‌الزحمه و چگونگی کارکرد پزشکان سخن گفته شده است. جدای از این، ایرانیان همواره در رشته‌های مهندسی، احداث راه، سد و پل، کندن قنات، مدیریت بر آب و خاک، ذوب آهن، ستاره‌شناسی و فلسفه و حتی در دامنه اقتصاد و بانکداری و صدور چک، پیشقدم مردم جهان بوده‌اند. پیداست که برای توضیح هر یک از این مظاهر تمدن و پیشرفت مادی و مینوی، فرصتی جداگانه لازم است.»

کتاب سوزی شیوه مهاجمان یونانی

وی افزود: «افسوس که بیگانگان کتاب‌های ما را به آتش کشیدند و به آب سپردند و به یونان و دیگر جاهای جهان بردند. اکنون بازماندگان همان‌ها چنین ادعا می‌کنند که چون از ایران باستان جز «اوستا» و چند کتاب دیگر باقی‌نمانده است، پس ایرانیان دارای کتاب نبوده‌اند و تاریخ نویس، فیلسوف، مبتکر و مخترع نداشته‌اند و همه این مظاهر تمدن و فرهنگ جهان تنها از یونان و آنگاه رم سرچشمه گرفته‌اند! آنها فراموش می‌کنند به فلسفه تحلیلی تاریخ توجه کنند تا دریابند که باور ایرانیان چنان بود که به خودشان اجازه نمی‌دادند مانند یونانیان و رومی‌ها، از نیروی

در ایران گنجینه‌های بسیاری برای نگهداری کتاب‌ها وجود داشتند. برای نمونه، در زمان حمله اسکندر، از دو کتابخانه بزرگ در ایران نام برده شده است

تاریخ نشان می‌دهد که ایرانیان دارای کهن‌ترین ادبیات مکتوب جهان یعنی اوستا هستند و زبان اوستایی که ریشه در زبان‌های آریایی دارد، بازبان‌های «ودا» و «لاتین» هم‌زمان است و از باستانی‌ترین زبان‌های گیتی محسوب می‌شود.

دکتر موبد اردشیر خورشیدیان رئیس انجمن موبدان، یکی از سخنرانان در سومین همایش فرهنگ، نشر و فرهیختگان هموطن مسیحی، زرتشتی، کلیمی و آشوری در سرای اهل قلم بود که به مناسبت هفته کتاب برگزار شد.

خورشیدیان، سخنانش را با «گاتاها؛ کتاب آسمانی زرتشتیان» آغاز کرد و گفت: «ما خواستاریم از زمره کسانی باشیم که مردم را به سوی راستی و نیکی و جهان‌را به سوی آبادانی و پیشرفت رهنمون می‌کنند.» وی سپس از مسؤولان اداره کل مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که با خردمندی تمام در راه اعتلای دانش و دین یعنی بیدار کردن وجدان فطری آدمی گام برمی‌دارند سپاسگزار می‌گردد. به اعتقاد وی، این افراد بر سطح آگاهی‌ها و خردمندی‌ها می‌افزایند و در گسترش فرهنگ جهانشمول ایرانی می‌کوشند، چرا که فرهنگ انسانیت گستر و آمیخته با عرفان و ادب ایران، آدمی‌ساز است.

به باور موبد خورشیدیان، همه انسان‌ها از هر دین، مذهب، فرقه و ملت، باید توجه داشته باشند که پیامبران و رسولان آمده‌اند تا آدمی را به خدا نزدیک کنند، نه به خود. بدین گونه با پیروی از خداشناسی و انسان‌دوستی، همگی می‌آموزیم «انسانی بیندیشیم، ملی کار کنیم و فرقه‌ای زندگی نمانیم.»

وی گفت: «برعهده نویسندگان و بخردان است که به آن دسته از مشترکات فرهنگی بیندیشند که در بیشتر باورها، رفتارها و سنن و آداب ما به روشنی آشکارند. پیداست که دوری از چنین اصل بنیادینی، مانند آب در آسیاب دشمن ریختن است و نتیجه آن نیز چیزی جز دوری ایرانیان از هویت خود، نخواهد بود، اما توجه به مشترکات فرهنگی و دینی، سبب خواهد شد به حقیقت دست یابیم و به یگانگی جاودانه برسیم. در این راه بی‌گمان خداوند یکتا و بی‌همتا یاور ما خواهد بود.»

خورشیدیان افزود: «بخردان و اندیشمندان جامع، این اصل را هرگز فراموش نخواهند کرد که همه ما انسان و دارای آرمان‌های مشترک انسانی هستیم. تنها پس از توجه به همسانی‌های انسانی است که باید به این ارزش والا نیز توجه کنیم که به کشوری به نام آریان‌نویج وابسته‌ایم که آن را سرزمین آزادگان و آزادی خواهان دانسته‌اند. این سرزمین آزادی، امروزه در گرمی واژه ایران عزیز، با پیشینه فرهنگی و تاریخی ده‌هزار ساله، خلاصه شده است. از سویی دیگر، هر یک از ما ایرانیان، از هر دین و مذهب و ملیت، باید بیش از پیش به پژوهش بها دهیم و به جست‌وجو و کاوش بپردازیم تا از این بیشتر از هویت علمی و فرهنگی خود دور نشویم و بتوانیم دل‌هایمان را به یکدیگر نزدیک کنیم و به تاریخ راستین گذشته خویش پی ببریم.»

تاریخ ده هزار ساله کتابت ایران

وی در ادامه، به چگونگی پیدایش خط و کتابت در سرزمین ایران و نقش آن در شکل‌گیری و پیشرفت فرهنگ و تمدن ایران و جهان اشاره کرد و گفت: «از باستانی‌ترین دوران تاریخ، خط، نوشتار، کتاب‌نویسی و کتابخوانی در ایران رواج داشته و بایسته است ما ایرانیان تاریخ ده هزار ساله کشورمان را به درستی تحلیل کنیم و بکوشیم به فلسفه چنین تاریخ کهنی پی

پان

کنوت هامسون / ترجمه: قاسم صنعوی

نشر گل آذین / چاپ اول ۱۳۸۸
۲۴۴ صفحه / ۴۵۰۰ تومان



«پان» رمانی توصیفی نیست، بلکه غنایی است. ادواردا دختری بیست ساله است که گلان به او دل می‌بازد، عشقی پر شور پدید می‌آید، ولی دختر هم که

نسخه بدل مونث گلان به حساب می‌آید، فردی آرام نیست. آنان پیچیدگی‌های خود را دارند و در واقع حکایت «بی تو نمی‌توانم و با تو نمی‌توانم» را بازگو می‌کنند. آن دو در عین جذب یکدیگر، به شدت دافع یکدیگر هم هستند، غرور متقابل این دو دلداد... پیش از این قاسم صنعوی مترجم با سابقه، آثار دیگری را هم از این نویسنده نروژی به فارسی برگردانده بود.

کنوت هامسون، نویسنده نروژی سال ۱۸۵۹ در شمال نروژ در خانواده‌ای فقیر، روستایی به دنیا آمد. دوران کودکی و قسمتی از زندگانی اولیه خویش را در نردلند گذراند و سپس به پایتخت رفت. دوران بدبختی «هامسون» از این پس آغاز شد چرا که مدت‌ها با فقر و بدبختی به آوارگی عجیبی دچار شد. تحصیلات اولیه‌اش چندان استحکامی نداشت و به هر کاری که دست می‌زد به زودی آن را رها می‌کرد اعمالش به صورتی درآمده بود که همه فکر می‌کردند او شخصیت مهمی در زندگی خویش ندارد. بیست و دو ساله بود که وطن خویش نروژ را ترک کرد و به آمریکای شمالی رفت. از ابتدای جوانی هامسون که می‌دانست صاحب قریحه‌ای است گاهگاه ذوق خود را در ادبیات آزمایش می‌کرد، تا آن‌که از سال ۱۸۸۳ به بعد حرفه اصلی خویش را نویسندگی قرار داد و به تدریج آثاری منتشر کرد که او را در جهان ادب ممتاز ساخت. با انتشار کتاب «گرسنه» در سال ۱۸۸۵ شهرت هامسون به اوج رسید. در سال ۱۹۲۰ هامسون برنده جایزه نوبل شد و بالاخره سال ۱۹۵۲ در ۹۳ سالگی زندگی را بدرود گفت.

آثار منتشر شده وی عبارتند از «تمنای زمین»، «ویکتوریا»، «پان»، «گرسنگی»، «بازی حیات»، «شفق سرخ» و ...

ارتباط هستی و انسان با خدا

حسین صدیقی

نشر سایه روشن / چاپ اول ۱۳۸۸

۴۳۲ صفحه / ۴۰۰۰ تومان



کتاب «ارتباط هستی و انسان با خدا» (تکوینی و تشریحی) با استناد به قرآن کریم و تفاسیر معتبر شیعه و سنی منتشر شد.

در فصل اول این کتاب وضعیت هستی و انسان به

طور جداگانه تبیین و در فصل دوم نیز ارتباط (وابستگی) هستی و انسان به خداوند و همچنین سیطره فراارتباطی خداوند بر هستی و انسان از منظر جهان بینی توحیدی با استناد به آیات قرآن کریم تشریح شده است.

نویسنده در مقدمه کتاب آورده است: «ارتباط، نظیر همه اجزای نظام هستی از آفریده‌ها و مخلوقات خداوند است و نخستین ارتباط نیز با تعلق اراده خداوند متعال از طریق صدور فرمان تکوینی «کن» به معنای «باش» یا «موجود شو» با هر مخلوقی برقرار شده است. مخلوقات نیز بلافاصله با «فیکون» یا «موجود شدن» به این ارتباط برقرار شده از طریق صدور فرمان الهی پاسخ داده‌اند. در میان همه ارتباطات و کارکردهایی که هستی و انسان در طول سیر تکوین و تکامل خود می‌توانند داشته باشند، هیچ چیز به

اندازه ارتباط خدا با آنها برایشان نقش تعیین کننده و حیاتی ندارد؛ زیرا آفرینش اولیه و تداوم بقای مخلوقات صرفاً در گرو این ارتباط است...»

مار و پله

فرهاد حسن زاده

انتشارات سروش / چاپ سوم ۱۳۸۸
۵۱ صفحه / ۱۳۰۰ تومان



«ماروپله» مجموعه‌ای از پنج داستان کوتاه است که برای نوجوانان نوشته شده‌اند. یک شب از هزار شب، مار و پله، نی لیک‌های خاموش، زیر سایه درخت بیمار و لحظه خاکستری عناوین داستان‌های این مجموعه حسن زاده‌اند. داستان «ماروپله» چنین شروع می‌شود:

«توی کوچه پس کوچه‌های محله آسیاب چوپان، باز راهم را گم می‌کنم. عینکم را برمی‌دارم و عرق صورتم را باداستمال پاک می‌کنم. نگاهی به کوچه‌های بدریخت می‌اندازم و توی یکی از آنها فرومی‌روم. هرچه بادا باد! امانه، این کوچه چقدر به نظرم آشناست. همان کوچه آپاچی‌ها. همان که هفته پیش، سر ظهر، بچه‌های سر راهم را گرفتند و با مشت و لگد به جانم افتادند و همه نوباش‌ها و کباب‌ها را غارت کردند. برمی‌گردم و از کوچه دیگری می‌روم...»

خرسی که دیگر خرس نبود

فرانک تاشلین / ترجمه سعید امیری

انتشارات سروش / چاپ اول ۱۳۸۸

۵۶ صفحه / هزار تومان



«خرسی که دیگر خرس نبود» داستان خرس بزرگی است که در شهر زندگی می‌کند و انسان‌ها نمی‌توانند بپذیرند که او خرس است و مدام این جمله را می‌شنود که تو یک آدم احقر هستی

که لباس خز پوشیده‌ای و باید موهایت را اصلاح کنی، حتی خرس‌های باغ وحش و سیرک هم قبول نمی‌کنند که او خرس نیست و همان جمله تکراری را از آنها هم می‌شنود. با ادامه داستان اتفاقاتی برای این خرس تنها رخ می‌دهد و ...

داستان چنین شروع می‌شود: «یکی از روزهای خدا، یعنی روز سه‌شنبه، خرس قصه ما کنار جنگل بزرگ ایستاده بود و آسمان را تماشا می‌کرد. آن بالا دسته‌ای از غازها را دید که در حال پرواز به سمت جنوب بودند. بعد به درختان جنگل خیره شد. همه برگ‌ها زرد و قهوه‌ای شده بودند و از شاخه‌ها به زمین می‌افتادند. او می‌دانست وقتی غازها به سمت جنوب پرواز کنند برگ‌های درختان به زمین بیفتند، به زودی زمستان فرامی‌رسد و برف همه جنگل را خواهد پوشاند.

حالا وقتش بود که برای خواب زمستانی به داخل یک غار برود. خرس هم همین کار را کرد. فردای آن روز، یعنی چهارشنبه، سروکله چندین آدمیزاد پیدا شد. تعدادشان زیاد بود. با کلی نمودار، نقشه و وسایل نقشه برداری...»

تصویر عصر جاهلی در قرآن

انسیه خزعلی

انتشارات امیرکبیر / چاپ اول ۱۳۸۷

۲۵۶ صفحه / ۷۰۰۰ تومان



یکی از مسائل مورد بحث و مناقشه محققان و اندیشمندان معاصر جهان عرب، تاریخ دوره جاهلیت، آداب و رسوم و فرهنگ حاکم بر عصر جاهلی قبل از ظهور اسلام است.

این‌که آیا مردم عصر جاهلی مردمی متمدن بوده‌اند یا متوحش؟ این‌که اگر جاهلیت دارای تمدن بوده

در چه سطح و حدی بوده است؟ یا سواد در جاهلیت چه درصدی از مردم را پوشش می‌داده و میزان آشنایی مردم جاهلی با ادب و هنر در چه سطحی بوده است؟ این‌که میزان نفوذ خرافات و افسانه‌ها در عصر جاهلی چگونه بوده یا ادیان آسمانی تا چه حد در ساختار جامعه عصر جاهلی نقش ایفا کرده‌اند، از جمله سوالات بحث برانگیز پیش روی تحلیلگران تاریخ است که هر یک با نگاهی خاص به آن پاسخ داده‌اند.

نویسنده این کتاب چنان‌که در مقدمه آورده معتقد است که روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش ویژگی خاصی دارد. نگارنده با استناد به قرآن کریم به مثابه قوی‌ترین و معتبرترین اسناد تاریخ بشر که تاکنون بدون کوچک‌ترین تحریف حفاظت شده است، تصویری از عصر جاهلی ارائه کرده است که عاری از شبهات پژوهش‌های مشابه است...»

بوطیقای معماری «آفرینش در معماری»

آنتونی سی. آنتونیا دیس / ترجمه احمد رضا آبی

دوره دوجلدی / انتشارات سروش / چاپ چهارم ۱۳۸۸
۵۸۵ صفحه / جلد اول ۵۵۰۰ تومان - جلد دوم ۶۵۰۰ تومان



برای این‌که کتابی در ارائه تئوری معماری موفق باشد، باید به جنبه‌های گوناگونی بپردازد؛ تصور، خلاقیت و نیز به راهبردهایی که با به کار بستن آنها بتوان به طراحی معماری با محتوایی به واقع پر معنا دست یافت.

بوطیقای معماری در تئوری‌های بنیادی طراحی مدرن و پست مدرن کاوش می‌کند و می‌کوشد تا تمامی آنچه را در این دو جنبش ارزشمند می‌یابد در قالب رویکردی تازه و جامع گرا به سوی معماری، سامان دهد.

آنتونی سی. آنتونیا دیس بسیاری از راهبردهای محسوس و نامحسوس را که می‌توان برای پرورش خلاقیت در طراحی معماری به کار گرفت، مورد توجه قرار می‌دهد. او با گشودن درهای عالم معماری به گستره عظیمی از تاثیر پذیری‌های خلاقانه، می‌کوشد تا خوانندگان را در آفرینش طرح‌هایی که به لحاظ فضایی، حسی، معنایی و محیطی غنی‌ترند یاری دهد. برخی از راهبردهای نامحسوس به سوی خلاقیت که در این کتاب بررسی شده‌اند، عبارتند از: تحلیل، استعاره، پارادوکس و متافیزیک، ابهام‌آزلی و دست نیافتی، شعر و ادبیات و بیگانگی و چند فرهنگی. از میان راهبردهای محسوس نیز می‌توان به تاریخ و مطالعه پیشینیان، تقلید و برداشت صوری، هندسه و نقش طبیعت اشاره کرد.

«بوطیقای معماری»، اثری است اصیل و مبتنی بر اصول استوار. این کتاب به معماران، طراحان و دانشجویان کمک می‌کند تا استعداد و خلاقیت خود را افزایش دهند و درک و دریافت خویش را از فرآیند خلاقه - و بسیاری از عوامل موثر در آن - غنا بخشند.

تجلی عشق

فاطمه السادات حسینی

انتشارات فانوس کرمان / چاپ اول ۱۳۸۸

۹۱ صفحه / ۱۵۰۰ تومان



نویسنده «تجلی عشق» در هفت فصل این کتاب به عشق و محبت از دیدگاه دینی - مذهبی می‌پردازد. اولین گام برای عشق ورزیدن، آثار محبت اهل بیت، کلمات گوهر بار

پیامبر (ص) در مورد محبت با علی (ع)، نشانه‌های عاشقانه اهل بیت (ع)، وظیفه‌های محبان چیست و داستان عشق ورزیدن عناوین فصل‌های این کتاب هستند.

حسینی در مقدمه کتاب آورده است: «یکی از مبانی مهم تعلیم و تربیت در اسلام محبت است و قرآن کریم که معلم و مربی اخلاق است، مهم‌ترین

محور فضایل اخلاقی را محبت می‌داند و کانون همه محبت‌ها عشق و ورزی به حضرت حق است و سایر محبت‌ها بر محور این کانون می‌گردند و ...»

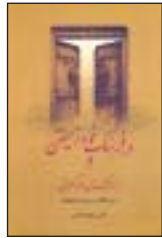
در فرهنگ خودزیستن

و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن

سی گفتار درباره فرهنگ / علی بلوکباشی

نشر گل آذین / چاپ اول ۱۳۸۸

۶۱۲ صفحه / ۱۰۰۰۰ تومان



این کتاب حاوی سی گفتار از مجموعه مقالات بسیاری است که نویسنده در زمینه جامعه، فرهنگ و فرهنگ عامه ایران در چهل سال گذشته، از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۸۳ در نشریات

علمی - پژوهشی، اجتماعی - فرهنگی، ادبی، دایرةالمعارف‌ها و یادنامه‌ها نوشته و چاپ کرده است. عنوان کتاب از نام مقاله «در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن» گرفته شده که در فصل پنجم و بخش یکم این مجموعه آمده است و نظر نویسنده این مقالات را در اهمیت و نقش اهمیت و نقش ارزش‌های فرهنگ خودی در هویت‌سازی فرهنگی بیان می‌کند. گفتارهای این کتاب حاصل اندیشه و نگرش نگارنده آن و حاصل پاره‌ای از یافته‌های او در پژوهش‌های میدانی در میان مردم کوچه و بازار و تحقیقات اسنادی او در متون تاریخی، جغرافیایی، ادبی و اجتماعی در زمینه فرهنگ در چهار دهه گذشته است. با خواندن مطالب این گفتارها می‌توان در کوچه پس کوچه‌های فضای فرهنگ سنتی ایران را و رایحه عطر آگین فضای فرهنگ سنتی ایران را بوید. همچنین در این گشت و گذار می‌توان با پاره‌ای از شیوه‌های رفتاری مردم در زندگی روزانه و نوع اندیشه و باور آنها در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی و دستاوردهای دانشی و هنری مردم، همچنین اشتغالات مردم در برخی پیشه‌ها و هنرها و نیز آداب و سنت‌های آنها آشنا شد.

کلیات، زبان و ادبیات عامه، دانش و فناوری در حوزه فرهنگ عامه، هنر در حوزه فرهنگ عامه و مناسک و شعائر آیینی - مذهبی پنج نقش این کتاب را تشکیل می‌دهد که هر یک از بخش‌ها، فصل‌ها و زیرفصل‌های متعددی دارند. بلوکباشی این کتاب را به دکتر محمود خلیفی تقدیم کرده و نوشته است: «به دوست اندیشمند و فرهیخته دکتر محمود خلیفی که سال‌ها با شکیبایی، کرامت و رادرمردی عشق «در فرهنگ خود زیستن» را به شیفتگان دانش فرهنگ‌شناسی و مردم‌شناسی آموخت.»

خنده در مراسم تدفین

علیرضا لبش

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۱۱۲ صفحه / ۱۹۰۰ تومان



«خنده در مراسم تدفین» مجموعه شعر و طرح علیرضا لبش است که با حمایت دفتر طنز حوزه هنری منتشر شده است. لبش در مقدمه چهار صفحه‌ای با عنوان «مقدمه‌ای برای نخواندن» آورده است: «در این مجموعه

مهم‌ترین موضوع برای من خود انسان بوده است با تمام احساسات و آرزوهایش، با تمام عشق و ورزی‌اش به خوبی‌ها و نفرتش از زشتی‌ها، و برای نمایش این دوست داشتن و عشق ورزیدن از عناصر طبیعت، که پیوندی ناگسستنی با کنه ذات انسان دارد، کمک گرفته‌ام؛ با طبیعت، که دوستی دیرینه‌ای با انسان دارد و شاید بهتر باشد بگویم خود ذات زیبای انسانی است...»

شعر کوتاه صفحه ۷۴ این مجموعه هم چنین است: با پوست باران / از جنگل شمال گذشتم / و به سردی شاخه‌های دستان رسیدم.

کتاب‌هایی که مو به تن بچه‌ها سیخ می‌کنند

ترسناک اما مفید برای بچه‌ها



زیر و رو کرده‌ام. فایده‌ای ندارد. به ساختمان پزشکی در منطقه سعادت آباد تهران می‌روم. متن تابلوهای سفید و نورانی شان نشان می‌دهند در این ساختمان مطب یک روان‌پزشک هم وجود دارد. شش طبقه را با پله بالا می‌روم تا نظر دکتر ناصر فیوضی را هم پرسیده باشم. به منشی نمی‌گویم به طور دقیق از دکتر فیوضی چه می‌خواهم. می‌ترسم جوابم کند. او حتماً خیال می‌کند از ناراحتی روانی خاصی رنج می‌برم! وقتی بعد از چند مریض نوبت به من می‌رسد، هنوز نمی‌دانم با چه واکنشی روبه‌رو خواهم شد. بعید می‌دانم تاکنون کسی از این روان‌پزشک پرسیده باشد: «کتاب‌های ترسناک برای بچه‌ها مفیدند یا نه؟»

پزشک میانسالی پشت میز نشسته. لوحی قاب شده به دیوار زده که نشان می‌دهد فارغ‌التحصیل یکی از دانشگاه‌های اروپایی است.

اول، او شروع می‌کند و نام و سنم را می‌پرسد. بی‌درنگ جواب می‌دهم. وقتی از شغلم می‌پرسد، مثل این است که توپ را به میدان من انداخته باشد. حالا من رشته کلام را در دست می‌گیرم. به او می‌گویم کتاب‌های ترسناک ویژه نوجوانان در بازار زیاد شده و من گزارشی در مورد آن تهیه می‌کنم. از پشت عینک نگاهی به من می‌اندازد. انگار دوباره کشم کرده باشد. همه تلاشم را می‌کنم که بگویم این یک مصاحبه است و از او می‌خواهم به عنوان یک کارشناس به سوال‌هایم جواب بدهد؛ آیا به موردی برخورد کرده که کتاب‌های ترسناک برای کودکان مضر بوده باشد؟ درباره این گونه آثار نظرش چیست؟ چه توصیه‌ای به والدین بچه‌های علاقه‌مند به این کتاب‌ها دارد؟

با دقت یک پزشک، همه حرف‌هایم را گوش می‌دهد. کمی فکر می‌کند و بعد می‌گوید: «دلهره، اضطراب، خیال‌بافی و ترس از مشکلات ویژه سنین نوجوانی‌اند. برای درمان این مشکلات، پزشکان و متخصصان از روش‌های درمانی متفاوتی سود می‌جویند. یکی از پرکاربردترین روش‌های مقابله با ترس‌های غیرمنطقی رویارویی مکرر و تعددی فرد با موقعیت ترسناک است. اگر به نوجوان فرصت داده شود تا به تدریج با موقعیت ترسناک خو گرفته و آشنا شود، روند شرطی شدن از این موقعیت رنگ می‌بازد و با شکستن این روند، ترس نیز از بین می‌رود.»

از این که او هم از ادبیات ترسناک دفاع می‌کند، تعجب می‌کنم. انتظار داشتم مانند پزشکان دیگر، محافظه‌کاری کند و هشدارهایی بدهد. خجالت را کنار می‌گذارم و می‌گویم: «آقای دکتر؛ راستش من قبل از شما با چند مترجم صحبت کردم که همه از این کتاب‌ها دفاع کردند. می‌خواستم برای این که گزارشم بی‌طرفانه باشد، یک نظر مخالف یا یک هشدار هم در آن بیاورم! با مادر یکی از بچه‌های علاقه‌مند به این کتاب‌ها هم صحبت کردم و او خیلی نگران فرزندش بود.» می‌گوید: «به نظر می‌رسد هنر و ادبیات راهکار مناسبی را در روند رویارویی با ترس و تجربه آن برای کودکان و نوجوانان پدید آورده است. نوجوان می‌تواند با مطالعه آثار دلهره‌آور، با مشکلات و ترس‌های قهرمان داستان شریک شود و موقعیت کم‌خطر و به اصطلاح آزمایشگاهی رویارویی با ترس را تجربه کند.»

دکتر فیوضی بالاخره کمی هم محافظه‌کار می‌شود. می‌گوید: «همه اینها به شرطی‌اند که این قصه‌ها به رشد بیمارگونه تخیل نینجامد و ترس و اضطراب غیرمنطقی ایجاد نکنند. در واقع، بهتر است خانواده‌ها با احتیاط بیشتری این کتاب‌ها را برای بچه‌ها تهیه کنند. شاید هم مناسب باشد مرکزی درباره این کتاب‌ها قضاوت کند و به هر اثری اجازه انتشار ندهد.»

این که تماس گرفته، تشکر می‌کنم و می‌گویم: «بله. درباره کتاب‌های ترسناک تحقیق می‌کنم و گویا دختر خانم شما از علاقه‌مندان سرسخت این کتاب‌هاست. آیا این مسأله شما را نگران می‌کند؟» مثل این است که نمک‌روی زخم یک مادر سخت‌گیر پاشیده باشم. دیگر نیاز نیست سوالی مطرح کنم. مادر ترانه خودش همه چیز را توضیح می‌دهد: «ترانه مرا حسابی کلافه کرده است. توی اتاقش پر است از پوستر موجودات تخیلی و اشیای ترسناک. حتی از کارهای مدرسه‌اش عقب می‌افتاد. گاهی نصف شب‌ها بیدار می‌شوم و می‌بینم چراغش روشن است و دارد کتاب غیر درسی می‌خواند. یک بار هم خواهر کوچک‌ترش را با تعریف داستان یکی از کتاب‌هایی که خوانده بود، حسابی ترساند!»

وحشتی به نام ادبیات خشونت

«تخیل خلاقه برای کودکان و نوجوانان، امری لازم و حیاتی است. این قدرت تخیل و خلاقیت است که در نهایت به علم یا هنر می‌انجامد؛ از آن شعر و داستان می‌روید یا فرضیه و نظریه شکل می‌گیرد. از آن گذشته، نوجوان بی‌تردید نیاز به هیجان و تعلیق دارد. اینها حرف‌های شهرام اقبال زاده است، مترجم و عضو انجمن نویسندگان کودک و نوجوان.»

وقتی از او در مورد فواید و احیاناً ضررهای ادبیات ترسناک برای بچه‌ها می‌پرسم، پاسخ می‌دهد: «این سوومندی تا جایی است که برای خواننده کم‌سن و سال آشنایی با ترس و آسودگی خاطر را به از مغان بیاورد، او را در برابر ناشناخته‌ها ایمن کند و به وی اعتماد به نفس ببخشد؛ چرا که ممکن است برخی از داستان‌های ترسناک به تثبیت و وحشت بینجامد و ترس را در وجود نوجوان نهادینه کند و این مورد آخر می‌تواند خطرناک باشد.»

ماندانا قهرمان‌لو مترجم دیگری است که هم برای نوجوانان و هم برای بزرگسالان کتاب‌های ژانر وحشت را ترجمه می‌کند، اما او یک نگرانی بزرگ دارد: «خشونت نباید جای ماجراجویی را بگیرد. منظور از ادبیات وحشت، هرگز ترویج خشونت و زشتی‌ها نیست.» این مترجم البته نگران است که بعضی‌ها سودجویی کنند و به جای ادبیات هراس‌آور، که به عقیده او می‌تواند خیلی هم مفید باشد، ادبیات خشونت را به بچه‌ها تحمیل کنند.

مقابله با ترس به کمک کتاب

عصر یک روز پاییزی است. چند نشریه ویژه نیازمندی‌های محله را برای یافتن یک روان‌پزشک

از این کتاب‌ها استقبال می‌کنند؟ خانم فروشنده اصلاً از سوالم خوشحال نمی‌شود. حتی حاضر نمی‌شود نامش را بگوید. گویا اندکی تردید دارد که این سوال‌ها را برای چه می‌پرسم و نگران است مبادا برای کسب و کارش مشکلی ایجاد شود. با این حال، به سردی پاسخ می‌دهد: «می‌بینید که! بچه‌ها خودشان این کتاب‌ها را دوست دارند. گاهی بعد از مدرسه می‌آیند و کتاب‌های جدید را می‌خرند. اصلاً بروید از خودشان بپرسید!»

احتیاجی به توصیه فروشنده نبود. مطمئنم بچه‌ها با اشتیاق بیشتری از این کتاب‌ها صحبت خواهند کرد. به آنها نزدیک می‌شوم، کمی گپ می‌زنم و موضوع را در میان می‌گذارم. یکی از دخترها خیلی مشتاق است صحبت کند.

ترانه توحیدی، مهرماه به کلاس اول دبیرستان رفته است. او یکی از طرفداران پروپاقرص ادبیات وحشت است؛ اکثر اوقات فراغت خود را یا در حال مطالعه کتاب‌های جدید است یا در سایت‌های اینترنتی ویژه ادبیات ترس، به خواندن و نوشتن می‌پردازد. از او پرسیدم آخر چرا او و هم‌سن و سالانش تا این اندازه علاقه‌مند این کتاب‌ها شده‌اند؟ پاسخش این بود: «شخصیت‌های این داستان‌ها، هم‌سن من هستند. احساسات، فکرها و حرف‌هایشان را درک می‌کنم. مشکلاتشان شبیه من است و من از آنها یاد می‌گیرم چطور با مشکلات خودم روبه‌رو شوم. آنها در یک محیط افسانه‌ای سعی می‌کنند با بدی‌ها بجنگند و من در زندگی طبیعی.»

مونا عزیززاده دختر دیگری است که با تکان دادن سر، همه حرف‌های ترانه را تایید می‌کند. او دوست ترانه است و البته یک سال بزرگ‌تر از او. مونا به حرف‌های ترانه این جمله‌ها را هم اضافه می‌کند: «من که فکر می‌کنم این کتاب‌ها فوق‌العاده‌اند. خیلی بهتر از کتاب‌های کسل‌کننده درسی‌اند. حتی شب‌های امتحان برای این که سر ذوق بیایم، چند صفحه «بچه‌های بدشانس» را می‌خوانم. بعد همه درس‌ها و معلم‌هایی را که خوب نیستند، مثل آدم‌های بد کتاب می‌بینم و به جنگ‌شان می‌روم!» از ترانه خواهش می‌کنم اجازه بدهد با یکی از والدینش صحبت کنم. ابتدا تمایلی ندارد. بعد شماره‌ام را می‌گیرد تا از مادرش خواهش کند با من تماس بگیرد. ترانه واقعاً خوش‌قول است. چون مادرش شب با تلفن من تماس می‌گیرد و خودش را معرفی می‌کند: «طاهره. الف هستم، مادر ترانه. دخترم گفت برای یک تحقیق به مدرسه‌شان آمده بودید و می‌خواستید با من صحبت کنید.»

بلافاصله می‌فهمم ترانه به مادرش همه چیز را نگفته. شاید نخواست کتاب‌فروشی که برایش حکم یک پاتوق ممنوع را دارد، لو برود. یا نخواست مادرش بدانند با یک غریبه، خارج از محیط مدرسه هم صحبت شده است! من حتی نمی‌دانم نام مدرسه ترانه چیست، اما نمی‌گذارم مادرش متوجه شود. به هر حال از او برای

نوجوان می‌تواند با مطالعه آثار دلهره‌آور، با مشکلات و ترس‌های قهرمان داستان شریک شود و موقعیت کم‌خطر و به اصطلاح آزمایشگاهی، رویارویی با ترس را تجربه کند

کتاب‌های رعب‌آور و ترسناکی که برای بچه‌ها تالیف می‌شوند، در ایران با استقبال قابل توجهی مواجه شده‌اند. هر چند برخی خانواده‌ها نگران علاقه فرزندانشان به این کتاب‌ها نیستند؛ اما برخی کارشناسان معتقدند این کتاب‌ها می‌توانند برای بچه‌ها مفید هم باشند.

بچه‌های امروز نه تنها ترسو نیستند بلکه به طور مستقیم به استقبال وحشت می‌روند! بازار کتاب ایران این روزها لبریز از کتاب‌هایی است که حتی نامشان مو به تن آدمی سیخ می‌کند. به راستی آیا این داستان‌های ترسناک برای بچه‌ها خطرناک نیستند؟ قدیمی‌ترها، افسانه‌های «جن و پری» را دوست داشتند. نسل‌های بعدی هم با دراکولا و خون‌آشام بزرگ شدند و از تونل‌های وحشت شهر بازی عبور کردند، اما شاید کسی فکر نمی‌کرد بچه‌های امروزی، عاشق سینه‌چاک کتاب‌های مدرن و وحشت‌آفرین از آب دربیایند!

تنها با بررسی آثار یکی از نویسندگان سبک وحشت به نام آر. ال استاین (نویسنده آمریکایی کتاب‌های وحشت‌آفرین ویژه نوجوانان) در فهرست کتاب‌های منتشر شده کتابخانه ملی ایران، مشخص می‌شود در چهار سال گذشته ۱۰۵ کتاب (گاه یک کتاب با چند ترجمه) ثبت شده‌اند. این آمار با توجه به وضعیت بازار کتاب ایران بسیار تعجب‌آور است؛ بیش از صد کتاب از یک نویسنده تنها در چهار سال!

استاین، تنها یکی از این نویسندگان است. از آنتونی هورویتس، نویسنده بریتانیایی کتاب‌های سبک وحشت و فانتزی در پنج سال اخیر ۳۰ عنوان کتاب چاپ و تقریباً تمام کتاب‌های نویسنده‌ای به نام «دارن شان» (که خودش می‌گوید غیر از وحشت به چیز دیگری فکر نمی‌کند) به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده‌اند.

حرف دل خودمان

عصر یکی از روزهای آخر آبان‌ماه است و هوای تهران اندکی رنگ و بوی پاییزی گرفته. خیابان انقلاب و کوچه‌های اطراف دانشگاه تهران مثل همیشه شلوغ و پر از آدم است. اینجا قلب کتاب تهران است. از کتابفروشان سراغ کتابفروشی ویژه نوجوانان‌رامی بگیرم. نشانی یک کتابفروشی را در ضلع شمالی خیابان انقلاب، بعد از دانشگاه تهران می‌دهند. زیاد طول نمی‌کشد تا این کتابفروشی را پیدا کنم. ظاهر کتابفروشی اصلاً ربطی به کتاب‌های ترسناک ندارد، زیرا با یک تابلوی قرمز رنگ شاد تزئین شده و همه چیز نوجوانانه و شاد به نظر می‌رسد اما این تنها ظاهر ماجراست. داخل این کتابفروشی و قفسه‌های آن پر است از همان کتاب‌هایی که دنبالش‌ام می‌گردم. چند دختر نوجوان با لباس مدرسه هم توی کتابفروشی سروصدا می‌کنند. گویا اینجا حسابی پاتوق آنها شده و در آن احساس راحتی دارند. نگاهی به قفسه کتاب‌های جدید می‌اندازم، روی جلد کتاب‌ها (که اکثراً با جلد‌های مشکی تزئین شده‌اند) اسم‌های عجیبی می‌بینم. نام‌هایی مثل: «تلفن مرده‌ها»، «جام نحس»، «روح در آینه»، «مدرسه شوم»، «وحشت در خیابان شوک»، «گذرگاه اسکلت»، «به خانه مردگان خوش آمدید»، «اسرار هیولایی»، «قصه‌های سرزمین اشباح»، «جشن وحشت»، «روح همسایه»، «هیچ‌کس زنده نمی‌ماند» و «فرغین اردگاه سرد». نام‌هایی که خوانند و واقعی بودند و این کتاب‌ها در ایران چاپ شده‌اند.

خانم جوانی پشت قفسه نشسته و بی‌توجه به سروصدای بچه‌ها، مجله‌ای را ورق می‌زند. به او نزدیک می‌شوم و بدون توضیح اضافه می‌گویم که گزارشی درباره کتاب‌های ترسناک تهیه می‌کنم. از او می‌پرسم مستری‌هایش چه کسانی‌اند و آیا واقعاً بچه‌ها

رمانی هفت جلدی که در ۱۰۰ صفحه خلاصه شد

روایت پینتر از «در جست وجوی زمان از دست رفته»

مارسل پروست، نویسنده فرانسوی، سال ۱۹۱۳ بعد از شکست های فراوان برای چاپ «در جست وجوی زمان از دست رفته» عاقبت ناشری را یافت که حاضر باشد سه جلد اول این رمان را به خرج خود نویسنده منتشر کند. چرخه زمان چرخید و شاهین شانس بر شانه پروست نشست. «در جست وجوی زمان از دست رفته» که پروست آن را به هفت جلد رسانده بود، مطرح ترین رمان این نویسنده شد و برایش شهرت فراگیری به ارمغان آورد. پروست بیمار و مبتلا به تنگی نفس، انزوا گزیده و گوشه گیر، سال ها از عمرش را در تنهایی و تاریکی شب، به نوشتن رمانی هفت جلدی گذراند و نهایت هم مزد زحمت هایش را گرفت. اما پروست جوان هنگامی که ناشران نسخه های ابتدایی این رمان را رد می کردند و از انتشار آن سخت ناامید بود، شاید می توانست از روی غرور حدس بزند که این کتاب روزی برایش شهرت جهانی به ارمغان می آورد؛ اما بی تردید هرگز به ذهنش نمی رسد که ۱۰۰ سال بعد، رمانی که برایش خون دل خورده در یک کتاب ۱۰۰ صفحه ای خلاصه شود آن هم به صورت یک نمایشنامه.



گویا آن را کاملاً هضم کرده و خودش «در جست وجوی زمان از دست رفته» دیگری خلق کرده است.

اینها بدان معنی نیست که پینتر، به رمان پروست وفادار نبوده باشد. عباس پژمان مترجم نسخه فارسی کتاب در مقدمه اش می نویسد: «هارولد پینتر، ساختار در جست وجوی زمان از دست رفته را در تلخیص خودش حفظ کرده است و با ایجاد اعجاب انگیزی، که از مشخصه های بارز هنر او در دنیای تئاتر و نمایش است، بسیاری از صحنه های مشهور و حوادث مهم اثر پروست را هم در این تلخیص خودش آورده است.»

شخصیت های رمان اصلی و بسیاری از حوادث و ماجراها، اینجا هم حضور دارند. تنها تغییر این است: لحن کشدار و جمله های طولانی مارسل پروست،

تبدیل شده اند به جملات تمیز و کوتاه و آب کشیده. عبارت های پینتر در چند کلمه مفهومی را منتقل می کنند که پروست برای گفتنش از چند جمله یا چند صفحه استفاده کرده است.

منتقدان پروست را نویسنده ای چیره دست در تصویرگری پیچیدگی های روابط، تعاملات و عواطف انسانی می دانند. نویسنده ای که مفاهیمی چون عشق، حسادت، جاه طلبی و حتی سیاست راه کاویده است. همچنین نحوه استفاده مارسل پروست از زبان فرانسه و جمله سازی او که شکلی بدیع و نو در ادبیات فرانسه بود، کتاب او را به کلی از سایر آثار ادبی همزمانش متمایز می کند. هفت رمان «طرف خانه سوان»، «در سایه دوشیزگان شکوفا»، «طرف گرمات»، «سدوم و عموره»، «اسیر»، «البرتین گمشده (گریخته)» و «زمان باز یافته»، در یک نمایشنامه جمع شده اند. همه چیز مثل دیگر خلاصه نگاری هایی است که ذکرشان آمد؛ جز سه چیز:

اول خلاصه نگاری این رمان به صورت داستان در نیامده؛ نمایشنامه است. دوم شهرت و محبوبیت خلاصه نویسی (بی آن که قصد مقایسه ای دقیق باشد که طرفداران یکی از این دو را خوش نپایند)، قیاس شدنی با خود نویسنده اصلی است و سوم موضوع اصلی این رمان، «زمان» است؛ و این «زمان»، موتیفی مرکزی و اصلی است که یکی از مهم ترین تجلی گاه هایش، شکل روایت گری پروست است که در هفت جلد حجیم به صورت نهایی خود در آمده. حال این پرسش مطرح می شود که هرچه هم پینتر استادکار باشد، چگونه در صد و اندی صفحه، این موتیف مرکزی را باز آفرینی کرده است؟

و یک پرسش مهم دیگر که چون باز مرتبط با موتیف مرکزی رمان، یعنی «زمان» است، در راستای پرسش پیشین مطرح می کنیم: پروست، بیمار و گوشه گیر و تنها بود؛ رمانش را با ضمیر اول شخص آغاز کرده

بود و تا انتها با همین «من» ادامه داد و همین تصمیم موجب شده خیلی ها تصور کنند (به اندازه درستی و غلطی این تصور کاری نداریم) که این رمان، در واقع تک گویی او درباره زندگی شخصی خودش است. درون شخصیت ها (به دلیل فرد گر بودن خود پروست) برای او در نهایت مهم تر از ماجراهای بیرونی آنهاست. نقش عنصر «حافظه» در نوع روایت گری رمان پروست بسیار مهم است؛ به گونه ای که خواننده گاه فکر می کند کل این رمان، حاصل و اکاوی یک نویسنده در حافظه شخصی خود است. حال باید دید قابلیت های ژانر نمایشنامه چه تفاوت هایی با رمان دارد؟ و چگونه ممکن است سلسله ای از محصولات قابلیت های خاص رمان را در یک نمایشنامه گنجانند؟ فراموش نکنیم هنگامی که دانیل دفو، ساموئل ریچاردسون و هنری فیلدینگ در بریتانیا ژانر رمان را پایه گذاشتند، ژانر نمایشنامه قرن ها بود که وجود داشت. پس حتما این ژانر از شماری ویژگی های خاص رمان، خالی بوده که نیازی به رمان، احساس شده است. یکی از مهم ترین این ویژگی ها، توجه به جزئیات بر اساس برداشت های نویسنده است که از قرن هفدهم از «رنالیسم» ایجاد شده بود. رمان نویسان بر اساس همین نیاز به توجه بیشتر به جزئیات بود که قید قالب های صوری نمایشنامه و شعر را زدند و در ازای آن، بهای سنگینی که بی قالبی و خالی بودن دست از صور پیش اندیشیده ادبی بود را به جان خریدند. برای پروست، این جزئیات اهمیتی صد چندان دارند. پینتر چه کرده که توانسته (یا نتوانسته؟) رمانی هفت جلدی را در یک نمایشنامه صد صفحه ای خلاصه کند؟ متاسفانه پاسخ به این پرسش ها، مجال بسیار بیشتر می طلبد.

باز نویسی «در جست وجوی زمان از دست رفته» اثر هارولد پینتر و دای ترویس با ترجمه عباس پژمان در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و ۱۰۰ صفحه، با قیمت ۱۸۰۰ تومان از سوی انتشارات هرمس منتشر شده است.

نگاهی به «رایحه درمانی» اثر گرهارد لایبولد

عطرهای درمانگر و شفا گرفتن از رایحه

هومن بابک

از حال می رفت، جلو بینی او مقداری کاهگل می گرفتند تا به هوش بیاید یا وقتی کسی دچار سردرد می شد، با بوییدن سرکه در تسکین او می کوشیدند و بالاخره استفاده از بوی گلاب برای رفع عصبانیت و خشم از مواردی اند که در قدیم شایع بوده و هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرند. در ایران بعد از اسلام، رایحه گل رز به قدری مقدس و دارای چنان خاصیت های درمانی بود که آن را به نام حضرت محمد (ص) نامگذاری کرده اند و از آن برای شست و شوی بزرگ ترین مکان زیارتی مسلمانان مکه و مسجد های دیگر استفاده می کنند.

در روایات و احادیث نیز توصیه شده است مسلمانان هنگامی که در مقابل خداوند به نماز می ایستند، خود را خوشبو کنند و این بدان دلیل است که بیشتر عطرهای طبیعی مانند گلاب، مشک، صندل، عنبر و یاس احساس آرامش را در نهاد انسان به وجود می آورند و باعث تمرکز در عبادت و پاکی محیط می شوند. خداوند در قرآن (سوره سبأ آیه ۱۶ و سوره واقعه آیه ۲۸) از سدر و (در سوره انسان آیه ۵) از کافور و (در سوره انسان آیه ۱۷) از زنجبیل نام برده است.

گیاهان، هر یک با خصوصیت و پیام خاص خود

به تاریخچه و تاثیرات فیزیولوژیکی رایحه ها، کاشت و داشت و برداشت گیاهان، شیوه های روغن کشی از گیاهان، چگونگی ساخت اسانس و نگهداری آن، حوزه های به کارگیری رایحه درمانی و همچنین ماساژ با روغن های گیاهی و تهیه کرم ها و لوسیون ها می پردازد.

بخش دوم این کتاب با عنوان تک نگارهای دارویی، به خاصیت گیاهان می پردازد و تاثیر آنها را بررسی می کند. در این بخش، نویسنده ۶۰ گیاه معروف در رایحه درمانی را به مخاطب معرفی می کند که گیاهانی مانند آویشن، رز، نعناع، رازیانه، بابونه، کرفس، پرتقال، کندر، میخک هندی و ... از این گروه اند.

در طول تاریخ، سوزاندن «بخور» در حضور پادشاهان، کشیش ها و اشخاص مقدس معمول بوده است. احتمالاً این قدیمی ترین گونه رایحه درمانی است. سوزاندن بخور برای حفاظت از طاعون و بیماری های دیگر به کار می رفته و از عطرهای ویژه ای برای راندن روح های پلید و طلب لطف خدایان استفاده می شده است. سنت رایحه درمانی از قدیم در ایران رایج بوده و طرفداران بسیاری داشته است. در طب سنتی ایران وقتی کسی

گریزش به طب جایگزین هم اکنون در جهان بسیار بیشتر شده است. روش های متعدد درمانی و استفاده از مواد طبیعی در درمان بیماری ها از دلایل گرایش افراد به این شیوه ها بوده اند. رایحه درمانی یکی از بخش های طب جایگزین است که به دلیل آسانی و در دسترس بودن برای بیماران، بسیار مورد استفاده قرار می گیرد. به تازگی انتشارات «سفیر اردهال» کتابی ۲۸۰ صفحه ای با عنوان «رایحه درمانی» به بازار کتاب عرضه کرده است که چگونگی استفاده ساده از این علم را آموزش می دهد. این انتشارات تاکنون کتاب های زیادی را در زمینه طب مکمل و طب سنتی ایران منتشر کرده است و کتاب «رایحه درمانی» آخرین کتاب منتشر شده این انتشارات در زمینه طب جایگزین به شمار می رود. «رایحه درمانی» مانند سایر معالجات طبیعی سابقه ای باستانی دارد و تاریخچه آن به ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد می رسد. یونانی های باستان، مصری ها، بابلی ها، رومی ها، هندی ها و چینی های باستان برای ایجاد تعادل، هماهنگ کردن انرژی، سلامتی و پیشگیری از بیماری ها، پاکسازی و ایجاد آرامش، از رایحه ها و اسانس ها استفاده می کردند.

کتاب «رایحه درمانی» توسط گرهارد لایبولد، پزشک متخصص گیاه درمانی نوشته شده است. وی در این کتاب تاریخچه ای از رایحه درمانی، ویژگی های درمانی، زمینه های به کارگیری و مواد مصرفی مانند روغن های معطر را گردآوری کرده است.

در این کتاب، خواننده با دوی بخش متفاوت روبه رو می شود. از نخستین صفحه تا صفحه ۸۷ نویسنده

با رنگ ها و عناصر فعال و رایحه مخصوصشان برای افزایش سلامتی و بسط آگاهی مادر دسترس اند. آنها با رشد ریشه هایشان در خاک و برگ هایشان به سمت نور، در خود هم انرژی های زمین و هم انرژی های خورشید را ذخیره می کنند. اسانس معطر هر گیاه دارای خصوصیات نهفته و خالص آن است. اسانس یا عطر هر گیاه شیره ذاتی و رکن اصلی و ارزشمند هر گیاه را تشکیل می دهد و بوی هر گیاه، روح آن گیاه محسوب می شود.

در بخشی از مقدمه کتاب «رایحه درمانی» آمده است: «طبق شواهد حاصل از پژوهش های اولیه پیرامون حس بویایی، دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که این حس نه تنها از حواس پست و ابتدایی انسان نیست بلکه متعلق به حواس پیشرفته و تکامل یافته است. با وجود این، آگاهی نسبت به محرک های بویایی و عکس العمل ما در مقابل این تحریکات بسیار اندک است. با ذکر این واقعیت که پاسخ های ما به تحریکات حس بویایی کاملاً غیر ارادی است ولی این عکس العمل های خودسرانه و غیر ارادی ناخود آگاه در زندگی صورت می گیرند و نقش مهمی در آن ایفا می کنند زیرا این حس هنوز مستقل از کنترل تفکر و خواسته های عقلانی ما عمل می کند.»

کتاب «رایحه درمانی» را آریتا خلیج امیر حسینی ترجمه کرده و ناهید سلمانی ویراستاری آن را برعهده داشته است. این کتاب ۲۸۰ صفحه ای در قطع رقعی با جلد سخت و در شمارگان ۲۲۰۰ نسخه و قیمت ۴۵۰۰ تومان به بازار کتاب ایران عرضه شده است.



کاوه رحمانی

گفت و گو با برگزیدگان دومین دوره جایزه جلال آل احمد

مشوقی برای پژوهش های عمیق تر

دومین دوره جایزه جلال آل احمد در حالی برگزار شد که برپایی نخستین دوره آن سبب شده بود تا توجهات بسیاری به سوی این جایزه فرهنگی جلب شود، هر چند که در دور اول این جایزه، کسی به عنوان برنده اعلام نشد. برخی از انتقادات در مورد دور اول این جایزه، مسوولان برگزاری را برای برپایی هر چه منسجم تر این جایزه مصمم کرد. از جمله این انتقادات می توان به حضور نداشتن بستگان زنده یاد جلال آل احمد، از جمله سیمین دانشور (همسر او) و شمس آل احمد (برادر جلال) اشاره کرد که در سال گذشته بازتاب رسانه ای وسیعی داشت. مسوولان اما، امسال از برادر نویسنده دعوت کردند تا در مراسم حضور داشته باشد، وی نیز با همه مشکلاتی که داشت در مراسم حاضر شد. سیمین دانشور نیز به دلیل مشکلات جسمانی و کهولت سن، نتوانست در این برنامه حضور یابد؛ برنامه ای که با تقدیر از چند نویسنده و پژوهشگر همراه بود. در ادامه این مطلب، با سه تن از برگزیدگان این جایزه ادبی به گفت و گو نشستیم. فضای این گفت و گوها کوتاه، بر حسب نام کتاب و مولف آن، کمی با یکدیگر متفاوت است.

رسول جعفریان، برگزیده بخش تاریخ نگاری

گسترده‌گی یک پژوهش



رسول جعفریان، پژوهشگر مطرح تاریخ و رییس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، از دیگر برگزیدگان دومین دوره جایزه جلال آل احمد است. او سال گذشته کتاب مفصل و تحقیقی «اطلس شیعه» را منتشر کرد که از نخستین روزهای انتشار، مورد توجه فراوان قرار گرفت. وی تاکنون بیش از ۵۰ کتاب را به صورت مستقل منتشر کرده که از جمله آنها می توان به

«پیش در آمدی بر تاریخ اسلام»، «دخالت انگلیس در واقعه مشروطه»، «ذهنیت غربی در تاریخ معاصر ما»، «افسانه تحریف قرآن»، «آشنایی مقدماتی باروش تحقیق در تاریخ»، «مروری بر زمینه های فکری النقاط جدید در ایران»، «اتامی در نهضت عاشورا»، «اندیشه تفاهم مذهبی در قرن ششم و هفتم هجری»، «تاریخ تشیع در ایران» و «جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه» اشاره کرد.

ما شما را در سال های اخیر بیشتر به عنوان پژوهشگر تاریخ، به ویژه تاریخ معاصر، شناخته ایم. چطور شد که سراغ موضوعی چون «اطلس شیعه» رفتید؟

من در کارهای پژوهشی ام چند دوره دارم که احتمالاً شما بیشتر با کارهای متأخرم آشنایید. من از سال ۱۳۶۱ که کارم را شروع کردم، تا سال ۱۳۶۴ بیشتر تمرکز روی تاریخ اسلام بود که حاصل این پژوهش «پیش در آمدی بر شناخت تاریخ اسلام» است. پس از آن، روی مسائل دیگر تاریخی کار می کردم با این توضیح که در ابتدا، تمرکز بیشتر روی تاریخ تشیع بود که حاصل پژوهش ما با عنوان «تاریخ تشیع در ایران» بود که به طور مکرر چاپ شده است. از حوالی سال ۱۳۷۰ و ۷۱، در کنار تاریخ تشیع که همواره مورد توجه بوده، روی تاریخ صفویه به طور تخصصی کار کرده ام که کتاب «فرهنگ و سیاست در عصر صفوی»، حاصل آن پژوهش ما بوده است. از سال ۷۹ نیز تمرکز بیشتر بر تاریخ معاصر بوده است. در واقع من دوره های مختلفی را در عرصه تحقیق داشته ام.

یکی از مسائلی در کتاب های گذشته شما کمتر مورد توجه قرار می گرفت و در این کتاب به آن پرداخته شد، توجه شما به مسائل مختلفی است که با موضوع اصلی کتاب در ارتباط است. چطور شد که موضوع کتاب را به این ترتیب گسترش دادید؟

در تحولاتی که در این پنج یا شش سال در وضعیت جهان شیعه به ویژه در عراق رخ داده و همچنین اتفاقاتی که منطقه خلیج فارس شاهدش بوده، یا در پاکستان و لبنان روی داده، سبب شد تا من نگرشی چندجانبه به این موضوع داشته باشم. با این همه، موضوع اساسی کتاب نگاه تاریخی آن است. من سعی کرده ام چه در مسائل مرتبط با تاریخ و چه در مسائلی که به مسائل روز مرتبط می شوند، عامل جذابیت و پویایی را حفظ کنم. افزون بر این، کوشیده ام تصویری که در اطلس شیعه ارائه می دهم، تصویری جامع باشد.

در نگارش این کتاب، یک تیم شما را یاری کرده، در حالی که بسیاری از کتب پژوهشی به ویژه در تاریخ معاصر، به صورت انفرادی منتشر می شوند. به گمان شما وجود چنین تیم هایی چقدر اهمیت دارند؟

این پژوهش، با کمک پنج یا شش نفر از دانشجویانم انجام شد. در کارهای جمعی، اگر استادان در کنار هم جمع شوند، کار به خوبی پیش نمی رود اما وقتی پروژه به نوعی با همکاری دانشجویان انجام می شود، بهتر صورت می گیرد. البته این نخستین تجربه من در این عرصه بود. برخی از این دانشجویان که خیلی کمک کردند، نامشان را در مقدمه

کتاب آورده ام.

اما آنچه در پیدایی این کتاب تاثیر زیادی داشت، تصویری بود که من از کتاب «اطلس تاریخ اسلام» نوشته حسین مونس در ذهن داشتم. من این تصویر ذهنی را با نخله های فکری ویژه ای که می خواستم در این کتاب به آن توجه کنم و همچنین تصویری که از تاریخ شیعه داشتم، در کنار هم گذاشتم تا ساختار کتاب «اطلس جهان شیعه» شکل بگیرد. من این ایده ها را با این دوستان در میان می گذاشتم و با استفاده از نقشه هایی که موجود بود، تغییرات لازم را اعمال می کردیم و اینها ماده خام کار را فراهم می کرد. در نهایت، تحلیل و طراحی نهایی را خود من انجام می دادم. مجموعه، مجموعه بسیار خوبی بود و ما در یک فرصت دو ساله کار را انجام دادیم.

چه منابعی را برای نوشتن این کار مورد استفاده قرار دادید؟

من سال هاست درباره تاریخ شیعه، به ویژه در مورد ایران و عراق. که در هر دو مورد کتاب نوشته ام. شناخت خوبی داشته ام. به عنوان مثال در سال ۱۳۷۳ کتابی نوشتم با عنوان «جغرافیای شیعه جهان اسلام». این کتاب، با سابقه کتابی که حدود پانزده سال پیش توسط انتشارات انصاریان منتشر شده بود، کلید خورد، یعنی مواد خام پژوهشی همواره در اختیار من بود. من در کتابخانه تخصصی تاریخ، کتاب ها و نقشه های مختلفی را فراهم کرده ام که تقریباً از همه شان استفاده کردم. از منابع دیگری هم استفاده کرده ام که اسامی شان در مقدمه کتاب آمده. اما به جز اینها، از متخصصان کشورهای دیگر نیز استفاده کردم. یعنی در بخش مرتبط با پاکستان از وجود طلبه های پاکستانی بهره گرفتم. در لبنان نیز از کمک های مشابه استفاده کردم. در بخش مرتبط با عراق، دو سه استاد خوب در نقشه ها کمک کردند. در مورد هند، از کمک مهندس قرایی بهره گرفتم. او منطقه را به خوبی و موضوع را می شناخت. یعنی می توان گفت که یک تیم ۲۰ نفره در این کار مشارکت داشتند. اما به هر حال من مجبور بودم صورت کار را درست کنم، چون برای همکاری با این دوستان محدودیت داشتم. به نظر من، پروژه های مثل اطلس شیعه باید توسط تیمی بزرگ تر و توسط یک موسسه بزرگ انجام می شد، مثل «مجمع جهانی اهل بیت (ع)» یا «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی». این سازمان ها راحت تر می توانند اطلاعات را جمع آوری کنند. در حالی که ما در برخی موارد حتی مجبور شده ایم از اینترنت کسب اطلاعات کنیم. ولی هر چه در اختیار ما بود و از صحتش اطمینان داشتیم، استفاده شد. در سازمان جغرافیایی هم آقای مهندس سینیایی، کمک بسیاری در تهیه نقشه ها کرد. او یک و نیم سال برای ما وقت گذاشت، هر چند که ایده، طراحی و نوشته هایش از ما بود، اما از نظر فنی او کمک زیادی به ما کرد. بخشی از زیبایی کتاب مدیون همین نقشه هاست.

شما همچنین از اطلاعات به روز استفاده کرده اید، یعنی علاوه بر توجه به مسائل تاریخی، از مسائل روز هم غفلت نمی کنید. تا چه اندازه برای هم نشینی این مسائل اهمیت قائلید؟

به نظرم این مسائل اهمیت فراوانی دارند، اما از سویی دشواری کار را نیز چند برابر می کنند. توجه توامان به مسائل تاریخی و مسائل روز، حتی از نظر تدوین علمی نیز کار را دشوار می کند. اما با همه این مسائل، با خودم اندیشیدم که اگر قرار باشد ما اطلسی راجع به شیعه تهیه کنیم، حتماً باید به زمان حاضر بیایم. حتی ما در مورد اروپا و آمریکا نیز کار کرده ایم. من در نامه ای برای دکتر حسن فرشتیان، به دوست طلبه ام که در فرانسه اقامت دارد، نوشتم که در مورد شیعیان آنجا چیزهایی را برای من بنویسد. اگر در هر کشور، کسی را مثل دکتر فرشتیان داشتم، کتاب را خیلی بهتر از این می نوشتم. اگر می گویم که این کار باید توسط «مجمع جهانی اهل بیت (ع)» یا «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» کار شود، به همین دلیل است چون آنها دسترسی خوبی به چنین اطلاعاتی دارند.

به نظر شما جوایزی مثل جلال آل احمد که به کتاب های پژوهشی و

تاریخ می پردازند تا چه اندازه این آثار را معرفی می کنند؟

به نظر من یکی از فوایدش این است که کارهای پژوهشی را به افراد زبده معرفی می کند. کتاب «اطلس شیعه» حدود یک سال است که چاپ شده، با این همه یکی از چهره های بسیار سرشناس، این کتاب را چند روز پیش روی میز من دید و با تعجب پرسید که این کتاب چه زمانی منتشر شده؟ وقتی خبر موفقیت کتاب ها در جایزه های فرهنگی اعلام می شود، می تواند راهنمایی باشد برای کسانی که در جست و جوی کتاب هایی از این دستند. افزون بر این، تقدیر از پژوهشگران سبب دلگرمی دیگران می شود تا آنها نیز جدی تر در کار خود بکوشند. هر چه این کارها توسعه پیدا کنند، در ترویج فرهنگ موثر خواهند بود و می توانند سبب پیشرفت شوند.

الان چه کاری را در دست دارید؟

سال هاست که روی سفرنامه های حج کار می کنم. در حال حاضر نیز روی نسخ خطی چند سفرنامه به فعالیت مشغولم. امیدوارم بتوانم در زمینه ادبیات حج که تاکنون توجه کمتری در موردش صورت گرفته، تا یک سال دیگر کتابی را آماده انتشار کنم.

سیده اعظم حسینی، تدوین گر کتاب «دا»

مسؤولیت سنگین ما پس از «دا»



کتاب «دا» در مدت حدود یک سالی که از انتشار آن می گذرد، موفقیت های بسیاری را کسب کرده است. در کنار شمارگان این کتاب که تاکنون ۹۰ چاپ از آن منتشر شده، جلسات نقد و بررسی فراوانی درباره این کتاب برگزار شده و چهره های بسیاری از آن تقدیر کرده اند. آخرین موفقیت این کتاب، برتری آن در بخش مستندنگاری دومین دوره جایزه جلال آل احمد است. به این مناسبت به گفت و گو با تدوین گر کتاب، سیده اعظم حسینی پرداخته ایم.

کتاب، مورد توجه مخاطبانی از طیف های مختلف قرار گرفته. علل موفقیتش را چه می دانید؟

قبلاً هم درباره این موضوع نکاتی گفته ام، جمع عوامل متعدد در نسبت های قابل قبولی کنار هم می نشینند و نتیجه ای را باعث می شود. شاید بعضی از این عوامل نقش جدی تری به خود بگیرند و بعضی دیگر آنقدر به چشم نیایند، در صورتی که همه آنها لازم و موثرند. بعضی موارد از این قرارند. یک نمونه فرعی که اصلاً در کارها دیده نشده فاصله کوتاه محل سکونت راوی با محل برگزاری جلسات مصاحبه در دفتر ادبیات و هنر مقاومت است. میزان و دفعات این جلسات مصاحبه به خاطر طراحی ذهنی که از مصاحبه اول ایشان در دست داشتیم نیازمند همراهی جدی راوی بود که با جواب ها و روایت هایش جدول زندگی نامه پرفراز و نشیبش را که در دور اول مصاحبه حاضر به گفتن و پاسخ دادن های کلی شده بود پر کنیم. نمونه دیگری که می توان به آن اشاره کرد امکان هر چند سخت سفر به خوزستان و شهر خرمشهر بود که بارها به انجام رسید تا جغرافیای طبیعی شهر، فضا ها و فرهنگ حاکم در حد امکان دیده شده عمق و گستره سوالات را رقم بزند. خیلی موارد را در ذهن دارم که به همین ها بسنده می کنم.

از این موارد به ظاهر کوچک گرفته تا عواملی چون الگوی حاکم بر مصاحبه و تدوین که شیوه نامه خاطره نگاری است یا مولفه های دیگری که در کتاب می بینیم که آن را در جایگاه اثر ملی قرار داد.

صداقت راوی، موقعیتی که راوی در آن حضور داشته و گزارش جزئی و لحظه پردازی های تصویر سازانه ای که از وقایع به ما می دهد،

شخصیت اصلی کتاب یا راوی در این کتاب یک زن است.

«دا» یکی از مهم ترین دوره های تاریخی یعنی اشغال خرمشهر را روایت می کند.

حضور مرگ و زندگی در کنار هم است که جدال این دو همواره در هر نوشته ای دیدنی و نوشتنی است. کشش رمان گونه ماجرا که به غلط، رمان بودن آن را در برخی اذهان حتی کارشناسان موجب شده است.

موفقیت کتاب «دا» چقدر کار را برای کتاب هایی از این دست سخت می کند؟

مسئله توقعی که نزد مردم بعد از «دا» پیش می آید توقع دیدگاه دیگری است که هم مسؤلیت ما را سنگین می کند و هم مسؤلیت دیگرانی که در این حوزه ها کتاب تولید می کنند.

نقش جایزه هایی چون جلال را در تشویق مولفان چطور ارزیابی می کنید؟

ساده ترین و حداقلی ترین نگاه به این جشنواره و جایزه نقش تشویقی است که اگر به همین نقش حداقلی اکتفا و بسنده شود به ضرر حوزه ملی تمام خواهد شد. این که توجه ها جلب شود که بیشتر چه کاری جشنواره پسند است و آن طور کار را تولید کنند، این ضرر است.

این جشنواره و جوایز مترتب بر آن زمانی خوب ارزیابی می شود که یک شناخت از حوزه عمومی توسط داوران از حوزه مشخص داشته باشیم تا این داوری ارتباط بدهد مردم را با آثار فاخر و حوزه های کارشناسی را با آثار به این شکل دیدگاه ها و دغدغه های آن حوزه را به جامعه مخاطبان و کارشناسان آشنا کند. گرچه هر جشنواره داوران مختص خودش را دارد و نحوه گزینش آثار مبتنی بر دیدگاه آنهاست. اگر دیدگاه علمی، کاربردی، اطلاع رسانی حتی تربیتی ارزشی داشته باشد می توانیم امیدوار باشیم که آثار برتر در هر حوزه شناخته و عرضه می شود.

نقش جایزه هایی از جمله جلال آل احمد را در ترغیب و رشد کتابخوانی چگونه ارزیابی می کنید؟

جشنواره جلال تازه کارش را شروع کرده زمان می خواهد تا جا بیفتد و تاثیرش را بگذارد. برای این که بدانیم در رشد تالیفات، ترغیب مردم به کتاب رشد کتابخوانی هنوز راه داریم.

اگر از منظر کارشناسی های ملی بخواهیم نگاه کنیم و اگر به آثار ملی این جشنواره بخواهیم نگاه کند در طول زمان و دوره های بعدی تاثیراتش دیده خواهد شد که دیگران به واسطه شیوه ها و نگاه به این آثار به چارچوب بهتری از خاطره نویسی برسند. الگویی که در «دا» مطرح شده به عنوان نمونه ای که امتحانش را پس داده می تواند مورد بررسی قرار بگیرد. از منظر کارشناسی که نسبت به «دا» نظر دارند، «دا» نرخ خاطره نویسی را عوض کرده و اعتبار دیگری به خاطره و سطح الگوی بارزی در ادبیات مستند به وجود آورده.

آثار دیگر در دست انتشار دارید؟

کارهای خوب دیگری در دست انجام است که به واسطه نوع شیوه پژوهش و مصاحبه و تدوین که به آن اهتمام دارم، کارهای زمان بری است. امیدوارم بتوانم آنها را در فرصتی مناسب منتشر کنم.

علیرضا فولادی، برگزیده بخش نقد ادبی نظریه پردازی ایرانی



دکتر علیرضا فولادی، یکی از برندگان بخش نقد ادبی دومین دوره جایزه جلال آل احمد است که این رتبه را با کتاب «زبان عرفان» و به طور مشترک با نغمه ثمنی کسب کرده است. وی دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی در مقطع دکتری از دانشگاه تهران است. از وی بیش از ۲۰ مقاله در نشریات مختلف و کتاب هایی از جمله «ایاد سلام کرد به گسترده زیستن»، «مبانی عروض فارسی» و «طنز در زبان عرفان» تاکنون منتشر شده و یک مجموعه شعر و سه کتاب پژوهشی دیگر نیز در دست چاپ دارد. دکتر فولادی در کتاب «زبان عرفان» زبانی را که توسط عرفا به کار برده می شود، مورد بررسی قرار داده است.

چطور شد که این مبحث را برای کارتان انتخاب کردید؟

یکی از مسائلی که همواره در زبان فارسی مورد توجه بوده، آثاری است که در عرصه عرفان پدید می آید. زبان عرفانی نیز در بستر این توجه مورد نظر بوده است. من در کتاب «زبان عرفان» کوشیده ام تا از نظر علمی به این مساله نگاه کنم. پژوهش های من نشان داد که نگاهی از این جنس، تقریباً از پنجاه سال پیش مورد توجه محققان قرار گرفته است. این دیدگاه به ویژه از نگاه کلامی مورد توجه بوده. ما در ایران نیز حدود سه دهه کارهای جسته و گریخته ای در این مورد داشته ایم، اما این آثار، کمتر از دیدگاه نظریه پردازی به این مساله توجه داشته اند. از سویی، نگاه ویژه ایرانی به زبان عرفان، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده و آنها این مبحث را به طور عام بررسی کرده اند.

دیدگاه ایرانی یعنی چه؟

یعنی از دیدگاه نظریه پردازی ایرانی. یعنی بر اساس تئوری هایی که در نثر و نظم در ادبیات ما وجود دارد؛ آن که متعلق به ادبیاتی از جنس دیگر باشد.

شما از پژوهش های کمی که در این باره در ایران انجام شده، گفتید. به گمان شما چرا ما در این عرصه کم کار بوده ایم؟ کم توجهی پژوهشگران

یا دشواری مبحث؟

در ایران، با موضوع عرفان به طور احساسی و درونی برخورد می شود. یعنی علاقه ما به این مبحث سبب می شود تا ما کمتر نگاهی علمی به این موضوع داشته باشیم. این علاقه و احساس در من نیز وجود داشته است، اما من سعی کرده ام بر این حس، یک نگاه علمی را نیز اضافه کنم. به همین دلیل است که از دیدگاه نظریه پردازی ایرانی حرف می زنم، چرا که نگاه آکادمیک را در کنار نگاه احساسی قرار داده ام.

مخاطبان کتاب شما چه کسانی اند؟

این کتاب بیشتر از همه برای متخصصان نوشته شده است و متخصصانی که در عرصه های زبان و ادبیات فارسی و رشته هایی که با عرفان مرتبطند، از جمله عرفان ادیان، کلام و حتی فلسفه، فعالیت می کنند، مخاطبان اصلی این کتابند.

و شاید رشته ای چون زبان شناسی؟

من در ابتدا معنای زبان شناسی کلام و آنچه را که ما به آن پرداخته ایم، از هم تفکیک کرده ام. به گمان من، معنایی که مورد نظر ما بوده، بیشتر به روش شناختی مرتبط است. به این معنی که این زبان، چگونه با اندیشه کاربرد ارتباط برقرار می کند.

به گمان شما کتابی از این جنس، تا چه اندازه مورد نیاز جامعه پژوهشی ما بوده است؟

من در این کتاب، به نگاهی علمی به عرفان و نظریه پردازی خاصی که یک ایرانی می تواند به این موضوع داشته باشد، تکیه دارم. متأسفانه این کار در ایران سابقه چندانی ندارد و در این کتاب سعی شده این نقیصه برطرف شود و از آنجایی که این کار نوست، حتما می تواند کتاب های دیگری در این عرصه نوشته شوند تا این مبحث به شکل بهتری مطرح شود. امیدوارم محققان به تکمیل مباحث این کتاب همت بگذارند.

چقدر از منابع نقد و تئوری ادبی بهره گرفته اید و این منابع تا چه اندازه به روز بوده اند؟

تلاش من این بوده که تقریباً از همه منابع موجود فارسی استفاده کنم... هم در زمینه متون عرفانی و هم در زمینه نقد ادبی...

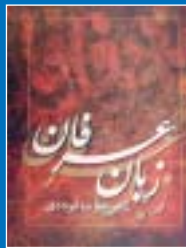
بله. به نظر من ادبیات در میان سایر علوم انسانی جایگاه والایی دارد، همین طور در میان همه علوم؛ چون خوراک دهنده ای فکری است. به همین دلیل است که من از این منابع در متون عرفانی بهره گرفته ام.

جایزه ای چون جلال چه نقشی در معرفی آثاری از این جنس که پژوهشی اند، دارد؟

جایزه هایی از این دست چه در جذب مخاطب و چه در تشویق پژوهشگران، نقشی مهم ایفا می کنند، اما باید در کنار برگزاری این جایزه، با جایزه هایی شبیه این، تبلیغات نیز به همان اندازه صورت گیرد تا مسیر راه کامل شود.

نگاهی به آثار برگزیده دومین دوره جایزه جلال آل احمد

توجه بنیادین به اصل پژوهش



دومین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، چهار برگزیده داشت، که از این میان دو کتاب به طور مشترک در بخش نقد ادبی به عنوان منتخب معرفی شدند و دو کتاب دیگر در دو بخش مستندنگاری و جنبی/تاریخ، موفق به کسب جایزه نخست شدند. در ادامه این مطلب، نگاهی کوتاه به این چهار کتاب خواهیم داشت.

کتاب «دا» که روایت داستانی خاطرات سیده زهرا حسینی است و توسط سیده اعظم حسینی نوشته شده، توانسته در طول کمی بیش از یک سال، ۹۰ بار تجدید چاپ شود. این کتاب را می توان علاوه بر سندی معتبر برای جنگ تحمیلی، برگی از تاریخ معاصر ایران نیز دانست، چرا که مولف و راوی در آن تنها به روایت روزهای جنگ اکتفا نکرده اند و از وقایع اجتماعی پیرامون این قضیه نیز نوشته اند. روایت خاطره از زمانی آغاز می شود که راوی (سیده زهرا حسینی)، همراه خانواده اش در بصره زندگی می کرد، با این توصیف که او جزء ایرانیانی بود که به دلیل اختلاف نظر با حکومت پهلوی، از ایران مهاجرت کرده بودند. کمی بعد، آنها مجبور به بازگشت به ایران می شوند. در ادامه کتاب شرح مبارزات پدر و برادران راوی با حکومت پهلوی، ماجرای غائله خلق عرب، چگونگی شروع تجاوز عراق به ایران و سپس بیان روزهای حماسی جنگ آمده است. آنچه در این سطور بیش از هر چیز جلب نظر می کند، توجه مولف و راوی به جزئیات وقایع است. از سوی دیگر، بیان داستانی ای که برای کتاب انتخاب شده، به جذابیت آن می افزاید. به این موارد باید نگاه تحلیلی و در عین حال بی طرف دو خانم حسینی را نیز افزود. این دو توانسته اند که در یک همکاری طولانی و البته دشوار، برگی زرین به ادبیات پایداری ایران و در تعبیری عام تر به ادبیات فارسی بیفزایند. این کتاب را انتشارات سوره مهر منتشر کرده است.

در زبان پرداخته است. آنچه این فصل را دارای ارزش ویژه می کند، توجه مولف به ابعاد گسترده زبان است. به عنوان نمونه، او در بخش سوم، نخست نگاهی اجمالی به مسائلی همچون زبان عرفا و زبان اجمال، نظریه های تصویری، نظریه های تحقیقی و نظریه های تحلیلی دارد و در ادامه از چند دیدگاه که می توان نگاه هرمنوتیکی، اسطوره ای، روانشناسی و فلسفی را در میان نشان مشخص تر دانست، بهره برده که سبب گسترش مفاهیم و مبانی این پژوهش شده است. کتاب نیمه دومی هم دارد که در آن، دامنه پژوهش بسیار جزئی تر به مساله زبان در عرفان مطرح شده است. توجه به مسایل پارادوکسیکال، حس آمیزی، استعاره، رمز، تشبیهات، تجریدات و تجسم در ساختار زبان عرفانی، بخشی از این مسایل است. کتاب «زبان عرفان» را انتشارات فراگفت منتشر کرده است.

کتاب «تماشاخانه اساطیر» نوشته نغمه ثمنی دیگر کتابی است که در بخش نقد ادبی موفق به دریافت جایزه شد. در این کتاب، پیوند ادبیات نمایشی ایران با اسطوره های کهن فرهنگ ایران بررسی شده است. در حقیقت نویسنده تلاش کرده است تا نظریه های معتبر در حوزه اسطوره و نمونه کهن را به شکلی کاربردی و بومی به کار بندد. او به خوانش کهنه نمونه ای و اسطوره ای ادبیات نمایشی ایران پرداخته و از این راه بخشی از پیوند و ارتباط هویت کنونی ما با پیشینه فرهنگی مان را نشان داده است. عناوین فصول هفتگانه کتاب عبارتند از: «ریخت شناسی روایات اساطیری در ایران»، «نشانه های اسطوره ای در ادبیات نمایشی قبل از اسلام»، «اسطوره و درام عصر مشروطه»، «واقع گرایی و خوانش اسطوره ای»، «درام فراواقع گرا و خوانش کهن نمونه ای»، «نمایشنامه های ملی و ظهور اساطیر» و «انقلاب و دگر دینی الگوها» از جمله های این کتاب به شمار می آیند. «تماشاخانه اساطیر» را نشر قطره منتشر کرده است.

آن برخواست... فصل ششم کتاب به تشیع در عراق اختصاص دارد و مولف در فصل ششم به تشیع در جزیره العرب پرداخته است. در سه فصل بعدی، دایره تحقیق فراتر می رود و مسائلی همچون تشیع در آفریقا، تشیع در اروپا، تشیع در شامات، تشیع در قفقاز و ترکیه و تشیع در قاره آمریکا را در بر می گیرد. انضمام نقشه هایی به صفحات مختلف کتاب، علاوه بر آنکه به جذابیت کار می افزاید، اطلاعاتی دقیق رانیز به مخاطب عرضه می کند. این کتاب را سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح منتشر کرده است.

کتاب «زبان عرفان» یکی از دو برگزیده بخش نقد ادبی دومین جایزه جلال نوشته دکتر علیرضا فولادی است. وی نیز کتابش را از مبانی بنیادین آغاز کرده و سپس با ذکر مصادیق، به تشریح ساختاری زبان عرفان پرداخته است. کتاب دو فصل دارد. فصل نخست آن خود سه بخش دارد. در بخش نخست، عرفان، اندیشه زبان و روش بررسی شده و در بخش دوم عرفان در اندیشه بخش سوم نیز که حجم عمده ای از این فصل را به خود اختصاص داده، به بحث عرفان



نگاهی به دو کتاب کاربردی در حوزه تربیت بدنی و ورزش

یک صبح خوب ورزشی با آقای کالینز



بدن‌ساز هستم، مربی خصوصی و انحصاری شما و اینجا هستم تا شما را جهت افزایش انعطاف پذیری تان راهنمایی و ترغیب کنم.»

کتاب «اصول تمرینات کششی» را می‌توان یک راهنمای مقدماتی در زمینه تمرینات کششی و انعطاف پذیری برای استفاده در ورزش، استفاده در تمرینات و ورزش‌های روزانه و همچنین جلوگیری از آسیب‌ها و جراحات در نظر گرفت.

بدون شک، کاربردی و ساده بودن و بی‌نیازی از هرگونه ابزار و وسیله ورزشی خاص، ویژگی برتر این کتاب به حساب می‌آید. تمریناتی که در این کتاب با تصاویر واضحی از کالینز در حین اجرا همراه است، تمریناتی اند که بعد از گرم کردن بدن می‌توانند به راحتی انجام شوند. فراموش نکنیم که حرکات کششی نقش حیاتی در آماده‌سازی بدن افراد برای فعالیت یا ورزش بازی می‌کنند و همچنین بعد از تمرین نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. کالینز در حالی که از کلماتی ساده برای بیان مقصودش استفاده می‌کند، سعی دارد ضمن برشمردن مزایای کشش به مخاطب برای مطالعه کتاب و انجام تمرینات انگیزه بدهد؛ مزایایی نظیر کاهش درد و انقباض‌های عضلانی، تقویت گردش خون، بهبود آمادگی جسمانی و هماهنگی عضلانی، احساس آرامش و فرح بخشی بدن، دامنه‌ی خوب حرکت و انعطاف پذیری عضلات و مفاصل، کمک به بهبود و ماندگاری انعطاف پذیری و همچنین کاهش ریسک صدمه به مفاصل، عضلات و تاندون‌ها.

آنچه باید درباره این کتاب اشاره شود، روند مناسب طرح مباحث است، به گونه‌ای که کالینز ابتدا مقدمه‌ای بر تمرینات کششی می‌نویسد اما پیش از آن که به بخش عمل برسد، آزمایش‌هایی را درباره انعطاف پذیری و اندازه دامنه حرکتی مفصل بیان می‌کند. ارزیابی عضلات در حالت غیرفعال نیز فصلی دیگر است که خواننده را با وضعیت کنونی عضلات و مفاصلش آشنا می‌کند.

از آنجا که آماده‌سازی بدن برای انجام حرکات کششی، ضرورتی انکارناپذیر است، لذا بخش گرم کردن پویا، بخش کشش در حرکت آغازی بر یادگیری اصول تمرینات کششی است. از فصل پنجم این کتاب، تمرینات شکل تخصصی به خودشان می‌گیرند، در حالی که نگارش کالینز همچنان ساده است. از فصل پنجم تا فصل دوازدهم، تمرینات تخصصی کششی برای عضلات چهار سر ران، عضلات پشت ران پا، عضلات پایین تن، نزدیک کننده‌ها در ران، ران و ناحیه سرینی، لگن خاصره و نواحی کمری، استخوانی ایلیوم و مفصل خاجی - خاصره‌ای و همچنین نواحی بالای بدن، پشت، شانه‌ها، قفسه سینه و بازوها تشریح می‌شود. کالینز در فصل سیزدهم سراغ برنامه‌های کششی عمومی می‌رود. این فصل شامل مجموعه‌ای از حرکات کششی ساده برای استفاده روزانه عمومی طراحی شده است. از جمله بخش‌های قابل تأمل این کتاب بخشی است که کالینز از آن با عنوان سه دقیقه برنامه کششی در محل کار نام می‌برد.

تمامی تصاویر کالینز در کتاب با لباس ورزشی است اما در این یک صفحه، وی با لباس رسمی دیده می‌شود که شش حرکت را روی صندلی و کنار میز اداری انجام می‌دهد. از آنجا که مخاطبان این کتاب را به غیر مخاطبان عادی جامعه، ورزشکاران نیز تشکیل می‌دهند، کالینز در فصل چهاردهم مجموعه‌ای از تمرینات کششی را ارائه می‌کند.

چاپ اول کتاب «اصول تمرینات کششی» در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، ۱۴۴ صفحه و با قیمت ۳۵۰۰۰ ریال منتشر شده است.

خودش را ورزشکاران مبتدی می‌داند و دستورالعمل‌هایی را برای راهنمایی گام به گام مبتدیان ارائه می‌کند. شاید آنچه که کالینز در نظر دارد به مخاطبانش آموزش دهد، پایداری طبیعی است. در حقیقت حفظ تعادل روی یک توپ بزرگ، سبک و پر باد و قابل حمل، نیاز به آموزش دارد. کالینز در این باره می‌گوید: «به علت ناپایداری توپ، شما مجبورید مرتباً درباره موقعیت بدنتان هوشیار باشید. ناپایداری به وجود آمده نیز یک ناپایداری طبیعی است که ورزشکاران آن را حس حرکت می‌نامند.»

معرفی توپ بدنسازی فصل اول این کتاب را تشکیل می‌دهد که شامل بخش‌های تعادل و هماهنگی، ثبات ستون فقرات، کنترل انتخاب تمرینات، پیشگیری‌ها، برگشت به حالت اولیه، انتخاب توپ و شروع کردن می‌شود. نکته قابل تأمل در این بخش ارائه نکات ریز و کاربردی برای مانوس شدن مخاطب با توپ بدنسازی است به نحوی که کالینز حتی جدولی را ارائه می‌دهد که مخاطب بتواند بر اساس قد و ارتفاع بدنش اندازه توپ بدنسازی مناسب خودش را انتخاب کند. فصل دوم با عنوان نشستن روی توپ بیش از هر چیز بر چگونگی حفظ تعادل در حالت‌های مختلف تأکید دارد؛ حالت‌هایی نظیر بالا آوردن یک زانو، بالا آوردن یک زانو همراه با پای باز و بالا آوردن یک زانو با دست و پای باز.

یکی از مهم‌ترین فصل‌های این کتاب، فصل سوم است زیرا در این فصل کالینز سراغ تمرینات عضلات شکم می‌رود. زندگی ماشینی و باطن فقر حرکتی باعث شده است که انسان امروزی برای حفظ جلوگیری از چاقی به روش‌های گوناگونی نظیر درپیش گرفتن رژیم‌های غذایی سفت و سخت روی بیاورد که اغلب نیز خسته‌کننده و ناکارآمد هستند.

کالینز در این فصل بدون این که زبان نصیحت در پیش گیرد یا حتی به بیان ضرورت‌های مختلف درباره حفظ وضعیت مناسب شکم اشاره کند، بسیار ساده و روان، دستورالعمل‌هایی را برای تقویت عضلات شکم به رشته تحریر درمی‌آورد.

او در پایان این فصل نیز مجموعه‌ای از تصاویر به کار رفته در بخش‌های مختلف را در سه صفحه گردآوری کرده است تا مخاطب کتاب بعد از آموزش اولیه، بتواند به سرعت و به طور متوالی این تمرینات را انجام دهد. بخش چهارم مربوط به عضلات کمر، باسن و پامی‌شود. مباحث این تمرینات بر اساس تمرینات ایستا و پویا پایه‌گذاری شده است. فصل پنجم به تمرینات سینه و دست‌ها اختصاص دارد و فصل ششم به مبحث مهم حرکات تعادلی می‌پردازد.

حفظ تعادل روی یک توپ سبک و بزرگ آن هم در حالت‌هایی نظیر نشستن تعادلی، خوابیدن روی شکم، پل زدن، زانو زدن و تعادل با یک پا، از جمله آموزش‌های تعادلی این بخش به شمار می‌آیند. تا اینجا کار کالینز

شاید شما هم از آن دسته افرادی باشید که هنگام عبور از جلو فروشگاه‌های لوازم ورزشی، توپ بزرگی توجه‌تان را به خودش جلب کرده باشد و با خودتان گفته باشید: «دو چرخه ثابت، دستگاه تردمیل و طناب برای ورزش کردن است. اما این توپ بزرگ که تقریباً پنج تا ۱۰ برابر یک توپ فوتبال است، به چه دردی می‌خورد؟» به هر حال بد نیست بدانید که چنین توبی، یک وسیله ساده برای بدنسازی است!

کتاب «تمرینات بدنسازی با توپ» اثر پاول کالینز با ترجمه ماندانا سنگاری (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد چالوس) و فنونش فطروسی (کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی) چگونگی استفاده از همان توپ بزرگ را برای بدنسازی، به ویژه تمرینات ویژه شکم و کمر، بهبود انعطاف پذیری و قدرت تعادل به مخاطبان آموزش می‌دهد.

کالینز در این اثر علاوه بر این که نکاتی را برای ورزشکاران حرفه‌ای بیان می‌کند، اما مخاطب اصلی

فقط به انجام تمرین با توپ بدنسازی اکتفا می‌کند، اما در فصل هفتم اتفاق مهمی روی می‌دهد و کار با دمبل آغاز می‌شود. در این فصل تمرینات قدرتی گنجانده شده است.

به عقیده کالینز، توپ بدنسازی جنبه جدیدی از تمرینات قدرتی را با افزایش مکانیسم‌های پایداری لازم برای اجرای هر تمرین نشان می‌دهد. در این حالت، نه تنها عضلات اصلی تقویت می‌شوند، بلکه عضلات عمقی کمک‌کننده که برای حفظ ثبات بدن هنگام تمرین روی توپ مورد نیازند، تقویت می‌شوند. به همین دلیل انجام تمرینات قدرتی در حد پیشرفته روی توپ تنها به افرادی محدود می‌شود که از قدرت خوبی برخوردارند.

بهره‌گیری این اثر از تصاویر که از ضروریات یک کتاب آموزشی - حرکتی به حساب می‌آید، از نقاط قوت کتاب «تمرینات بدنسازی با توپ» به حساب می‌آید، اما سیاه و سفید بودن تصاویر همراه با استفاده از کادرهای ترام یکنواخت خاکستری رنگ برای متن نوشتاری، قدری باعث خستگی مخاطب می‌شود و از جذابیت کتاب می‌کاهد. البته قابل قبول است که به کار بردن تصاویر رنگی باعث می‌شد قیمت کتاب تا حدی بالا برود و کمتر فردی مایل به خرید آن شود، اما از این نقص نیز به راحتی نمی‌توان گذشت. در مجموع کتاب «تمرینات بدنسازی با توپ» را می‌توان کتابی کاربردی در حوزه کتاب‌های عمومی تربیت بدنی و ورزش به حساب آورد که نشر بامداد کتاب در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه در ۱۴۴ صفحه و با قیمت ۳۵۰۰۰ ریال روانه بازار نشر کرده است.

اصول تمرینات کششی

بسیاری از افراد جامعه از خستگی‌های مفرط در اعضا و جوارح مختلف بدنشان گله‌مند هستند. فرقی هم نمی‌کند که این فرد یک کارمند پشت میز نشین باشد یا یک خانم خانه‌دار، زیرا فقر حرکتی بعد از مدتی باعث خشک شدن مفاصل و همچنین ناکارآمد شدن عضلات تا حد بسیار زیادی می‌شود.

با افزایش سن، این مشکلات شکل جدی‌تری به خود می‌گیرند و انسان به دردسرهای زیادی از نظر جسمی و حتی روحی گرفتار می‌شود.

در چنین وضعیتی، کتاب «اصول تمرینات کششی» را می‌توان اثری قابل‌اعتنا به حساب آورد. این کتاب را نیز پاول کالینز نوشته است و ماندانا سنگاری و فنونش فطروسی به زبان فارسی برگردانده‌اند. مقدمه نیم صفحه‌ای مؤلف، مدخل مناسبی برای ورود به مبحث تمرینات کششی است.

کالینز این گونه شروع می‌کند: «من پاول کالینز مربی



چاپ و انتشار کتاب «تئاتر؛ جزیره کوچک آزادی» یا «یوجینو باربا و تئاتر اودین» با ترجمه و تالیف ناصر حسینی مهر باعث شد تا با او گفت و گویی انجام دهیم. این کتاب توسط انتشارات نگاه منتشر شده است. حسینی مهر تحصیل کرده رشته تئاتر از فرانسه است و تاکنون علاوه بر ارائه چند نمایش در ایران و خارج از کشور، در زمینه تدریس، پژوهش و ترجمه و تالیف مقالات متعدد و نمایشنامه، فعالیت‌هایی داشته است. از دیگر کتاب‌های منتشر شده این نویسنده می‌توان به آثار نمایشی، ترجمه و پژوهشی «رخ در رخ»، «اطلسی»، «در را باز کنید»، «شب کور»، «ستارگان در آسمان بامدادی»، «پیشروان تئاتر اروپا»، «ویتسک»، «دوستی»، «نیایش»، «هراکلس پنج»، «آخرین درس بازیگری»، «درنای شب»، «هملت ماشین» و «تئاتر ایران» اشاره کرد.

«تئاتر؛ جزیره کوچک آزادی» در گفت و گو با ناصر حسینی مهر

در تداوم کلاسیک‌ها



رو کردند، هر بلایی بود بر سر متن و بازیگر و تماشاگر آوردند، تا آنکه همه آنها کهنه و از رده خارج شدند. در نهایت چیزی در تئاتر باقی نماند جز چند عنصر محوری؛ بازیگر، تماشاگر، فضا و احیاناً متن. به عبارت دیگر، طول قرن بیستم فاصله دو نقطه میان آریا و باربا است. نقطه آغاز محدود به چگونگی اجرای آثار کسانی مثل واکتر و استرندبرگ و ایسن در این یا آن گوشه از اروپا بود، و نقطه کنونی به تجربه تاریخی در وسعت همه تکنیک‌ها و فرهنگ‌های تئاتری در هر گوشه‌ای از جهان اتکا دارد. دو نقطه زمانی دور از هم، اما مشترک در یک شالوده؛ تئاتر، هنر بازیگر است و تماشاگر.

اساس انتخاب شما در گزینش مقاله‌های این کتاب چیست؟

ترجمه آثار باربا بدون آشنایی نزدیک با او و نحوه کار صحنه‌ای اش آسان نیست. به ویژه آنکه گوینده‌اش هر مقوله‌ای را با زبانی شاعرانه، فلسفی و کاملاً تخصصی بیان کرده باشد. به همین دلیل در گزینش مطالب این کتاب کمی ترس و وسواس داشتم تا مبدا استاد بر من خرده بگیرد. اما حتی المقدور سعی کردم مجموعه‌ای فراهم شود تا خواننده با طرح و شماتی از تئوری‌ها و نحوه کار باربا آشنا شود. در واقع این کتاب در حکم مدخل یا «مقدمه»‌ای است بر شناخت پیرامنه‌تر «تئاتر اودین» و دکترین یوجینو باربا، همچنین انگیزه‌ای باشد برای ترجمه و مطالعه آثار متعدد او مثل «آنا تومی بازیگر»، «قایق کاغذی»، «تئاتر: تنهایی، کار، طغیان»، «فراسوی جزایر شناور» و «سرزمین الماس‌ها و خاکسترها».

به اعتقاد شما آیا باربا و تئوری‌هایش می‌تواند جایگاهی در تئاتر ایران داشته باشد؟

بدون تردید. اما با دریافت مستقل خودمان و با مجموعه‌ای از پشتوانه تاریخی و فرهنگی. و البته بدون تقلیدهای کورکورانه از این یا آن تئوری.

گویا خود شما هم به طور مستقیم از کلاس‌های باربا بهره برده‌اید. آیا گفت و گوی شما در پایان کتاب با یوجینو باربا در همان ایام صورت گرفت؟

بله، سال ۱۹۹۸ یوجینو باربا با گروهش به آلمان آمد تا در دانشگاه شهر کلن چند کارگاه پژوهشی و بازیگری برگزار کند که بخت بهره‌گیری از ظرفیت‌های استاد فراهم شد، هر چند مدتی بسیار کوتاه، اما هیچگاه رابطه‌ام را با او و پژوهش‌هایش قطع نکرده‌ام. این گفت و گو را هم در همان ایام با ایشان انجام دادم.

این کتاب بیشتر برای چه کسانی می‌تواند مفید واقع شود و چه پیشنهادی در نحوه مطالعه آن دارید؟

پیش از هر چیزی می‌تواند از قلمرو نوشته بیرون آید و در مراکز و دانشکده‌های تئاتری مورد تشریح و آزمایش عملی قرار گیرد.

انسان از مشکلات طاقت فرسا و بندها و تابوها را از یاد نبرد؛ بندها و تابوهایی که زندگی روزمره مان را محصور کرده است. او می‌گوید: از تئاتری می‌گویم که همچون پناهگاه آزادی است، جزیره‌ای است شناور، دژی تابناک از هوا، یا قایقی که بر خلاف جریان باد پارو می‌زند، همه اینها استعاره‌هایی هستند برای تبادر این نکته بر ذهن که تئاتر ارزش‌های خود را در تلاش و پی جویی آزادی به دست می‌آورد.

آیا روش یوجینو باربا در این کتاب در پرورش بازیگر، پیش بردن همان توصیه‌های استادش گروتوفسکی، یعنی آزاد گذاشتن بازیگر در فعالیت‌های درونی و بیرونی است؟

باربا در کارگاه‌های بازیگری خود بر فون روان - جسمانی متمرکز است، آنگاه بعد از مدتی تمرینات را به خود بازیگران واگذار می‌کند تا خودشان بدون هیچ تحمیلی از بیرون، همه توانایی‌های منحصر به فرد خود را پرورش دهند. در واقع همان ایجاد شرایط امنی که گروتوفسکی در نظر داشت. جالب است بدانید که اصولاً «اودین» یک مدرسه تئاتری به معنای رایجش نیست، در آنجا کسی تعلیم نمی‌گیرد که چطور باید بازیگر شد و نقش‌های گوناگون را ایفا کرد. آنجا فقط با تمرین‌هایی منظم و مداوم به کشف توانایی‌های پنهان در روان و جسم هر بازیگر می‌پردازند. مرحله بعدی، روی آوردن به سرچشمه‌هاست و تا آخر عمر هم ادامه دارد، آن پژوهش و رویکرد به اصولی است که بازیگر در شرق و غرب در طول تاریخ از آن پیروی کرده و امروزه تبدیل شده به الفبای فرهنگ تئاتری، مثل نحوه به کارگیری انرژی، تعادل، ریتم یا نقاط مختلف تمرکز در بدن بازیگران سنتی ژاپن یا رقصندگان هندی یا برزیلی و آفریقایی.

چرا پیشگفتار «تئاتر، جزیره کوچک آزادی» را از نظرات آدولف آریا انتخاب کردید؟

همانطور که پیش از این هم اشاره کردم تئاتر مدرن امروز در جهان از بستر جنبش‌های هنری در سال‌های آغازین قرن بیستم برخاسته است. یکی از این نوگرایان در تئاتر بی تردید آدولف آریا است که دگرگونی‌های بنیادینی در صحنه به وجود آورد و تئوری‌های زیباشناختی او در تئاتر اساس و الگوی بسیاری از رفرمیست‌های پس از او قرار گرفت. از جمله یوجینو باربا که نظریه‌هایش ریشه در باورهای آریا دارد، به طور مثال هر دوی آنها بازیگر را عنصر اصلی تئاتر می‌دانند، یا باور مشترکشان در نقش محوری «فضا» و رابطه تنگاتنگ آن با جسم بازیگر، یا از میان برداشتن دیوار جداکننده میان بازیگر و تماشاگر است. زبان ساده و روشن آریا در این پیشگفتار ذهن خواننده را آماده دریافت نظرات تا حدی پیچیده باربا می‌کند.

یعنی تئوری‌های یوجینو باربا مبتنی است بر خاستگاه تئاتر مدرن، منهای همه تحولات بنیادین در این رشته؟

در فاصله بین آریا و باربا، «صحنه» تئاتر عرصه آزمایش‌ها و تجربه‌های گوناگون بود، از ناتورالیست‌ها و سمبولیست‌ها گرفته تا دادانیست‌ها و فوتوریست‌ها و اکسپرسیونیست‌ها و سوپریست مدرن‌های امروزی که صحنه را با رنگ و ابعاد و ترکیب‌بندی‌های جدید و هزاران ترفندهای شگفت‌انگیز آراستند یا با استفاده از مجسمه‌های غول آسا و ماشین‌آلات و تانک و منجنیق و غیره لرزه بر دل‌ها انداختند، صحنه را زیر و

جهان و همچنین تأثیرات متقابل فرهنگ تئاتری در یکدیگر، به خصوص فرهنگ نمایشی شرق و غرب، که آن را هم «تئاتر اروپا-آسیایی» می‌نامد. فقدان چنین روش و پژوهشی سال‌هاست که در کشور ما برای شناخت تئاتر ملی خودمان احساس می‌شود.

باربا تا چه میزان به داشته‌ها و آموزه‌های استانیسلاوسکی و گروتوفسکی وفادار است؟

یوجینو باربا شاگرد و دوست صمیمی گروتوفسکی بود و در واقع او بود که استادش را نخستین بار با انتشار کتاب «تئاتر بی چیز» و تشریح اجراها و نظریه‌هایش به جهان‌شناسان باربا را از طریق گروتوفسکی به شناخت بیشتر استانیسلاوسکی و درک عمیق‌تر «سیستم» او رسانید. استانیسلاوسکی در نوشته‌های تئاتری خود صدها پرسش تکنیکی مطرح کرد و خودش هم بر اساس تجربه‌های فراوان صحنه‌ای خود به آنها پاسخ داد و برای نخستین بار قوانین هنر صحنه‌ای را با انبوهی از تمرینات، مدون و نظام‌مند کرد که به «سیستم» پرورش بازیگر موسوم شد و در واقع نقطه آغازی بود برای کار صحنه‌ای نسل‌های آینده تئاتری مثل مایر هولد، میخائیل چخوف، و اخیانگف، پیسکاتور و حتی برشت. در پی آنها کسانی نظیر گروتوفسکی، باربا، منوشکین و مک بورنی به این قافله پیوستند و هر یک از همان

نقطه یا سکو به دور نمای تئاتر چشم دوختند؛ سکویی که جسم بازیگر بر آن ایستاده و محور هنر نمایش است، جسمی که در نزد هر متفکر تئاتری ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد و در عین حال به هم مربوط، به طور مثال استانیسلاوسکی برای آفرینش هر نقشی از درون به بیرون می‌رسد، اما شاگرد او مایر هولد اعتقاد دارد باید با انگیزه‌های پررنگ بیرونی، درون بازیگر را برانگیخت و به حرکت درآورد تا احساس، هیجان، رفتار، کلام و حتی ناخودآگاه او به طور طبیعی امکان بروز یابد. مدتی بعد کسی از راه می‌رسد و می‌گوید بازیگر را رها کنید، بگذارید او روند طبیعی اعمال خود را طی کند، چه درونی و چه بیرونی، چه خودآگاه و چه ناخودآگاه. این شخص کسی نبود جز گروتوفسکی که می‌گفت شما شرایط امنی برای بازیگران فراهم کنید تا او به رهایی برسد. و باربا هم به تأسی از استادش می‌گوید همه این تکنیک‌ها و تئوری‌های متضاد و متنوع بر تجربیات تئاتری و کاربردهای صحنه‌ای ما می‌افزاید و قواعد جدیدی را به ارمغان می‌آورد. چنین نگاهی از جانب باربا به راستی شوق‌آور است و امیدهای روشنی از یک هنرمند معاصر در دل‌ها بوجود می‌آورد، و سبب تعامل و همگرایی در تئاتر می‌شود تا به قول خود او، هنر به ویژه تئاتر باید در کنار کشمکش‌های تکنیکی، رهانیدن

تئاتر اودین نمونه چه نوع تئاتری در جهان محسوب می‌شود؟ و یوجینو باربا چه اعتبار و جایگاهی در هنر تئاتر دارد؟

در تاریخ تئاتر جهان کم بوده‌اند گروه‌های آزاد و مستقلی که از انسجام، سطح بالای هنری و تداوم ده‌ها ساله گروهی برخوردار باشند. چنان که در تئاتر معاصر تنها می‌توان از گروه‌هایی نظیر «تئاتر هنر مسکو»، «پیکولو تئاترو»، «تئاتر خورشید»، «تئاتر کانتور» و سرانجام «تئاتر اودین» نام برد که نمونه‌هایی از تئاتر اندیشمند، خلاق و صاحب سبک هستند. آنچه در این گروه‌ها اهمیت دارد، ادامه راه و تجربیات گذشته و تحول بخشیدن آنهاست، چنان که یوجینو باربا نه تنها از میراث نیاکان تئاتری خود مثل استانیسلاوسکی، مایر هولد، چخوف و گروتوفسکی نهایت بهره را می‌برد، بلکه از دستاوردهای تئاتر شرق و آفریقا و آمریکای لاتین هم غافل نمی‌ماند، او صحنه را به آئین‌ها و فرهنگ‌های کهن، پیوند می‌زند و از علومی چون جامعه‌شناسی و روانشناسی استفاده‌ای سرشار می‌برد. باربا در تئاتر معاصر پدیده‌ای است استثنایی و نمی‌توان او را در جمع کارگردانان سنتی قرار داد.

بارزترین مشخصه‌های تئوریک باربا در این کتاب چیست؟

پیش از هر چیز پژوهش‌های ناب آزمایشگاهی. او نمی‌خواهد تماشاگرش به عنصری کلیشه‌ای تبدیل شود و خشی و غیرفعال شود که هر شب نقش تکراری خود را با نام «تماشاگر» بازی کند. باربا می‌خواهد تماشاگران تبادل حسی - عقلایی خود را همواره با فضای تئاتر، اجرا و بازیگران برقرار کنند. به عبارت دیگر او گروهش اصرار دارند تا با «روح» مخاطب همبازی شوند، با شور و شعور او. اما چگونه؟ جواب آن در اصول تئاتری او و گروهش خلاصه می‌شود، یعنی در بخش اعمال جسمانی، نقش انرژی در زمان و انرژی در مکان و همچنین تعادل و توازن بدن بازیگر، تضاد در حرکت و ضد حرکت، تجسم فکر در حرکات که نمودش به شکل پرتوافکنی است و دهها مبانی دیگر بازیگری، و از همه مهمتر در حساسیت‌ها و نوع بینش بازیگران به جهان، به هستی و انسان. او هم مثل استادش گروتوفسکی از صحنه‌های پوچ و هیاهوگر با عنوان بر طمطراق پرهیز می‌کند...

منظورتان کدام صحنه‌هاست؟

صحنه‌ها یا اجراهایی که همه چیز آن را به راحتی می‌فهمیم و اجراهایی که هیچ چیز آن را نمی‌فهمیم. باربا می‌گوید هر دوی آنها بی‌خاصیتند و درهای هر نوع ارتباط و تجربه‌های رازگونه را به روی تماشاگر می‌بندند. باربا در پی اجراهایی است که همچون ریشه‌هایی در عمق با نیازهای اجتماعی ما گره خورده است و ما با آنها احساس نزدیکی و همانندی می‌کنیم. او می‌گوید: این جهان دیکتاتورزده که همه چیز را آن گونه می‌نماید که خودش می‌پندارد و گرایش دارد تا تئاتر را هم زیر سلطه خود کشد... و اما شاخص‌ترین کاوش یوجینو باربا، نشانه‌یابی در اصول موجود یا الگوهای فراموش شده نمایشی و پژوهش در روش‌های اجرایی در آئین‌ها و فرهنگ‌های گوناگون دنیاست که آن را «آنتروپولوژی تئاتر» یا مردم‌شناسی این رشته می‌نامد و تأکید عمده او بر بخش فیزولوژی هنر تئاتر است، به طور مثال بررسی و آناتومی مثلاً صدها حرکت بدن بازیگر در گمنام‌ترین گوشه‌های



یگانه وصالی

عاقبت بعد از مدت ها خاموشی، استفان کینگ، داستان جدیدش را روانه بازار کرد تا جذابیت داستان های او، بار دیگر ما را با کتاب هایش همراه کند. کتاب تازه استفان کینگ «زیر گنبد» نام دارد. این داستان درباره جامعه، انسانیت و همین طور مشکلات زیست محیطی است که مردم با آن دست و پنجه نرم می کنند؛ موضوعاتی که ما در طول روز زیاد درباره آنها می شنویم، اما این بار با سبک داستانی کینگ نوشته شده اند. در یک بعد از ظهر بسیار سرد در «بانگور»، گرم ترین چیزی که پذیرای ما بود، لبخند کینگ و دست گرمش بود که دوستانه فشردیم و در دفتر کار بزرگ و مجللش به گفت و گو نشستیم. خیال پردازی های او و حوادثی که ناغافل نیمه های شب با آن وحشتی که در داستان هایش موج می زند، رخ می دهد. روایتی است که در ۳۵ سال اخیر جهان را معجزوب خود کرده است. او یکی از پر خواننده ترین نویسندگان جهان است که بیش از ۶۰ رمان، داستان کوتاه و مجموعه آثارش را به چاپ رسانده و کتاب هایش بیش از ۳۵۰ میلیون نسخه در جهان فروش داشته است. البته فیلم های بسیاری هم از روی آثار او ساخته شده است که «درخشش» و «کری» از بنام ترین شان هستند. این گفت و گو توسط «برایان ترویت» با کینگ انجام شده است.

با استفان کینگ به بهانه انتشار آخرین کتابش

من نویسنده ای احساساتی ام

سه سال پیش هم باز احساس می کردم که هنوز برای نوشتن و کامل کردن آن آماده نیستم. تقریباً مثل یک بازیکن بیسبال که بگوید یک پرتاب را از دست داده ام، اما باز هم شانس دارم. و بالاخره همان سه سال پیش در طول سفری که به استرالیا داشتم، این پرتاب عالی ناگهان دوباره به دست آمد و یک داستان بسیار عالی برای باز نویسی و تکمیل «زیر گنبد» به ذهنم رسید.

ایده اولیه داستان چه بود و چطور به ذهنتان رسید؟
تصویری که به ذهنم رسید، بعد از دیدن کسانی بود که کنفرانس های خبری برای جهان می گذاشتند و از چیزی صحبت می کردند که بین آنها و دوربین بود اما هیچ وقت به چشم نمی آمد، مگر اینکه کسی بلند می شد و تقه ای به هوای اطراف می زد و می گفت این هواست. خیلی عالی است که روی یک بوم بسیار بزرگ کار کنید. ببینید، در واقع من بیشتر روی دو نوع داستان کار می کنم. یکسری از کتاب هایم مثل نقاشی های دیواری هستند، بزرگ و محبوب و عامه پسند، با حضور انواع شخصیت ها در آنها و یکسری هم کتاب هایی از نمای نزدیک، مثل «میزی... (Misery)» اگر قرار است کتابی بنویسید که مردم دوستش داشته باشند، نمی توانید نباید آن را خیلی سر زبان ها بیندازید، فقط کافی است از زندگی بگویید.

به نظر می رسد این کتاب بیشتر در مورد جهان و مشکلات زیست محیطی و موضوع افزایش دمای زمین است. چه شد که این موضوع دستمایه کار جدید شما شد؟

من این را فرصت خوبی دیدم که در مورد مشکلات بسیار جدی زیست محیطی که این روزها در جهان با آن دست به گریبانیم، کتابی بنویسم. البته قصد ندارم خیلی هم به آن پردازم... اما موضوع این است که همه ما زیر همین «گنبد» زندگی می کنیم. ما همین جهان کوچک آبی را داریم که بارها آن را در میان کرات دیگر در فضا تجسم کرده ایم. من واقعا دوست داشتم که چیزی هم درباره این مشکلات بنویسم.

داستان این کتاب درباره چیست؟
این داستان درباره شهر کوچکی است در «چستر زمیل» در «ماین»، که میدان نیروی خطرناکی احاطه اش کرده است. اهالی این شهر با بحران های اکولوژیکی در حال دست و پنجه نرم کردن هستند. از طرفی هم سیاستمدار محلی آنجا فقط به این فکر است که بر سر مردم در آن نقطه دور افتاده، که مردمی ضعیف می دانندشان، حکمرانی کند. در مقابل او هم گروهی شامل یک سرباز کارآزموده جنگ عراق، یک ویراستار روزنامه و تعدادی نوجوان اسکیت باز است، که قصد دارند از این «گنبد» را کشف کنند. فاجعه در یک بعد از ظهر پاییزی رخ می دهد. هوا پیمایی به سمت گنبد سقوط می کند، چند ماشین و کامیون با آن برخورد می کنند، پرندگان دسته دسته با آن برخورد می کنند و می میرند. مردم می میرند. مهمترین موضوع قابل توجه در مورد گنبد این است که اجازه نمی دهد کسی به آن شهر که ناگهان در حال کوچک تر شدن است وارد یا حتی از آن خارج شود.

آیا این کتاب نسخه اینترنتی هم دارد؟
بله. البته نسخه اینترنتی آن، قبل از کریسمس منتشر خواهد شد.



حرف های او توجه می کنم. هیچ وقت احساس کرده اید که کسانی نگران باز نشستی استفان کینگ باشند؟

فکر می کنم گاهی شده که این احساس را داشته باشم و یک جورهایی این موضوع خیلی هم بد نیست. مردم دنبال نویسندگانی هستند که دوست دارند به عنوان منابع غیر قابل تعویض به آنها بنگرند. خود من هم همین طور هستم. المور لئونارد، یکی از کسانی است که هر روز صبح که از خواب بیدار می شوم، صفحه آگهی های درگذشت روزنامه را چک می کنم تا از زنده بودنش مطمئن شوم، وقتی مطمئن می شوم که آگهی درگذشت او در روزنامه نیست، خیالم راحت می شود و با خودم می گویم «عالی است، حتما الان جایی نشسته و در حال کار روی موضوع جدیدی است. حتما تا چند وقت دیگر کتاب جدیدی از او بیرون می آید و من کتاب جدیدی برای خواندن پیدا می کنم.» چون تصور می کنم اگر او برود، دیگر کسی نیست که شبیه او باشد. به گمانم این قضیه یک جنبه مثبت هم دارد. من را مجبور می کند که بنویسم. اما فکر نمی کنم که مردم آن بیرون نشسته باشند تا بگویند بالاخره او باز نشسته می شود و ما هم از شرش خلاص می شویم و لازم نیست دیگر این قدر نگران باشیم.»

درباره کتاب جدید شما «زیر گنبد» تفاوت این کتاب با دیگر آثار شما چیست؟ آیا ویژگی خاصی دارد؟

یک جمله است که بین مردم عادی بسیار متداول شده، با این مضمون که «تو به اندازه رازهایی که داری، بیمار هستی». بعضی افراد داستان من هم به راستی بیمار هستند. بگذارید این طور برایتان شرح دهم. تصور من همیشه این بوده که خوانندگان کتاب قرار است با آن درگیر شوند، اما قرار نیست با بعضی از رازهای بیان نشده هم شگفت زده شوند، چرا که ما تمام آنها را در زندگی روزمره خودمان داشته ایم. گویا نوشتن این کتاب هم ماجرای جالبی داشته است. چه شد که بالاخره این کتاب را نوشتید؟
بله، سال ۱۹۷۶ این داستان را شروع کردم، اما به دلایلی آن را کنار گذاشتم تا سه سال پیش. اما همان

نوشته هایتان بگوییید؟
بله. ولی آنها فقط چهار صفحه اش بودند، اما خوب، چهار صفحه بسیار مهم. ما آن روزها زیاد کاغذ حرام نمی کردیم و همسرم همیشه مراقب همه چیز بود. الان البته آخر هر هفته با تعداد زیادی کاغذ مچاله شده رو به روی شوم که دور انداخته بودمشان و گاهی بد نیست کسی جست و جویی در آنها بکند. البته گاهی اوقات هم کاغذ کم می آورم و مجبور می شوم روی پاکت شیر یا هر چیز دیگری که دم دستم باشد بنویسم. اما بله، همسرم آن یادداشت ها را از سطل زباله پیدا کرد.

همسران در مورد آن چهار صفحه چه گفت که باعث شد در نوشتن آن تجدید نظر کنید؟

قطعا یکی از دلایلی که باعث موفقیت من بوده، این است که همیشه می خواسته ام مردم را خوشحال و راضی کنم. دوست داشتم که مردم از کاری که انجام می دهم و اثری که می نویسم، راضی باشند. همسرم، وقتی یادداشت های اولیه آن کتاب را از سطل درآورد و خواند گفت: «موضوع خیلی خوبی است، چرا ادامه اش نمی دهی؟» و همین مرا تشویق کرد. وقتی کسی به من می گوید که «مرا سرگرم می کنی و دلم می خواهد بیشتر و بیشتر بخوانم» من از کاری که انجام داده ام و داستانی که نوشته ام بسیار خوشحال می شوم.

در طول این سی و پنج سالی که می نوشتید، چند بار اتفاق افتاده که با چنین کسانی برخورد کنید و چنین جملاتی بشنوید، بیشتر در مورد کدام کتاب تان این موضوع رخ داده؟

همه کتاب هایم. همسرم من همه چیز را می خواند. وقتی کسی نامه ای برایم می نویسد و در آن اظهار می کند که «من طرفدار درجه یک شما هستم و تمام چیزهایی که نوشته اید را خوانده ام» خنده ام می گیرد، چون تنها کسانی که تا به حال هر چه من نوشته ام را خوانده اند، خودم و همسرم هستیم. همسرم من زن بسیار هوشیار، دقیق و کمی هم خودرایی است. هیچ وقت هم از من ناامید نمی شود. البته من به همه نصیحت ها و نظراتش گوش نمی دهم و وقتی هم که گوش می دهم بیشتر به جنبه های هوشیارانه و دقیق

شما زیاد درباره زندگی خصوصی و گذشته خودتان صحبت نمی کنید. چرا؟ آیا دلیل خاصی دارد؟
دوست داشتیم در ابتدا شما کمی از خودتان بگویید. قبلا هم گفته بودم، من ترجیح می دهم زیاد در مورد زندگی خصوصی و گذشته ام صحبت نکنم، چون من ساده ترین و معمولی ترین زندگی قابل تصور را داشته ام. درست مثل بقیه آدم ها.
می دانید که به شما لقب «مرد وحشت» آمریکا را داده اند. نظرتان در مورد این لقب چیست که به مردی اعطا شده که حدود چهار دهه است تخیلات مردم را به دام وحشت انداخته؟

من هیچ وقت این برچسب «نویسنده ژانر وحشت» را دوست نداشته ام، اما از آن متنفر هم نیستم. به هر حال، بعد از مرگ «بوریس کارلوف» و «رادسرلینگ»، در حال حاضر من تنها نویسنده این ژانر در آمریکا هستم.

هیچ وقت دوست داشته اید مثل «کوردون بلو» باشید؟

البته، همیشه دوست داشتم. در آغاز هر کتاب جدید به آن فکر می کنم، اینکه کتاب بزرگ بنویسی. نه اینکه فقط مدام در مورد کتابت سر و صدا راه بیندازی، بلکه کتابی بنویسی که حتی لازم نباشد برای جایزه کتاب ملی کاندیدا شود، اما برنده آن باشد.

شما هم داستان کوتاه نوشته اید و هم رمان هایی که از روی آنها فیلم های ساخته شده است، اما آیا هالیوود در حیطه داستان کوتاه بهتر کار نمی کند تا رمان؟

بیشتر اوقات چرا. موضوع این است که وقتی نوبت به ساختن فیلم از روی کتاب می شود، برای هالیوودی ها بسیار دشوار است که روی رمان بلندی کار کنند و از آن فیلمی دو ساعته در بیاورند. آنها همیشه با جزئیات کتاب های من مشکل داشته اند. چون همیشه با نخستین ایده ای که به ذهنتان می آید، هیجان زده می شوند و جزئیات داستان را رها می کنند. اما داستان های کوتاه، به فیلمسازان جزئیات کمتری ارائه می دهد و گاهی وقت ها بهتر است آنها چیزهایی را خودشان به داستان اضافه کنند.

شنیده ام که شما فیلمی را که استنلی کوبریک از روی کتاب «درخشش (shining)» ساخته، دوست نداشته اید.

مشکل من با «درخشش»، هرگز تطابق آن با اثر اصلی نبوده است. اصلا برایم مهم نیست که داستان بیشتر روانشناختی شده تا فراطبیعی. چیزی که من دوست نداشتم این بود که من فکر می کنم این فیلم بسیار سرد است و من همیشه از این سردی بیزار بوده ام. من نویسنده ای احساساتی هستم. شاید به همین دلیل باشد که در مورد موضوعاتی نوشته ام که مردم آنها را «ترسناک» یا «وحشتناک» می نامند. من هیچ علاقه ای به اینکه شما تمام مدت به چه فکر می کنید ندارم، اما همیشه دوست داشتم بدانم چه چیزی را احساس می کنید.

اوریل اسمال سی و پنجمین سالگرد انتشار اولین کتاب شما، «کری (Carrie)» بود، داستانی که همسران یادداشت های اولیه اش را از سطل زباله نجات داد. در مورد ماجرای دور ریختن دست

بازگویی کابوس های ناتمام سلطان وحشت

قالب داستانی دیگر بازگو می کند که کشش داستانش را چند برابر می سازد.

«گرچه ای از جهنم» قصه ای کوتاه، ترسناک و عجیب است. آدم کشی حرفه ای در برابر ۱۲ هزار دلار وظیفه دارد گرچه ای را بکشد که تاکنون در سه جنایت وحشتناک دست داشته. آیا این بار هم باز گرچه جهنمی موفق است یا آدم کشی حرفه ای؟

دهمین داستان این مجموعه «نرخ مخصوص در نیویورک تایمز» از تماس های مبهم همسری صحبت می کند که دو سال پیش در حادثه هواپیمایی کشته شده و این گونه که می گوید در آینده زندگی می کند. وی با پیش بینی حوادث سعی در جلب توجه همسرش دارد. کینگ در قصه کوتاه دیگرش با عنوان «صامت» از مردی می نویسد که همسرش به او خیانت کرده و اکنون در راه کلیسا است که به پدر روحانی اعتراف کند. در راه سوار ماشینی می شود که نوشته ای بر آن دارد مبنی بر کر و لال بودن راننده. شخصیت اصلی داستان که پر از غم و درد است با فرض کر و لال بودن راننده با وی درد دل می کند و تمام داستان زندگی اش را می گوید. چند روز بعد خبر کشته شدن همسرش همراه معشوقه اش در اتاق هتل را می شنود. آیا کشیش می تواند قاتل همسرش باشد یا راننده کر و لال تمام حرف های او را شنیده؟ آیا او واقعا مرگ همسرش را می خواسته؟

دو داستان انتهایی مجموعه «تنها بعد از غروب خورشید» با عنوان های «ایانا» و «جای بسیار تنگ» نیز درونمایه مشابهی با دیگر داستان های مجموعه دارند. معجزه، مرگ، اشباح، قدرت های غیرطبیعی و ترس و وحشت لحظه ای خوانندگان این اثر انتهایی کناردار. دنیای استفان کینگ، دنیای مرگ و وسوسه های جنایی و تنیده از تار و پودرمز و راز است. این دنیا، دنیای خیال و دل مشغولی های نوشتاری اوست که به داستان هایش رنگ و بویی از واقعیت می بخشد. از این رو جای شگفتی نخواهد بود که بگوییم استفان کینگ نویسنده گان و فیلمسازان بی شماری را از دهه ۷۰ تحت تاثیر آثار خویش قرار داده است به ویژه که هیچ کس تاکنون مانند او نتوانسته رمان ژانر وحشت را که شکل گیری آن به پایان سال های ۶۰ بازمی گردد به چنین محبوبیتی برساند. می توان ادعا کرد که رمان وحشت از سوی خود استفان کینگ تثبیت و پایه گذاری شده و به نقطه عطف تاریخی رسیده است. وی در کتابی که درباره ادبیات وحشت نوشته است، به طور مفصل تکنیک های ادبی و روان شناسانه به کار رفته در آثارش را توصیف می کند و به تفصیل به بیان تفاوت های میان رمان وحشت مدرن که در اواخر سال های ۶۰ پدید آمده با نوع کلاسیک آن نول گوتیک انگلیسی (مربوط به آغاز قرن نوزدهم) می پردازد. وی خود درباره وجود ترس در داستان هایش این گونه می گوید: «شیفته این هستم که خود را تا سرحد مرگ بترسانم».



می داده، نه تنها سعی می کند عذاب وجدانش را نادیده بگیرد، بلکه از طرفی وسایل مربوط به همکاران و کارمندان را در آپارتمان خود پیدا می کند. عینک، وسایل بیس بال که مطمئن است متعلق به قربانیان آن حادثه است. وی پس از مدتی تصمیم می گیرد وسایلی که در گوشه و کنار خانه اش پیدا می کند را به نزدیکان آنها برساند. وقتی هر بار زنگ خانه ای را می زند و با لبخند خانواده قربانیان مواجه می شود به تدریج از عذاب وجدانش نیز کاسته شده تا این که به کل خود را می بخشد.

«عصر روز فارغ التحصیلی» داستان بسیار کوتاهی از شاهان عینی یک بمب گذاری در یکی از ایالات های آمریکاست که باعث تخریب تمام اطراف شهر نیز شده. «نون» دیگر داستان این کتاب، داستانی مبهم و سراسر توهم است. استفان کینگ در «نون» از نوع خاصی از نوشتار استفاده می کند. وی داستان را در

سال ۲۰۰۳ به چاپ رسید و کمتر از ۱۰ صفحه است می گوید: «کینگ احتیاجی به صفحات بیشتر ندارد. او در چند پاراگراف آنچنان می تواند کابوس هاروی را توصیف کند که خواننده حس کند کتاب قطوری را در دست دارد، همراه تمام توصیفات حاشیه ای.» «کان استراحت» داستان دیگر این مجموعه است. جان دیکسترا نویسنده ای است که در راه بازگشت به خانه اش آنقدر احساس خواب آلودگی می کند که تصمیم می گیرد در مکان استراحت کنار بزرگراه چند ساعتی در ماشینش چرت بزند. اما با صدای جیغ بلندی از خواب می پرد و به دنبال منبع صداه دستشویی کنار بزرگراه می رود.

«دو چرخه ثابت» یکی از جذاب ترین داستان های این مجموعه است. ریچارد سیفکیتز شخصیت اصلی داستان در تجارت فرد با اعتباری است. همسرش را از دست داده. همیشه غذاهای حاضری می خورد و به سلامتی اش بی اعتناست. حالا که چربی خونش بالا رفته تصمیم می گیرد دو چرخه ثابتی بخرد و با آن مقداری وزن کم کند. ریچارد دو چرخه را در زیرزمین خانه اش می گذارد. نقشه آمریکا را جلوی دو چرخه روی دیوار می چسباند و هر بار که رکاب می زند خود را در راه ها و جاده ها تصور می کند. بعد از مدتی آنقدر این توهم واقعی به نظر می رسد که نقشه را از دیوار برمی دارد و نقشه ای متفاوت از سرزمین خیالی اش بر دیوار می کشد. با این که وزن کم کرده و چربی اش هم پایین آمده، اما آیا می تواند از خلسه ای که برای خود ساخته بیرون بیاید؟

استفان کینگ در داستان دیگرش با عنوان «چیزهایی که آنها از خود باقی گذاشتند» از وقعه ۱۱ سپتامبر می گوید. یک سال بعد از آن وقعه، اسکات استیلی که در روز حادثه در طبقه ۱۱۰ برج های تجارت جهانی بوده، لحظه ای نمی تواند از عذاب وجدان خود را رها کند. احساس می کند باید به درخواست کارمندانش که از او در آن روز تقاضای مرخصی کرده بودند گوش

«تنها بعد از غروب خورشید» پنجمین کتاب از مجموعه داستان های کوتاه استفان کینگ به حساب می آید که ۱۱ نوامبر ۲۰۰۸ منتشر شد. استفان کینگ ۶۲ سال دارد و تمام عمرش با مداد و کاغذ سروکار داشته است. وی که از او با لقب «سلطان وحشت» یاد می کنند در ایالت پورتلند آمریکا متولد شده و از موفق ترین نویسندگان سبک وحشت در آمریکای امروز است. کینگ از دوره دانشجویی داستان های کوتاهش را منتشر کرد. نخستین موفقیت وی در عرصه رمان نویسی در سال ۱۹۷۴ با رمان «کری» رقم خورد و سبب شد خود را وقف نوشتن کند. تاکنون حدود میلیون ها جلد از کتاب های این نویسنده در سراسر جهان به فروش رسیده و این آثار به بسیاری از زبان های زنده دنیا ترجمه شده است. این نویسنده در سال ۲۰۰۳ به خاطر یک عمر دستاورد ادبی جایزه ویژه بنیاد ملی کتاب آمریکا را دریافت کرد. وی خود درباره «تنها بعد از غروب خورشید» می گوید: «ابتدا از من خواسته شد که کتاب «بهترین داستان های آمریکایی سال ۲۰۰۷» که مجموعه ای از بهترین داستان های کوتاه است و توسط نویسندگان مختلف نوشته شده را بازبینی کنم، شاید همین امر سبب شد که خود به فکر نوشتن مجموعه داستان کوتاه بيفتم.»

استفان کینگ در اولین داستان مجموعه ۱۳ قسمتی خود قصه مردی را بازگو می کند که در ایستگاه قطار به دنبال نامزدش (ویلا) می گردد. همان گونه که در ایستگاه انتظار بازگشت نامزدش را می کشد، متوجه می شود که او و تمام مسافران بیست سال پیش در حادثه ای در قطار جان باخته اند! روزنامه واشنگتن پست این داستان را که «ویلا» نام دارد، علاوه بر یک ماجرای عاطفی، داستانی ترسناک و پرهیجان می داند. «دخترک زنجبیلی» داستان دیگر این مجموعه است. امیلی زن جوانی که نوزادش را به تازگی از دست داده و برای غلبه بر غمش نه سراغ دارو می رود و نه روانپزشک را انتخاب می کند. او متوجه می شود که تنها «دویدن» است که به او کمک می کند. هر روز مایل ها می دود. طی یک حادثه یک قاتل امیلی را گروگان می گیرد. وی که این مدت با دویدن بدنش کاملا ورزیده شده، بعد از آن که با قاتل درگیر می شود و از خانه می گریزد، مایل ها بدون خستگی می دود. اما آیا دوباره به دام گروگان خواهد افتاد؟

سومین داستان «تنها بعد از غروب خورشید» که «رویای هاروی» نام دارد، کشمکش میان واقعیت و رویاست. روایت کننده داستان که زنی مسن است متوجه می شود که تک اتفاقات آن روز را همسرش شب قبل در خواب دیده و داستان در ابهام واقعیت و دنیای خواب پیش می رود. کینگ داستان را این بار با دیالوگ های مقطعی زوج مسن پیش می برد و بر کشش داستان می افزاید. منتقد روزنامه واشنگتن پست درباره «رویای هاروی» که نخستین بار در مجله نیویورکر در

جمله های عجیب استفان کینگ

- قصه تنها حقیقتی است درون دروغی بزرگ تر.
- اگر زمانی برای خواندن پیدا نمی کنید، مطمئنا زمان و یا وسیله ای برای نوشتن نیز نمی یابید.
- ترسناک ترین لحظه زندگی، لحظه ای است که شروع به نوشتن می کنید.
- هیولا حقیقت دارد. اشباح هم همین طور. آنها درون ما زندگی می کنند و گاهی برنده می شوند.
- نوشتن، زندگی نیست، اما معتقدم که راهی ست برای بازگشت به زندگی.
- یا مشغول زندگی باش یا درگیر مردن.
- قصه خوب اسرارش را ناگهان برملا نمی کند.
- جاده ای که مقصدش جهنم است با فعل و قید فرش شده.
- من قلب پسرک کوچکی را دارم. آن را در بطری کوچکی پنهان کردم.
- اگر دوست دارید نوجوان باشید، دچار یک مشکل اساسی شده اید.
- کتاب معجزه ای خاص است.
- معتقدم که همه ما از نظر روانی بیماریم.

نویسنده ای که نمی تواند ننویسد

هفت سال پس از آن که یک ون، استفان کینگ را زیر گرفت و باعث در رفتگی زانو و شکستگی ۱۵ استخوان بدنش شد این نویسنده هنوز هم درد می کشد. طرز راه رفتنش عجیب و خیلی خشک است. اندام لاغر و استخوانی شکلش و کوژ مختصر پشتش را به رخ دیگران می کشد. با این حال این ترکیب ظاهری چندان با رفتار او که ترکیبی عجیب از رخوت و تشویش است دور از ذهن نمی نماید.

استفان ادوین کینگ در ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۷ در پورتلند آمریکا به دنیا آمد. وقتی پدر و مادر او از هم جدا شدند زمانی بود که او هنوز یک کودک نوپا بود. او همراه برادر بزرگ ترش دیوید و مادرش به فورث وین ایالت ایندیانا رفتند و چند سالی را در آنجا گذراندند. «دورهام» مدرسه دستور زبانی بود که استفان در آن مشغول تحصیل شد و پس از آن در دبیرستانی

در لیبسون و در سال ۱۹۶۶ فارغ التحصیل شد. وی در دانشگاه «اورنو» در ایالت مین به تحصیلات خود ادامه داد. در دومین سال دانشجویی او نوشتن ستونی از روزنامه هفتگی دانشگاه را بر عهده گرفت. اسفتن و تایتا اسپروک در ژانویه سال ۱۹۷۱ با یکدیگر ازدواج کردند.

کینگ بی شک یکی از مشهورترین نویسندگان دنیاست که تمامی رمان هایش به بیش از ۳۰۰ میلیون نسخه فروش در سرتاسر دنیا دست یافته اند. او همچنین در زمره درتمندترین رمان نویسان جهان است که نشریه فوربز درآمده سالانه او را حدود ۵۰ میلیون دلار اعلام کرده است. او تاکنون توانسته ۵۰ جایزه ادبی را به آثارش اختصاص دهد. این نویسنده اولین داستان قابل فروش خود (زمین شیشه ای) را در سال ۱۹۶۷ نوشت. در بهار ۱۹۷۳، انتشارات «دابل دی» نخستین داستان او را برای انتشار پذیرفت، مشروط بر این که او تدریس را رها کند و تمام وقت خود را برای نویسندگی بگذارد. وی اکنون همراه همسر و سه

فرزندش در شهر کوچکی در مین زندگی می کند. کینگ رمان «کری» را در بهار ۱۹۷۴ منتشر کرد. این رمان با استقبال بی نظیر روبه رو شد و شاید سرآغازی بود برای موفقیت های بعدی کینگ. وی نویسنده پرکاری است که همیشه به نوشتن فکر می کند. کینگ می گوید: «نوشتن تنها کاری است که از من برمی آید. حتی در اوج بیماری ام و وقتی که حالت تهوع شدیدی داشتم هنوز می توانستم بنویسم. وقتی راه می روم ذهنم درگیر داستانی است که دارم می نویسم، به دنبال یک سرخ می گردم، یک اتفاق یا یک گره ذهنی. وقتی هم کار نمی کنم این گره ذهنم نوشتاری رهایم نمی کند. دچار کابوس و میگردن می شوم. همه چیز جلوی چشمم جان می گیرد و گویی جسم و ذهنم با هم تپانی می کنند تا زهر چشمی از من بگیرند و زودتر نوشته ام را به پایان برسانم. همین که سراغ نوشتن می روم می توانم کابوس هایم را با دیگران در میان بگذارم.»

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات ارشد با بیست و هفت عنوان کتاب بر گزرتین نامزد: فرزانه مرتضوی کزونی با شش عنوان بر گزرتین مولفه؛ و محسن سلیمانی با چهار عنوان بر گزرتین مترجم بوده‌اند.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۸۸/۸/۲۲ تا چهارشنبه ۸۸/۸/۲۴، ۱۰۲۲ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع آموزش و کمک‌درس و سپس علوم غنمی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات ادبیات، کودک و نوجوان، دین و سایر موضوعات قرار دارند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

| شاخص‌ها | مقدار | مشخصات کتاب‌ها |
|------------------|--------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| بزرگترین کتاب | ۲۵۰۰۰ ریال | تجویز فی اصول الفقه، وهبه زحبی، ناشر: احسان، چاپ ۱، ۲۴۸ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه |
| گزرتین کتاب | ۲۵۰۰۰۰ ریال | Shigley's mechanical engineering design، ناشر: نوپردازان، چاپ ۱-۹۴، ۱۰۹۴ صفحه، ۱۵۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۸۲ مرتبه | قانون تجارت با آخرین اصلاحات و الحاقات همراه با مواد ۲۱ الی ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۴/۱۲/۱۳۱۱، قانون تجارت الکترونیک، این نامه اصلاحی ثبت تشکیلات ...، ناشر: دیدار، ۳۱۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۳۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۱۱۵۰۰۰۰ نسخه | در مسیر شکوفایی: ویژه دانش‌آموزان دختر سوم ابتدایی و دانش‌آموزان پسر اول متوسطه، علی حسن زاده، ناشر: مهرپرانا، ۱۴۴ صفحه |
| کمترین شمارگان | ۵۰۰ نسخه | پرسی اثر برخی از پایه‌های مریکات بر روی درصد ترکیبات اساسی پوست و آبیروم فلرنگی رقم Page، بهزاد پارازاده در جزئی، ناشر: بهزاد پارازاده در جزئی، چاپ ۱، ۵۹۸ صفحه، ۵۰۰۰۰ ریال |
| بیشترین صفحه | ۱۶۹۴ صفحه | فرهنگ یک جلدی پیشرو آریان‌پور: انگلیسی - فارسی، منوچهر آریان‌پور کاشانی، ناشر: جهان‌رایانه، چاپ ۱، ۱۶۹۰۰۰ نسخه، ۱۶۹۰۰۰ ریال |
| کمترین صفحه | ۲۰ صفحه | راهنمای عملی کارکن بهداشتی در کنترل بهداشت‌های ویروسی در بیمارستان همودیا لیز و یونید کلید، حسن ارگانی، ناشر: افروزنگ، چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه |

شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درس

| شاخص‌ها | مقدار | مشخصات کتاب‌ها |
|------------------|-------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| بزرگترین کتاب | ۱۰۰۰۰۰ ریال | ریاضیات پایه پیش‌دستانی، منوچهر صفاری، ناشر: آوای آزاد، چاپ ۱، ۲۲، ۱۳ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه |
| گزرتین کتاب | ۱۸۰۰۰۰ ریال | مبانی شیمی آلی، جان مک‌گری، محسن باوری، ناشر: نوپردازان، چاپ ۱، ۶۵۶، ۱ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۶۵ مرتبه | مبانی فیزیک مکانیک، ابراهیم روزلیک، محمود بهار، ناشر: پاستوران، ۴۴۰ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۹۰۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۶۶۰۰ نسخه | زبان بنویسید! فارسی دوم دبستان، آموزش خط تحریری براساس کتاب‌های بنویسید و بنویسید، رضا تبریزی، ناشر: فدایی، کتابهای تلفظ، چاپ ۱، ۱۶، ۱۲۰ صفحه، ۲۲۰۰۰ ریال |
| کمترین شمارگان | ۵۰۰ نسخه | مجموعه آزمون‌های ۱۰ سال تکاور ارشد اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، علوم سیاسی، مریم الماسی، ناشر: ارشد، چاپ ۱، ۱۹۲، ۱۰۰۰ صفحه، ۴۵۰۰۰ ریال |

| تعداد نشران در این هفته | تعداد کتاب‌های بدون قیمت | تعداد پدیدآورندگان | | | | تعداد کتاب‌های قیمت |
|-------------------------|--------------------------|--------------------|-------|----|-----|---------------------|
| | | مؤلف* | ترجمه | زن | مرد | |
| ۳۹۱ | ۷۲ | ۱۸۲ | ۷۸۸ | ۵۷ | ۱۹۱ | |

* مؤلف نامی پدیدآورگان باشد نوشته نامی، گردآورنده، مصحح و ... به جز مترجم

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

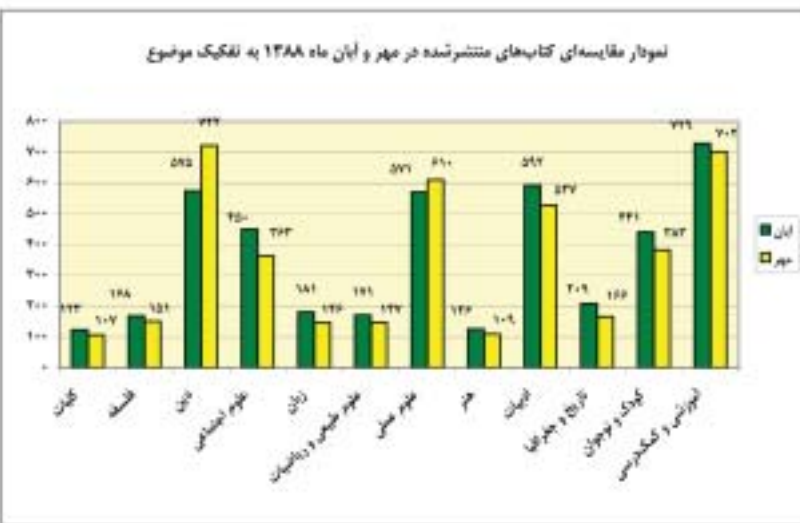
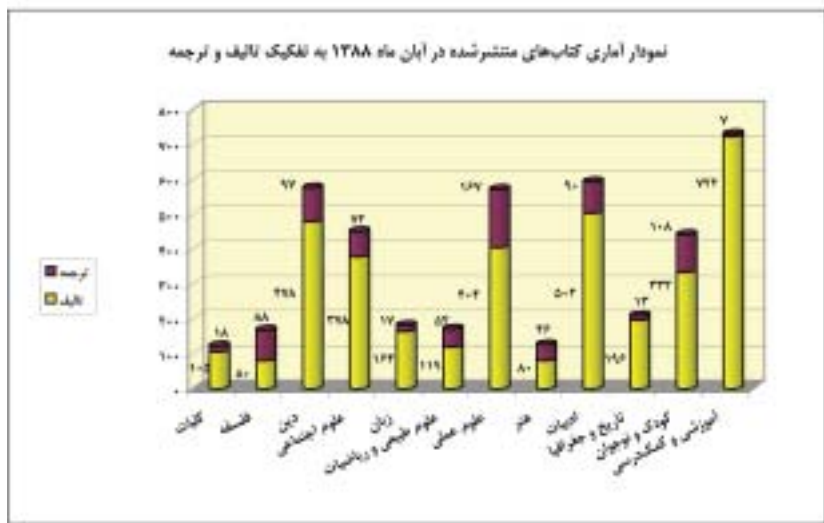
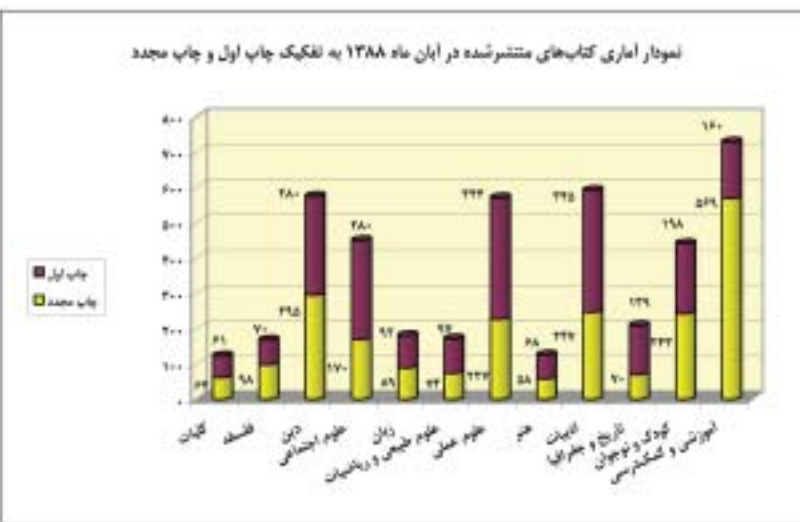
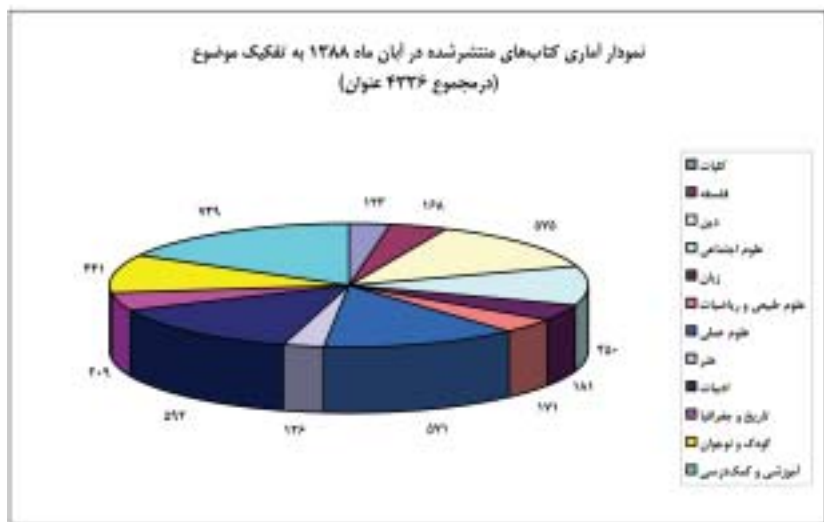
| ردیف | موضوع | تعداد کل | *تایید | ترجمه | چاپ اول | چاپ | تجدید | تهران | شهرستان | شمارگان متوسط | مجموعه صفحه |
|----------|----------------------|----------|--------|-------|---------|-----|-------|-------|---------|---------------|-------------|
| ۱ | کلیات | ۳۱ | ۲۴ | ۷ | ۸ | ۲۳ | ۲۴ | ۷ | ۷ | ۲۱۹۷ | ۳۹۴ |
| ۲ | فلسفه و روانشناسی | ۴۲ | ۱۹ | ۲۴ | ۱۷ | ۲۶ | ۲۶ | ۴ | ۴ | ۲۴۰۷ | ۲۷۳ |
| ۳ | دین | ۱۱۱ | ۹۱ | ۲۰ | ۸۸ | ۵۳ | ۵۹ | ۵۲ | ۵۲ | ۲۸۷۸۱ | ۲۸۳ |
| ۴ | علوم انسانی | ۱۰۶ | ۸۹ | ۱۷ | ۶۶ | ۴۰ | ۸۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۲۹۸۱ | ۲۳۷ |
| ۵ | زبان | ۵۱ | ۳۵ | ۶ | ۲۸ | ۲۴ | ۲۴ | ۵ | ۵ | ۲۹۷۶ | ۴۲۲ |
| ۶ | علوم طبیعی و ریاضیات | ۵۵ | ۳۶ | ۱۹ | ۳۴ | ۲۱ | ۵۱ | ۴ | ۴ | ۱۰۳۹۷ | ۲۰۲ |
| ۷ | علوم غنمی | ۱۳۷ | ۹۲ | ۴۵ | ۸۸ | ۴۹ | ۱۳۶ | ۱۱ | ۱۱ | ۲۰۱۵ | ۲۵۶ |
| ۸ | هنر | ۳۷ | ۱۲ | ۱۵ | ۱۲ | ۱۵ | ۱۵ | ۲ | ۲ | ۲۵۸۰ | ۱۶۸ |
| ۹ | ادبیات | ۱۳۲ | ۱۰۴ | ۲۸ | ۷۱ | ۶۱ | ۱۰۹ | ۲۲ | ۲۲ | ۸۲۶۲ | ۲۵۶ |
| ۱۰ | تاریخ و جغرافیا | ۶۵ | ۶۲ | ۳ | ۴۷ | ۱۸ | ۶۱ | ۴ | ۴ | ۲۴۵۹۸ | ۲۳۴ |
| ۱۱ | آموزشی و کمک‌درس** | ۱۹۳ | ۱۶۹ | ۴ | ۳۹ | ۱۳۴ | ۱۷۱ | ۲ | ۲ | ۲۹۵۷ | ۲۳۶ |
| ۱۲ | کودک و نوجوان | ۱۱۳ | ۹۰ | ۲۳ | ۶۱ | ۵۲ | ۱۰۲ | ۱۱ | ۱۱ | ۴۲۲۱ | ۶۵ |
| جمع بندی | | ۱۰۴۴ | ۸۳۲ | ۲۱۱ | ۵۲۶ | ۵۱۵ | ۹۰۱ | ۱۴۲ | ۱۴۲ | ۸۱۱۴ | ۳۶۰ |

* تایید: به نامی آثاری شامل می‌شود که ترجمه نشده اند ولی برای چاپ در دسترس هستند. ** منظور از موضوع «آموزشی و کمک‌درس» کلیه کتاب‌هایی است که به نحوی با مواد درس و ریاضی‌های آموزشی نام مطابقت تحصیلی ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان مربوط باشد و مطابقت کلیه دانش‌آموزان از پیش‌دستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

| شاخص‌ها | مقدار | مشخصات کتاب‌ها |
|------------------|-------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| بزرگترین کتاب | ۱۸۰۰۰۰ ریال | قصه‌های حیوانات در قرآن، عبدالوهاب امین، رضا راهگزار، ناشر: نهضت نوین، چاپ ۱، ۲۳۶، ۱ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه |
| بیشترین نوبت چاپ | ۳۵ مرتبه | قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب: قصه‌های برگزیده از سندبادنامه و قابوسنامه، مهدی آفرین‌زادی، ناشر: امیرکبیر، کتابهای شکوفه، ۱۲۰ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۲۰۰۰ ریال |
| بیشترین شمارگان | ۱۶۰۰۰ نسخه | عاشق پرتو، علی‌اکبر صفایی‌دیبا، ناشر: همکاران، چاپ ۱، ۲۳، ۳ صفحه، ۶۰۰۰ ریال |
| کمترین شمارگان | ۱۵۰۰ نسخه | قصه‌های نماندگار، شارل پوپ، بهمن رستمی‌پادی، ناشر: افروزنگ و هنر، چاپ ۱، ۱۱۲، ۱ صفحه، ۳۰۰۰۰ ریال |
| بیشترین صفحه | ۹۸۲ صفحه | کلیه هم‌تالی، فریمن‌الولایت (بچرا) استو، محسن سلیمانی، ناشر: افروزنگ، چاپ ۱، ۲۵۰۰، ۱ نسخه، ۹۵۰۰۰ ریال |

وضعیت نشر کتاب در آبان‌ماه ۱۳۸۸





ضرورت تغییر نگرش به مقوله کتابخوانی معلولان

من نیز مثل تو، به کتاب محتاجم

دسته ای از معلولان که جدای از حوادث طبیعی، بخشی از توانایی های خود را در راه ایمان و آزادگی، ارزش های والای انسانی و دفاع از حریم سرزمین خود از دست داده اند، جانبازان سرافرازند. آنان با عشق، گام در عرصه نبرد گذارده و آگاهانه عضو یا اعضای آسمانی وجود خویش را در صحنه جنگ به یادگار سپرده اند.

در این زمینه محمد محرابی تبار جانباز قطع عضو جنگ تحمیلی و از بازنشستگان سپاه، که اکنون در مزرعه ای در شهر نیشابور چون دیگر اعضای جامعه به امرار معاش و فعالیت می پردازد، با تاکید بر این که مساله معلولیت به عنوان ناتوانی رانمی پذیرد، می گوید: «داشتن هدف برای ادامه راه و نرسیدن به پوچی، از اهرم های مهمی است که در ادامه راه، تمامی افراد به ویژه معلولان را یاری می دهد.»

وی که از علاقه مندان به مطالعه کتاب های اعتقادی و اخلاقی است، دسترسی به کتاب و منابع کتابخانه ای را برای تمامی افرادی که به دلیل نوع زندگی و معاش از مرکز اصلی شهر دورند، دشوار می داند و می گوید: «این که بدانیم از چه طریق و با چه گرایش هایی می توانیم به باورهای درست دست یابیم و در ایمان خود استوارتر شویم، از راه مطالعه، ماندگاری و تاثیر بیشتری دارد. در این راه دسترسی به کتاب و شناخت صحیح آثار، این مهم را تأمین می کند.»

محرابی تبار با بیان این که تمامی افراد جامعه نیازمند داشتن باورهایی درست از حقیقت و تعمیق آن هستند، مطالعه کتاب را برای مقابله با پوچگری و تهاجمات و تبلیغات هدفناز بیگانگان ضروری می داند و یادآور می شود: «اگر اطلاع رسانی درباره کتاب و راه های تهیه آثار خوب و ارزشمند تسهیل شود، تمامی اعضای جامعه به ویژه معلولان به راحتی می توانند مطالعات بیشتری داشته باشند.»

به رغم این که در سال های اخیر در حوزه کتاب و کتابخوانی به ویژه برای معلولان و افراد کم توان، توجهات خاصی انجام گرفته است، اما مشکل اصلی این حوزه کمبود منابع بریل و کتاب های شنیداری برای ناشنوایان است. به هر میزان که منابع موجود در کتابخانه ها برای استفاده این دسته از معلولان کم باشد، به همان میزان مراجعه آنها کاهش خواهد یافت.»

تمامی معلولان، به غیر از نابینایان، جدای از مشکلاتی که دارند، می توانند از کتاب هایی که برای عموم جامعه تالیف و منتشر می شوند، استفاده کنند. در این زمینه مهم ترین اقدام علاوه بر آماده سازی محیط ورود به کتابخانه، ارائه میزهای مطالعه ای قابل استفاده برای معلولان و افرادی که از صندلی چرخدار استفاده می کنند، فراهم آوردن زمینه هایی برای تسهیل در جست و جوی کتابخانه ای و امکان استفاده از قرائت خانه یا ایجاد فضایی به همین منظور برای معلولان است.

اطلاع رسانی به معلولان در تمامی زمینه ها به ویژه از تازه های نشر و نحوه دستیابی به آنها، از مهم ترین خدماتی است که می توان به این عزیزان ارائه کرد. در جامعه، بسیاری از معلولان نیز با مشکل کم توانی خود به گونه ای کنار آمده و توانسته اند در مراحل گوناگون زندگی به ویژه در حوزه تحصیلات به درجات قابل توجهی دست یابند که بسیاری از افراد سالم از لحاظ جسمانی، از آن ناتوانند. در این راستا کتابخانه ها می توانند با فراهم کردن زمینه ها و ارائه تسهیلاتی برای مطالعات کتابخانه ای، انجام طرح های پژوهشی و تکمیل پایان نامه ها، آنها را یاری دهند و به گستره توان افزایی آنها بیفزایند.



مراجعه دارند نیز استفاده می کنند، می افزاید: «در این مرکز معلولانی نگهداری می شوند که از دایره آموزش های سازمان آموزش و پرورش خارج شده اند که برخی توانایی ادامه تحصیل را نداشته اند. ما با شناخت کتاب های تازه تالیف که برای معلولان قابل استفاده اند و با کمک خیران و موسسات خصوصی موفق به تهیه برخی از این کتاب ها می شویم.»

مسئول کتابخانه موسسه خیریه عمل می گوید: «کتاب هایی که اغلب این افراد می توانند از آنها استفاده کنند، آثاری اند که برای کودکان عادی در مقطع دبستان و پیش دبستانی تدوین شده اند و باید با تشخیص مربیان هر یک از بخش هایی که کودکان معلول با توجه به میزان هوش و توانایی یادگیری شان در آنجا حضور دارند تهیه شوند.»

وی، عمده علاقه مندی های مطالعه ای معلولان این مرکز را در حوزه کتاب های تاریخ، جغرافیا و ادبیات بیان می کند و می گوید: «مطالعه کتاب های روان شناسی در درجه بعدی مراجعان معلولان قرار دارد. آنها اغلب در پی کتاب های روان شناسی مدرن و آگاهی از آخرین نظریه های اند که در این کتاب ها عنوان می شوند.» آفتاب روشاد، در پایان گفته های خود یادآوری می کند: «با توجه به هزینه های بالای نگهداری از معلولان، عمده بودجه و توانایی مالی موسسات و مراکز اینچنینی، صرف تأمین نیازهای اولیه معلولان می شود. پیش از این، کتاب های خوب و مناسبی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و برخی از ناشران به این موسسات اهدا می شدند اما اکنون این بخش به فعالیت خود پایان داده است و چشم امید ما در تهیه کتاب و تکمیل کتابخانه ها، به دستان خیران و علاقه مندان کمک به توسعه زمینه های مطالعه ای است.»

اگر اطلاع رسانی درباره کتاب و راه های تهیه آثار خوب و ارزشمند تسهیل شود، تمامی اعضای جامعه به ویژه معلولان به راحتی می توانند مطالعات بیشتری داشته باشند

مانند دستگاه تایپ پرکینز، کامپیوتر برجسته نگر، دستگاه به دید و ضبط صوت، در کتابخانه ها بهتر می توانند به مطالعه کتاب بپردازند و از این طریق ارتباط خود را با دنیای خارج گسترش دهند.»

او با اشاره به این که کمتر از یک دهم درصد از کتاب هایی که در کتابخانه ها ارائه می شوند برای معلولان نابینا قابل استفاده اند، اظهار می کند: «حجم زیاد کتاب های بریل و هزینه های بالایی که تولید این کتاب ها دارند، موجب کم توجهی ناشران به چاپ این آثار شده است. اما، چون این کتاب ها با بازگشت سرمایه اندکی مواجه اند، نهاد های دولتی نظیر سازمان بهزیستی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش استثنایی باید برای کمک به این دسته از افراد جامعه که تعداد آنها کم هم نیست، با اختصاص حمایت های مادی زمینه های تهیه و تولید کتاب های این حوزه را فراهم کنند.

ساعی با اظهار تأسف از این که اکنون تنها یک مرکز امور توانبخشی نابینایان بهزیستی کشور با نام رودکی، به تولید کتاب های صوتی و گویا می پردازد، می افزاید: «در این زمینه باید توجه خاصی به تولید و عرضه کتاب های مصور برای کودکان نابینا به ویژه برای کودکانی شود که از ابتدای تولد یا در سال های آغازین، بینایی خود را از دست داده اند و شناختی از دنیای اطراف خود ندارند. کتاب های مصور تمامی اشیاء را در حجمی کوچک به کودکان نابینا معرفی می کنند و تاثیر بسزایی در آموزش دارند که متأسفانه فعالیت های بسیار اندکی در زمینه تولید و انتشار آنها انجام شده است.»

مسوولان و کارشناسانی که مستقیماً با معلولان و نیازمندی های آنان در ارتباطند، با نگاهی متفاوت به نیازهای مطالعه ای آنها می نگرند. سوسن آفتاب روشاد، کارشناس و مسئول کتابخانه موسسه خیریه عمل (مرکز آموزشی، توانبخشی و نگهداری از فرزندان معلول کارگران) با توجه به این که نیاز به مطالعه و آگاه سازی معلولان راز نیازهای مهم این قشر از جامعه می داند، معتقد است: «کمبودهایی که بسیاری از این معلولان به ویژه ناتوانان کم توان جسمی، حرکتی دارند و هزینه های بالایی که باید برای آنها صرف شود، موجب می شود تا تهیه و مطالعه کتاب در شمار نیازهای ثانویه این افراد قرار گیرد که خوب نیست.»

وی با بیان این که از کتابخانه های این مراکز علاوه بر اعضای تحت پوشش، کارمندان و پرسنل موسسه، مراجعان و دانشجویانی که برای پژوهش

آمار سازمان بهداشت جهانی ۱۰ درصد از جمعیت جهان را دچار معلولیت می داند. سهم کشور ما از این آمار، دو میلیون و ۷۰۰ هزار معلول است که ۵۰۰ هزار نفر آنان را نابینایان و نیمه بینایان و ۵۰۰ هزار نفر ناشنوایان و کم شنوایان تشکیل می دهند. ۴۰۰ هزار نفر معلول ذهنی و یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر معلول جسمی، حرکتی نیز دسته ای دیگر از معلولان کشور ما را تشکیل می دهند.

جوامع گوناگون در دوره های تاریخی، افرادی را با توانایی های گوناگون در خود جای داده اند که بخشی از آنها، افراد کم توان جسمی یا حرکتی اند که آنها را با عنوان «معلول» می شناسیم. بسیاری از این افراد از ابتدای زندگی، با کم توانی به دنیا آمده اند و تعداد زیادی نیز در مسیر زندگی، اعضای از جسم خود را در حوادث ناگوار، جایی گذارند و ناچار باقی راه را باید بدون آن سپری کنند.

کارشناسان این افراد را به چهار دسته معلولان نابینا، ناشنوا، معلولان جسمی، حرکتی و معلولان روانی تقسیم می کنند که برخی نیز چند معلولیت را به شکل توأمان دارند. جدای از مشکلات متفاوتی که در برهه های زندگی این گروه از اعضای جامعه وجود دارد، مشکلات آگاه سازی، اطلاع رسانی و کمک به توانمندسازی های جسمی و روحی برای پذیرش واقعیت متفاوت بودن و اعتقاد داشتن به توانایی ها و احیای آن، خدمات بزرگی اند که اغلب از طریق کتاب و رسانه های مکتوب ارائه و ممکن می شوند.

برای شناخت و تهیه کتاب مناسب این گروه، موانعی وجود دارند که تمامی معلولان به راحتی قادر به عبور از آنها نیستند، از جمله این موانع می توانیم به مشکلات شهرسازی در رسیدن به کتابخانه ها برای معلولان جسمی، حرکتی اشاره کنیم، اما این افراد با هر مشکلی و پس از آن که خود را به محیط کتابخانه می رسانند، نیز نیازمند تسهیلاتی برای رسیدن به مخزن کتابخانه، انتخاب کتاب، تحویل گرفتن آن و فضایی برای مطالعه آثار یا انجام تحقیق و پژوهش اند.

فرد معلول علاوه بر نیازهای عادی که سایر اعضای سالم و توانمند جامعه دارند، به دلیل برخی از کاستی هایی که با آنها مواجه است، نیازهای خاصی دارد که آگاهی از نحوه برخورد با آنها و چگونگی استفاده از دیگر نیروها برای توانمند شدن و بازگشت به جامعه یا ادامه مسیر، باید اطلاعاتی مفید و قابل اتکا داشته باشد.

این افراد علاوه بر اطلاعاتی که خود نیازمند آگاهی از آنند، خانواده ها و نزدیکانی دارند که باید از نحوه برخورد و مراقبت از این عزیزان اطلاعاتی داشته باشند، حتی پدران، مادران و مربیان نیز برای پرورش صحیح و دادن دیدگاه هایی روشن و آینده نگر به افراد کم توان، برای شناخت و آگاهی نیازمند منابعی اند. در این زمینه باید بررسی شود که تا چه اندازه برای این افراد یا دربارۀ آنان، کتاب هایی تالیف می شوند و چگونه به دست آنها می رسند.

در این زمینه، روح الله ساعی، مدیر بخش نابینایان کتابخانه مرکزی تبریز، با اشاره به لزوم توجه به مناسب سازی فضاهای کتابخانه ای برای استفاده تمامی معلولان به ویژه نابینایان که توانایی مطالعه کتاب های عادی را ندارند، می گوید: «این دسته از معلولان بیشترین یافته های خود را از طریق نیروی شنوایی و لامسه به دست می آورند. بر این اساس با استفاده از کتاب های گویا (صدای ضبط شده، صدای مصنوعی)، کتاب های لمسی، کتاب های بریل، کتاب چاپ درشت، کتاب مناسب سازی شده برای ناشنوایان، نوارهای ویدئویی (قصه گویی به زبان اشاره) و وسایل و تجهیزات کمکی،



روایت اول شخص

معرفی دانیل کلمن در ایران

■ سعید فیروزآبادی، مترجم و مدرس دانشگاه



مجموعه «اندیشه‌های زرین» انتشارات بدیبه، شامل گفته‌های بزرگان ادبیات، تاریخ، فلسفه و غیره که ترجمه بخش آلمانی آن بر عهده من بوده، به جلد بیستم رسیده است. تاکنون اندیشه‌های زرین شیلر، گوته، انیشتین و غیره از این مجموعه منتشر شده و اندیشه‌های زرین هانس هاینریش شدر و کافکا آماده انتشار است.

اخیراً نیز کتابی با عنوان «۱۵ گفتار در باب ترجمه» توسط نشر کتاب پارسه از من منتشر شده است. هشت فصل نخست این کتاب به نظریه ترجمه اختصاص دارد و هفت گفتار بعدی آن به مشکلاتی که دانشجویان و مترجمان حین ترجمه متون آلمانی با آن سروکار دارند، پرداخته است. این مباحث را من در دانشگاه تدریس می‌کنم بنابراین کتابی درسی به حساب می‌آید.

همچنین از کتاب‌های در دست انتشار، می‌توانم به رمان «من و کامینسکی» نوشته دانیل کلمن توسط نشر جیحون اشاره کنم. این داستان در سال ۲۰۰۴ نوشته شده و موضوع آن زندگی یک نقاش نابیناست که خبرنگاری می‌خواهد زندگی او را بنویسد؛ اما در این ماجرا به حقیقت وجود خود پی می‌برد. با انتشار این رمان برای نخستین بار کلمن، نویسنده ۳۴ ساله آلمانی، در ایران معرفی می‌شود. آخرین کتاب او با عنوان «شهرت» در سال ۲۰۰۹ پر فروش‌ترین کتاب آلمان شد.

کلمن ساده و جذاب می‌نویسد و به نوعی به مسائل روز و نقد اجتماع خود می‌پردازد. البته می‌توان ویژگی‌های این نویسنده را در زبان طنز، «من راوی» و نقد اجتماع خلاصه کرد.

از سوی دیگر، ترجمه «قلمرو زبان فارسی» نوشته پروفیسور فراگنر، ایران‌شناس و اسلام‌شناس اتریشی معاصر به تازگی به پایان رسیده و در مرحله نمونه خوانی است. این اثر نگرش جدید و متفاوتی به زبان فارسی دارد. زبان فارسی، زبان دوم قلمرو اسلام بوده و در این کتاب جلوه‌های رشد، توسعه و مشکلات و افول این زبان از هند تا اروپا و از اوارد تا عربستان بررسی شده است.

اما تا چند ماه دیگر، واژه‌نامه آلمانی به فارسی را در ۳۰۰۰ صفحه با همکاری انتشارات زبان‌کنده و «لانگین شاید» آلمان شامل ۶۶ هزار مدخل و شاهد و مثال برای همه مدخل‌ها و ترکیبات منتشر می‌کنم. از سوی دیگر، ترجمه من از سفرنامه و خاطرات پزشک سوئیسی، کونسلر، با عنوان «سرزمین اشک و خون» که در زمان جنگ جهانی اول در ترکیه شاهد کشتار ارمنه بوده، توسط انتشارات نائری منتشر خواهد شد.

کتاب‌های جامع تخصصی

■ محمدرضا آشتیانی، مدیر انتشارات رسانه تخصصی

هفته گذشته کتابی با عنوان «تضمین کیفیت در موسسات آموزشی» با ترجمه محمدرضا کرامتی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و محسن رحیمی، کارشناس ارشد برنامه ریزی مدیریت ویژه مدیران دانشگاهی و موسسات آموزشی، مدارس و دانشجویان مدیریت منتشر شد.

اما به زودی سی و سومین عنوان از مجموعه کتاب‌های جامع رسانه تخصصی منتشر خواهد شد. کتاب جامع «آسم و آلرژی» به مناسبت برگزاری سومین همایش تخصصی آسم و آلرژی عنوان این اثر است. کتاب برای استفاده متخصصان آسم و آلرژی همراه یادنامه ابوالحسن فرهودی، پیام رئیس همایش و مصاحبه با رئیس انجمن آسم و آلرژی تهیه شده است. فصل نخست آن شامل تاریخچه آسم، نگاهی به پیشینه آسم، فهرست اطلاعات متخصصان آسم و آلرژی در ایران، فهرست متخصصان عضو هیات علمی دانشگاه‌های سراسر کشور، آشنایی با انجمن آسم و آلرژی ایران، معرفی مرکز تحقیقات ایمونولوژی آسم و آلرژی و آشنایی با کرسی یونسکو در آموزش سلامت می‌شود.

دو سری کتاب در قالب یک مجموعه نیز آماده انتشار است. کتاب‌های حقوقی شامل حقوق بشر، حقوق خصوصی، محیط زیست، مجموعه سوالات طبقه‌بندی شده آزمون وکالت و حقوق عمومی در این مجموعه گنجانده شده‌اند. این مجموعه توسط محمد و محمود ابراهیم قزوینی گردآوری و تالیف شده است.

مجموعه دیگر با عنوان «رازهای خوشبختی» شامل کتاب‌هایی چون «خانم‌ها بدانند»، «والدین بدانند» و «فرزندان بدانند» منتشر خواهد شد. مولفان این مجموعه مسلم رادمنش، منیر فضلی و معصومه چنگیزی آشتیانی‌اند. تنظیم کتاب‌های این مجموعه با نظر کارشناسان مشاوره و روان‌شناسی صورت می‌گیرد.

یادها و خاطره‌ها در «چهره‌های ایرانی»

■ غلامرضا امامی، نویسنده و مترجم



اخیراً چند کتاب با تالیف یا ترجمه من توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده است. «قندیل کوچک» نوشته غسان کنگانی نویسنده فقید فلسطینی با تصویرگری پرستو احدی، یکی از این کتاب‌هاست. این کتاب قصه‌ای جهانی با درونمایه‌ای از آزادی برای نسل نوجوان است که با استقبال مخاطبان مواجه شد و در کمتر از دو ماه ۵۰۰۰ نسخه از آن به فروش رسید.

همچنین، چاپ ششم «فرزند زمان خویش باش»، زندگی و سخنان حضرت علی (ع) و چاپ چهارم «عبادتی چون تفکر نیست»، زندگی و سخنان پیامبر (ص)، نیز به تازگی روانه بازار نشر شده است. آنچه در این کتاب‌ها که سال‌ها پیش تالیف شده‌اند، در نظر گرفته‌ام جذابیت آن برای هر نسلی بوده و در آنها کوشیده‌ام گزیده‌ای از زندگی پاک و سخنان جاودانه این دو بزرگوار را از سرچشمه اصلی آنها گردآوری و ترجمه کنم تا پاسخی باشد برای ذهن کنجکاو جوانان. «عبادتی چون تفکر نیست» سال‌ها پیش به دستور امام خمینی (ره) به زبان انگلیسی ترجمه و برای دانش‌آموزان آمریکایی ارسال شد.

انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی نیز چاپ چهارم «جز زیبایی ندیدم» شامل زندگی‌نامه مستند حضرت زینب (س) با نثری آهنگین و ادبی و چاپ سوم کار تحقیقی «ورزش در اسلام و ایران» را از من به تازگی منتشر کرده است. همچنین به زودی کتابی با عنوان «مرد کوچولو» نوشته عباس کازرونی با ترجمه من در مجموعه ادبیات مهاجرت نشر هرمس منتشر می‌شود. تاکنون سه کتاب از این مجموعه با دبیری و ترجمه من آماده شده است. مجموعه «ادبیات مهاجرت» به ادبیات نویسندگان جوانی می‌پردازد که نسل دوم مهاجران را تشکیل می‌دهند. اغلب این افراد در کودکی مجبور به ترک سرزمین خود شده‌اند و با نگاهی کاملاً نوستالژیک به ایران نگریسته‌اند.

یک مجموعه دیگر نیز با عنوان «چهره‌های ایرانی» در دست اقدام دارم. در این مجموعه پنج جلدی به زندگی، یادها و خاطرات افرادی پرداخته‌ام که از

چهره‌های شاخص ما بوده‌اند و من دورانی را با آنها در سفر گذرانده یا از دوستانم بوده‌اند و با ابعاد گوناگون زندگی آنها آشنا هستم.

عنوان هر یک از کتاب‌های این مجموعه که توسط نشر افق منتشر خواهد شد، عبارت است از «باطالقانی آن پیر پاک ما» (زندگی، سفر و تجربه‌های آیت‌الله طالقانی)، «جلال آل قلم» (یادها، سفرها و نامه‌هایی از جلال)، «شریعتی شاهد زمانه» (یادها، خاطرات و تصاویری از شریعتی)، «گل سرخ دشت ما» (یادها و تصاویر خسرو گل‌سرخ) و «حکیمی، حکیم زمانه» (درباره محمدرضا حکیمی) که سابقه آشنایی ام با او به دوران نوجوانی ما برمی‌گردد.

اما کتاب‌های «راز قلعه» برداشتی از قصه‌های مولانا با نگاهی نو برای نوجوانان توسط نشر شهر، ترجمه کتاب «قصه‌ها» شامل مجموعه داستان‌های کوتاه غسان کنگانی همراه زندگینامه او توسط نشر کارنامه، «پرنده و دیوار» قصه‌ای برای نوجوانان و «سی مرغ و سیم‌رخ» نگاهی تازه به عطار از دریچه کثرت به وحدت توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دست انتشارند.

یادداشت‌های یک مرد جنگی

■ مصطفی محمدی، نویسنده



سررسید ۶۳؛ یادداشت‌های روزانه یک مرد جنگی، نام تازه‌ترین اثر من است.

از نام و عنوان این اثر برمی‌آید که من دستی به پستی ادبیات شفاهی جنگ برده‌ام. حرف‌هایی

نوشته‌ام که برای من است و از من بر نمی‌آید. توی زیر شاخه کتاب‌های جنگی امروزی به این می‌گویند «یادداشت نوشته و دل نوشته و ...» عنوانی از این دست. از این مهم‌تر، محتوای آن است؛ البته همین محتوا باعث می‌شود نامی غیر از این شاید که به روی جلد آن نگاشت. روزی که توی نشر علم با مهدی علمی سر نام آن چک و چانه می‌زدیم، سر آخر به این توافق رسیدیم که سال را از وسط آن برداریم و به جای «سررسید سال ۶۳» بشود «سررسید ۶۳». حالا که فکرش را می‌کنم بدم نشده. سررسید ۶۳ که نخستین کار من با یک ناشر خصوصی است، تماماً دست‌نوشته و یادداشت روزانه یکی از رزمندگان جهادگر دوران جنگ است که در نخست بار به صورت اجباری و برای رساندن کمک‌های مردمی از قم به اهواز با کمپرسی شخصی رهسپار جنوب می‌شود. او که به شدت با فضای جبهه و جنگ و حتی انقلاب بیگانه و تا اندازه‌ای هم بیزار بوده، به یک باره دچار شوک و تلاطم روحی می‌شود و هنگامی که ستاد تبلیغات جنگ دفترچه‌هایی چاپ شده را که مخصوص جمع‌آوری خاطرات رزمندگان بوده، میان نیروها توزیع می‌کند، یکی هم به دست او می‌رسد. وی احساس می‌کند این یک هم، کاری اجباری است؛ بنابراین دست به قلم می‌برد. کمی که صفحات آن را سیاه می‌کند، تازه می‌فهمد که اجباری در کار نبوده. به همین خاطر تصمیم می‌گیرد آن را از بین ببرد؛ اما متوجه می‌شود چندان هم بد نشده؛ یعنی دست کم برای خودش آن را خواندنی و خوشمزه می‌پندارد؛ پس، مصمم می‌شود که یادداشت‌های روزانه‌اش را ادامه بدهد. این کار درگیر و دار درگونی‌های روحی و حوادث روزمره دیگری رخ می‌دهد؛ چندان که در همان فضای جنگ، برای نخستین بار نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد و ...

اما نام این شهید، از آنجا که خاطرات وی محرمانه بود و نه خصوصی، نه می‌توانستیم از نشر آنها چشم‌پوشیم و نه نامش را فاش کنیم. البته چیزهایی از این دست توضیحات و توجیحات در پیش درآمد کتاب آورده‌ام.

این یادداشت‌ها از بهار سال ۶۳ تا آخرین روزهای عمر شهید گمنام، ادامه و پیوستگی دارد. نشر علم آن را در نوبت چاپ نخست با شمارگان ۲۲۰۰ و قطع رقیعی با ۲۷۸ صفحه و ۵۵۰۰ تومان به چاپ رسانده است.

یادداشت

فیروز زنوزی جلالی
عضو هیات داوران
جایزه جلال آل احمد



جایزه جلال و کیفیت آثار



جایزه جلال یکی از جوایز مطرح و ملی کشور است که دومین دوره‌اش هفته گذشته برگزار شد. شاید مهم‌ترین اصل در برجستگی این جایزه اعتبار مادی آن باشد؛ چرا که علاوه بر سطح پوشش و حساسیت داوری در جایزه جلال، این جایزه گران‌ترین جایزه ادبی کشور هم هست و در کشور چنین جایزه‌ای با این اعتبار مادی نداریم.

اساس برپایی جوایز و جشنواره‌ها توجه به زبان و ادبیات از مقوله معنوی و مادی است، وجه مادی یک جایزه از با اهمیت‌ترین وجوه آن است و این موضوع در همه جای دنیا برای نویسندگان و اهل قلم اهمیت بسزایی دارد. ما هر سال شاهد برگزاری جوایز بسیاری با بنیه‌های مادی ضعیف و به صورت صوری هستیم، از این لحاظ جایزه جلال جایزه‌ای متفاوت است.

سال گذشته کتاب «قاعده بازی» من، شایسته تقدیر جایزه جلال شناخته شد، در این دوره نیز من خود از داوران جایزه جلال بودم. هر نوع جایزه‌ای دارای یک سری فرم‌های ارزشیابی ویژه آن جشنواره است. در این جایزه نیز با اظهار نظر داوران آثار درخور به مرحله بعد راه می‌یابند. در فرم‌های داوری جایزه جلال امتیازهای بسیاری برای معیارهای دیگر در نظر گرفته شده و برای انتخاب اثر برتر باید آن اثر بتواند از مجموعه ۱۰۰ امتیاز، ۹۰ امتیاز را به خود اختصاص دهد. در نتیجه داوری‌ها به دور از اظهار نظرهای شخصی است.

اما برپایی چنین جایزه‌ای با توجه به آن که فضای رقابتی را میان مولفان و صاحبان اثر ایجاد می‌کند، تاثیر بسزایی در رشد کیفی آثار دارد و نویسندگان را از کتاب‌سازی برحذر می‌دارد.

سالانه تعداد بسیاری کتاب در حوزه‌های مختلف از جمله داستان منتشر می‌شود، اما هنگامی که قرار است اثری در جشنواره‌ای ارزیابی شود و از نگاه تیزبینانه داوران بگذرد، کتابی با درونمایه مناسب و پرداخت درخور، کمتر به چشم می‌آید.

برپایی چنین جشنواره‌ها و جایزه‌هایی سبب می‌شود نویسندگان و مولفان همواره خود را در معرض داوری قرار دهند، از کتاب‌سازی دوری کنند و به هر سوژه دم دستی نپردازند. شاید در ابتدا تولید کتاب کمتر باشد یا در کارنامه صاحب اثر کارهای کمتری دیده شود، اما همان نویسنده به سوژه درخور و شایان خود به بهترین نحو و با به کارگیری تمام ذوق و هنرش می‌پردازد که این امر بازار رقابتی کیفی نویسی را ایجاد می‌کند.

اما تداوم برپایی چنین جشنواره‌هایی به نویسندگان و صاحبان اثر بازمی‌گردد. احترام به نظر داوران و تلاش برای ارتقای کیفی آثار در به جای گذاشتن اثرات مثبت جایزه و حفظ کیفیت آن موثر است.

اگر دریافت جایزه برای ما نویسندگان مهم باشد، سعی می‌کنیم آثاری نیرومند و قوام‌یافته خلق کنیم. تلاش دسته‌جمعی نویسندگان برای به دست آوردن جایزه باعث بالا بردن کیفیت آثاری می‌شود که قرار است در جایزه و جشنواره‌ای ارزیابی شوند.